



وزارت معارف

تاریخ

صف ۱۲

تاریخ
صف ۱۲





سرود ملي

دا عزت د هر افغان دی
هر بچی یې قهرمان دی
د بلوخو د ازبکو
د ترکمنو د تاجکو
پامیریان، نورستانیان
هم ايماق، هم پشه ٻان
لکه لم پرشنه آسمان
لکه زره وي جاويдан
وايو الله اکبر وايو الله اکبر

دا وطن افغانستان دی
کور د سولي کور د توري
دا وطن د ټولو کور دی
د پښتون او هزاره وو
ورسره عرب، گوجردي
براھوي دی، ټرليباش دی
دا هيوا د به تل حلبي
په سينه کې د آسيا به
نوم د حق مودي رهبر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ



تاریخ
صنف دوازدهم

۱۳۹۸

هـ.ش.

مشخصات کتاب

ضمون: تاریخ

مؤلفان: گروه مؤلفان کتاب‌های درسی دیپارتمنت تاریخ نصاب تعلیمی

ویراستاران: اعضای دیپارتمنت ویراستاری و ایدیت زبان دری

صنف: دوازدهم

زبان متن: دری

انکشاف دهنده: ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تالیف کتب درسی

ناشر: ریاست ارتباط و آگاهی عامه وزارت معارف

سال چاپ: ۱۳۹۸ هجری شمسی

مکان چاپ: کابل

چاپ خانه:

ایمیل آدرس: curriculum@moe.gov.af

حق طبع، توزیع و فروش کتاب‌های درسی برای وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان محفوظ است. خرید و فروش آن در بازار ممنوع بوده و با متخلفان برخورد قانونی صورت می‌گیرد.

پیام وزیر معارف

اقرأ باسم ربك

سپاس و حمد بیکران آفریدگار یکتایی را که بر ما هستی بخشدید و ما را از نعمت بزرگ خواندن و نوشتن برخوردار ساخت، و درود بی پایان بر رسول خاتم - حضرت محمد مصطفی ﷺ که نخستین پیام الهی بر ایشان «خواندن» است.

چنانچه بر همه گان هویادست، سال ۱۳۹۷ خورشیدی، به نام سال معارف مسمی گردید. بدین ملحوظ نظام تعلیم و تربیت در کشور عزیز ما شاهد تحولات و تغییرات بنیادینی در عرصه‌های مختلف خواهد بود؛ معلم، متعلم، کتاب، مکتب، اداره و شوراهای والدین، از عناصر شش گانه و اساسی نظام معارف افغانستان به شمار می‌روند که در توسعه و انکشاف آموزش و پژوهش کشور نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. در چنین برهه سرنوشت‌ساز، رهبری و خانواده بزرگ معارف افغانستان، متعهد به ایجاد تحول بنیادی در روند رشد و توسعه نظام معاصر تعلیم و تربیت کشور می‌باشد.

از همین‌رو، اصلاح و انکشاف نصاب تعلیمی از اولویت‌های مهم وزارت معارف پنداشته می‌شود. در همین راستا، توجه به کیفیت، محبت و فرایند توزیع کتاب‌های درسی در مکاتب، مدارس و سایر نهادهای تعلیمی دولتی و خصوصی در صدر برنامه‌های وزارت معارف قرار دارد. ما باور داریم، بدون داشتن کتاب درسی باکیفیت، به اهداف پایدار تعلیمی در کشور دست نخواهیم یافت.

برای دستیابی به اهداف ذکر شده و نیل به یک نظام آموزشی کارآمد، از آموزگاران و مدرسان دلسوز و مدیران فرهیخته به عنوان تربیت کننده گان نسل آینده، در سراسر کشور احترامانه تقاضا می‌گردد تا در روند آموزش این کتاب درسی و انتقال محتوای آن به فرزندان عزیز ما، از هر نوع تلاشی دریغ نورزیده و در تربیت و پژوهش نسل فعال و آگاه با ارزش‌های دینی، ملی و تفکر انتقادی بکوشند. هر روز علاوه بر تجدید تعهد و حس مسؤولیت پذیری، با این نیت تدریس را آغاز کنند، که در آینده نزدیک شاگردان عزیز، شهروندان مؤثر، تمدن و معماران افغانستان توسعه یافته و شکوفا خواهند شد.

همچنین از دانش آموزان خوب و دوست داشتنی به مثابه ارزشمندترین سرمایه‌های فردای کشور می‌خواهیم تا از فرصت‌ها غافل نبوده و در کمال ادب، احترام و البته کنجدکاوی علمی از درس معلمان گرامی استفاده بهتر کنند و خوش‌چین دانش و علم استادان گرامی خود باشند.

در پایان، از تمام کارشناسان آموزشی، دانشمندان تعلیم و تربیت و همکاران فنی بخش نصاب تعلیمی کشور که در تهیه و تدوین این کتاب درسی مجدانه شبانه روز تلاش نمودند، ابراز قدردانی کرده و از بارگاه الهی برای آنها در این راه مقدس و انسان‌ساز موفقیت استدعا دارم.

با آرزوی دستیابی به یک نظام معارف معیاری و توسعه یافته، و نیل به یک افغانستان آباد و مترقی دارای شهر و ندان آزاد، آگاه و مرفه.

دکتور محمد میرویس بلخی
وزیر معارف

فهرست

تاریخ صنف دوازدهم



عنوان.....	صفحه
فصل اول: احیای مجده افغانستان.....	۱
اهداف فصل اول.....	۲
درس اول: اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی افغانستان قبل از به قدرت رسیدن احمد شاه بابا.....	۳-۶
درس دوم: احمد شاه بابا و تحکیم دولت مرکزی.....	۷-۱۰
درس سوم: سویقات نظامی احمد شاه بابا.....	۱۱-۱۶
درس چهارم: جانشینان احمد شاه بابا - سلطنت ییمور شاه.....	۱۷
سلطنت زمان شاه (۱۷۹۳-۱۸۰۱ م.).	۱۸-۱۹
سلطنت شاه محمود ابدالی (۱۸۰۱-۱۸۰۴ م.).	۱۹-۲۰
درس پنجم: سلطنت اول شاه شجاع (۱۸۰۴-۱۸۰۹ م.).	۲۱-۲۲
سلطنت دوم شاه محمود (۱۸۰۹-۱۸۱۸ م.).	۲۲-۲۴
درس ششم: تجدید رقابت ها و اختلافات.....	۲۵-۲۸
درس هفتم: انتقال قدرت و مداخلات (۱۸۱۸-۱۸۳۴ م.).	۲۹-۳۲
درس هشتم: شاه شجاع و قیام ملی.....	۳۳-۳۶
درس نهم: پادشاهی دوم امیر دوست محمد خان.....	۳۷-۴۰
سلطنت اول امیر شیرعلی خان (۱۸۶۳-۱۸۶۶ م.).	۴۱-۴۲
سلطنت امیر محمد افضل خان (۱۸۶۶-۱۸۶۷ م.).	۴۲-۴۳
سلطنت امیر محمد عظیم خان (۱۸۶۷-۱۸۶۸ م.).	۴۳-۴۴
درس یازدهم: اصلاحات و ریفورم (۱۸۶۸-۱۸۷۹ م.).	۴۵-۴۸
درس دوازدهم: سلطنت امیر محمد یعقوب خان (از ماه مارچ تا اکتوبر ۱۸۷۹ م.).	۴۹-۵۲
درس سیزدهم: تحکیم قدرت مرکزی (۱۸۸۰-۱۹۰۱ م.).	۵۳-۵۸
درس چهاردهم: عقد معاهدات.....	۵۹-۶۰
درس پانزدهم: سلطنت امیر حبیب الله خان (۱۹۰۱-۱۹۱۹ م.).	۶۱-۶۴
درس شانزدهم: جنبش های مشروطیت.....	۶۵-۶۸
بررسی فصل اول.....	۶۹
فصل دوم: از استرداد استقلال تا پایان نظام جمهوری (۱۹۱۹-۱۹۷۸ م.).	۷۰
اهداف فصل دوم	۷۰
درس هفدهم: پادشاهی امیر امان الله خان و نقش او در استرداد استقلال کشور (فبروری ۱۹۱۹ م. جنوری ۱۹۲۹ م.) ...	۷۱-۷۴

درس هجدهم: استرداد استقلال کشور و جهات سه گانه نبرد	۷۸-۷۵
درس نزدهم: اصلاحات و ریفورم (۱۹۲۸-۱۹۲۱م).	۸۲-۷۹
درس بیستم: سفر اروپایی شاه امان الله خان غازی ۱۹۲۷م مطابق ۱۳۰۶هـ.ش)	۸۶-۸۳
درس بیست و یکم: عکس العمل در برابر اصلاحات	۹۰-۸۷
درس بیست دوم: ختم بحران و تحکیم قدرت ۱۹۲۹م مطابق ۱۳۰۸هـ.ش)	۹۴-۹۱
درس بیست و سوم: ترتیب و تدوین اصول نامه	۹۸-۹۵
درس بیست و چهارم: سلطنت محمد ظاهر شاه	۱۰۲-۹۹
درس بیست و پنجم: اولین پلان پنج ساله (۱۹۵۶م مطابق ۱۳۳۵هـ.ش)	۱۰۴-۱۰۳
درس بیست و ششم: دهه دیموکراسی (۱۳۴۲-۱۳۵۲هـ.ش)	۱۰۸-۱۰۵
درس بیست و هفتم: عوامل تغییر رژیم از سلطنت به جمهوریت	۱۱۰-۱۰۹
درس بیست و هشتم: کودتای ۲۶ سرطان (۱۳۵۲هـ.ش)	۱۱۳-۱۱۱
فصل دوم	۱۱۴
فصل سوم: کشورهای همجوار افغانستان	۱۱۵
اهداف فصل سوم	۱۱۶
درس بیست نهم: جمهوری اسلامی پاکستان	۱۲۰-۱۱۷
درس سی ام: جمهوری اسلامی ایران	۱۲۴-۱۲۱
درس سی و یکم: جمهوری خلق چین	۱۲۸-۱۲۵
درس سی و دوم: تاجیکستان	۱۳۲-۱۲۹
درس سی و سوم: ازبکستان	۱۳۶-۱۳۳
درس سی و چهارم: ترکمنستان	۱۴۰-۱۳۷
بررسی فصل سوم	۱۴۱
فصل چهارم: رویدادهای مهم جهان در قرن بیست	۱۴۲
اهداف فصل چهارم	۱۴۳
درس سی و پنجم: جنگ جهانی اول و علل آن	۱۴۸-۱۴۳
درس سی و ششم: جنگ جهانی دوم	۱۵۲-۱۴۹
درس سی و هفتم: حمله جاپان به هند و چین	۱۵۶-۱۵۳
درس سی و هشتم: تشکیل سازمان ملل متحد	۱۵۸-۱۵۷
درس سی و نهم: تبدیل جاپان به یک قدرت صنعتی	۱۶۲-۱۵۹
درس چهلم: فروپاشی اتحاد شوروی	۱۶۶-۱۶۳
درس چهل و یکم: جمهوری آلمان	۱۷۰-۱۶۷
درس چهل و دوم: جمهوری فرانسه	۱۷۴-۱۷۱
درس چهل و سوم: دولت شاهی انگلستان	۱۷۸-۱۷۵
بررسی فصل چهارم	۱۷۹

فصل اول

احیای مجدد افغانستان

اهداف فصل اول

- ۱- آشنایی به وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی افغانستان قبل از به قدرت رسیدن احمد شاه ابدالی؛
- ۲- آشنایی به چگونه‌گی احیای مجدد افغانستان؛
- ۳- آشنایی به شخصیت احمد شاه بابا و سوقيات نظامی او؛
- ۴- معرفت با جانشینان احمد شاه بابا، طرز اداره و حکومت آن‌ها؛
- ۵- تحلیل ماهیت پالیسی انگلیس و علل تجاوزات آن بر افغانستان؛
- ۶- دانستن عوامل درگیری‌ها و اختلافات؛
- ۷- آگاهی از اهداف جنبش مشروطیت در افغانستان و تحلیل آن؛
- ۸- نقشه‌های تاریخی افغانستان را ترسیم کرده بتوانند؛
- ۹- توانایی نشان دادن محلات و جاهای مورد نظر در نقشه؛
- ۱۰- تحلیل اوضاع سیاسی و فرهنگی.

اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی افغانستان قبل از به قدرت رسیدن احمد شاه ابدالی



بایزید انصاری

در این درس راجع به اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، جنبش‌های آزادی‌خواهی و نقش آن در بیداری مردم افغانستان قبل از احیای مجدد افغانستان معلومات ارائه می‌گردد.

در آغاز قرن ۱۶ میلادی، حوادث ناگوار سیاسی در داخل افغانستان و کشورهای همسایه رخ داد که این نابه‌سامانی‌ها و دگرگونی‌ها به ضرر افغانستان تمام شد. بعد از مرگ سلطان حسین بایقراء در (۱۵۰۵ م) افغان‌ها دولت مرکزی خود را از دست داده و تجزیه طلبان در هر گوش و کنار قد علم نموده و در جنگ و جدال به جان همدیگر افتادند.

در ماوراء‌النهر دولت شیبانی در (۱۵۰۱ م). تشکیل گردید، در ایران دولت صفوی در (۱۵۰۲ م.) تأسیس شد و در هند، دولت مغولی بوجود آمد. هر سه دولت جدید‌التشکیل بر شمال، غرب و شرق افغانستان تجاوز نمودند و افغانستان تجزیه گردید. دولت مرکزی از بین رفت، سوقیات نظامی و لشکرکشی‌ها افغانستان را به میدان تاخت و تاز مبدل ساخت. دولت‌های متتجاوز برای تسخیر اراضی بیشتر، همیشه بالای یکدیگر حمله می‌نمودند؛ در اثر برخورددها؛ شهرهای بزرگ و آباد به ویرانهای تبدیل گردیدند. انواع مظالم توسط اشغالگران صورت می‌گرفت، روز به روز تنفر و انجار مردم در مقابل آن‌ها اضافه تر می‌شد و مردم مخفیانه به مبارزات استقلال طلبانه بر ضد استبداد شروع نمودند. برای اولین بار، صفوی‌ها با قیام ولایات هرات، قندهار، اندخوی و بلوچستان رو به رو شدند و افغان‌ها مقاومت زیاد نمودند. جنگ‌ها آنقدر شدید بود که قندهار چندین مرتبه توسط صفوی‌ها اشغال و دوباره به دست مبارزان می‌افتد. صفوی‌ها برای سرکوبی

این قیام‌ها از تشدید، کشتارهای دسته جمعی و تاراج دارایی‌های مردم کار می‌گرفتند، اما قیام‌های مبارزان به کلی خاموش نگردید هرگاه جنبش آزادی خواهی در یک منطقه سرکوب می‌شد، در محل دیگر دوباره بروز می‌کرد. به زودی جنبش ملی در ولایات شرقی کشور به وجود آمد که قبایل متعدد افغان‌ها در آن اشتراک داشتند.

جنبش روشنایان: رهبر این جنبش بازیزید انصاری معروف به پیرروshan، پسر شیخ عبدالله انصاری متولد (کانی گرام وزیرستان) بود. پیر روشن علیه ظلم و استبداد حکومت مغولی و خانهایی که با دولت مغولی همکاری داشتند مردم را به مبارزه دعوت می‌نمود. پیر روشن مرد صوفی و صاحب طریقت بود، نخست در دره توچی به تبلیغ پرداخت، بعد تیرا را مرکز فعالیت‌های خود قرار داد. حاکمان مغولی (آخند درویزه ننگرهاری) را علیه او تحریک نمودند و آخند درویزه تعلیمات او را مغایر اساسات دین میین اسلام خوانده و او را به نام «پیر تاریک» نامید. بالآخره، پیر روشن در یک جنگ با مغول‌ها کشته شد.

بعد از قتل او پرسش جلال الدین رهبری جنبش را به عهده گرفت. در (۱۶۰۰ میلادی) با مغول جنگ‌های زیاد نمود. در شرق از خیرالی تیرا و در جنوب، کابل و غزنی را اشغال نمود. بالآخره جلال الدین نیز در جنگ به قتل رسید. بعد از جلال الدین، «حداد» نواسه پیر روشن در مقام رهبری قرار گرفت موصوف در منطقه تیرا در یک جنگ علیه مغل‌ها کشته شد. بعد «عبدالقادر» به رهبری انتخاب گردید. «بی بی علایی» مادر عبدالقادر پسر خود را کمک می‌نمود. او به زودی پشاور را تصرف نمود، اما دیری نگذشته بود که در میان قبایل اختلاف بروز کرد، در سال (۱۶۳۶ م.) مغول عبدالقادر و مادرش را دستگیر و به هندوستان تبعید نمودند تا این که جنبش ملی روشنایان به اثر دسایس و تلاش‌های مغول‌ها و حاکمان محلی سرکوب گردید.

جنبش خوشحال خان ختک



خوشحال خان ختک

در نیمة قرن ۱۶ میلادی قبیله ختک به تدریج صاحب قدرت گردید و در جنوب، میان قبایل دیگر مقام مهم را حاصل نمود. در (۱۵۸۰ م.) جلال الدین محمد اکبر تأمین امنیت راه تجاری اتک الی پشاور را به قبیله ختک واگذار کرد و در مقابل امتیاز مالیه کاروان‌های تجاری را برای قبیله ختک اعطای نمود و همین امتیاز باعث اختلاف بین قبیله مذکور و یوسفزایی‌ها گردید، در زمان شاه جهان ریاست قبیله ختک به خوشحال خان سپرده شد. خوشحال خان مرد شمشیر، سیاست و شاعر توانا بود. خوشحال خان در ابتدا با پادشاهان مغول روابط حسن داشت، اما بعد مناسبات او با دربار مغل تیره گردید. اورنگ‌زیب خوشحال خان را دستگیر و زندانی ساخت، بعد از چهار سال از زندان رها گردید و دوباره

رهبری نهضت را به عهده گرفت. در سال‌های ۱۶۷۰ - ۱۶۷۸ م. چهل هزار سپاه مغول در جنگ (تاتره) توسط افغان‌ها به قتل رسیدند. بعد از این شکست، حکمرانان مغول، یک پسر و دو نواسه خوشحال خان را به هندوستان تبعید نمودند تا این که ایشان در همانجا، جان سپردند و بعد از این واقعه المناک، خوشحال خان به عمر ۷۸ ساله گی وفات نمود و مطابق وصیت اش در کوهستان‌های ختنک دور از سایهٔ مغل‌ها به خاک سپرده شد.



میرویس نیکه

قیام میرویس نیکه
در قرن ۱۶ میلادی افغانستان به اثر مداخلات خارجی‌ها تعزیه گردید. مناطق جنوب و غرب را صفوی‌های ایران، مناطق شرق را بابری‌های هند و مناطق شمال را شیبانی‌های ماوراءالنهر اشغال نمودند. عدم موجودیت حکومت مرکزی و تسلط اجنبی‌ها باعث رکود اقتصادی و نابسامانی جامعه گردید که تنفر و انزجار مردم، حس استقلال خواهی را در بین شان تقویه نمود. تا این که در سال ۱۷۰۹ م. قیام مردم تحت رهبری میرویس خان هوتكی به تسلط صفوی‌ها و مظالم گرگین والی قندهار خاتمه داد و دولت مستقل در قندهار تشکیل گردید، اما این دولت بیشتر از سی سال دوام نکرد تا این که در قرن هجدهم میلادی دولت ملی در افغانستان به رهبری احمدشاه کیم تشکیل گردید.

اوپاص اجتماعی افغانستان قبل از به قدرت رسیدن احمدشاه ابدالی

تعزیه و تقسیم افغانستان برای دونیم قرن نه تنها سیر تکامل تمدن را در افغانستان به مشکل مواجه ساخت، بلکه یک دورهٔ تنزل و انحطاط مادی و معنوی را در کشور به وجود آورد. روابط اجتماعی مردم افغانستان در این دوره ضعیف شد و هم مناسبات بین المللی کشور به رکود مواجه گردید، تعزیه و تقسیم افغانستان مانند آفت دامنه دار بود که به صورت تدریجی، هویت، وحدت ملی و استقلال افغانستان را به تحلیل می‌برد.

در این دوران افغانستان دولت مرکزی و آزادی ملی خود را با اقتصاد نسبتاً خوب در بخش زراعت و تجارت از دست داد. مکتب هرات که در عصر تیموریان در اکتشاف ادب، کلتور و علوم نقش بارزی داشت از بین رفته بود. مدارس و مراکز تربیتی مسدود گردید، از این که برای دانشمندان و استادان مرجع تشویق وجود نداشت، تعداد زیاد ایشان به ممالک دیگر به خصوص هند متواری گردیدند.

اوپاص اقتصادی افغانستان قبل از به قدرت رسیدن احمدشاه ابدالی

قبل از این که افغانستان مورد تاخت و تاز صفوی‌ها، شیبانی‌ها و بابری‌های هند قرار بگیرد، وضع اقتصادی افغانستان در سراسر کشور، روی هم رفته نسبتاً خوب بود. گرچه مردم زنده‌گی

ساده و بدوي داشتند. زراعت، مالداري و صنایع سه بخش سوۀ اقتصاد افغانستان را تشکيل می داد. خاک و اقلیم افغانستان برای کشت انواع نباتات مساعد بود. يك تعداد دهاقين از خود زمین شخصی داشتند، اما اکثر ايشان زمین را از زمینداران به اجاره يا به دهقانی می گرفتند. در بخش بند و نهرها توجه زياد صورت می گرفت. دولت‌ها در انکشاف زراعت توجه خاصی داشتند؛ زيرا يك بخش عمدۀ عواید دولت را ماليات زراعتي تشکيل می داد.

مالداري: در اين بخش نيز توجه زياد صورت می گرفت و مردم زياد به مالداري اشتغال داشتند و انواع موashi توسيط مردم تربیه و تکثیر می گردید محصولات مالداري يك بخش مهم اقتصاد ملي را تشکيل می داد.

صنایع: در بخش صنایع، همیشه دولت‌ها صنعت گران را تشویق می نمود. استخراج غیر فني طلا، نقره، آهن، مس و سرب صورت می گرفت و صنایع نسبتاً انکشاف نموده بود.

تجارت: يك تعداد ولايات از اهمیت خاص تجارتی برخوردار بودند. راه‌های مواصلاتی، مناطق را با يكديگر وصل می نمود و اموال تجارتی از يكجا به جای ديگر برای خريد و فروش انتقال داده می شد. واردات و صادرات با ممالک هندوستان، چين، ايران و ماورالنهر به پیمانه زياد صورت می گرفت، زمانی قندهار و هرات از جمله مراکز تجارتی مهم افغانستان به شمار می رفت. در اوایل قرن (۱۶م). سالانه سی هزار شتر مال تجارتی از قندهار عبور می نمود و عواید گمرکی آن به دولت تاديه می شد. اهمیت تجارتی قندهار كمتر از اهمیت ستراتژيک آن نبود، زمانی قندهار به نام دروازه هندوستان ياد می گردید، متأسفانه بعد از تجزيه و اشغال افغانستان به دست خارجي‌ها نظام اقتصادي متلاشی گردید. بر مشکلات مردم روز به روز افزوده می شد. مصارف لشکرکشی‌ها و ماليات کمرشکن که توسط آن‌ها وضع گردیده بود؛ مردم توان پرداخت آن را نداشتند و اين وضع تا تشکيل دولت مرکزي به رهبري احمدشاه‌بابا در قرن هجدهم ميلادي ادامه داشت.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد وضع اجتماعی، گروه دوم در باره وضعیت سیاسی قبل از به قدرت رسیدن احمدشاه‌بابا باهم بحث نمایند.

سؤالات

۱. اهداف جنبش پير روشان را کدام چيز‌ها تشکيل می داد؟
۲. بعد از قتل پير روشان جنبش روشاني را چي کسی رهبري می نمود؟
۳. خوشحال خان ختهک توسط کي زنداني شد؟
۴. قیام میرویس خان هوتك در کدام سال به پیروزی رسید و چه نتایج را در قبال داشت؟

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان راجع به اوضاع اقتصادي افغانستان قبل از به قدرت رسیدن احمدشاه‌بابا معلومات حاصل و در صنف ارائه نمایند.

احمدشاه بابا و تحکیم دولت مرکزی



چگونه‌گی به قدرت رسیدن
احمد شاه ابدالی، طرز حکومتداری
و کار کردهای مهم او در این درس
به بحث گرفته شده است.

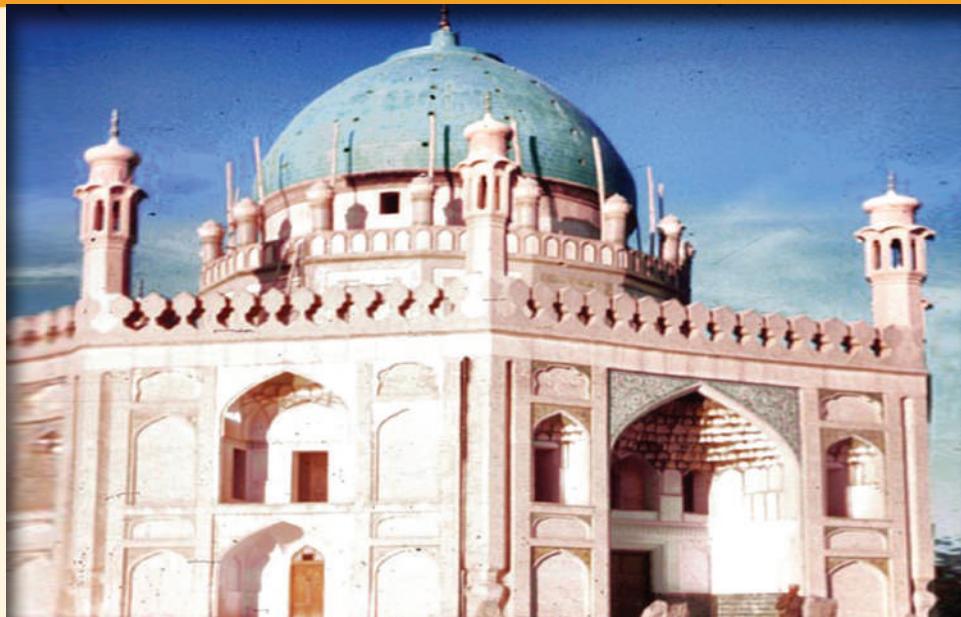
موقعی که احمدخان ابدالی برای تحکیم یک دولت مرکزی اقدام نمود، در افغانستان شرایط زیر حکمفرما بود: استیلا و تجزیه افغانستان توسط قواهی اجنبی، عدم موجودیت حکومت مرکزی، رکود اقتصاد، اوضاع نابه سامان اجتماعی و تحولات سیاسی در دول مجاور زمینه تشکیل یک حکومت مرکزی را در افغانستان مهیا ساخته بود. بعد از کشته شدن نادر افشار در اردبیل بزرگ او بی نظمی رونما گردید. ناگفته نماند که یک بخش اردبیل نادر افشار را قشون افغانی تشکیل می‌داد، تعداد آن‌ها تقریباً به چهار هزار غلچایی و دوازده هزار سدو زائی و ازبک می‌رسید و نظر به پیشنهاد قوماندان عمومی نور محمدخان غلچایی و احمد خان ابدالی قطعات افغانی به قندھار سوق داده شدند. بعد نور محمدخان از سران غلچایی، ازبک، ابدالی و هزاره خواهان تشکیل یک جرگه قومی گردید تا یک تن از اعضای جرگه به حیث زعیم یا پادشاه تعیین گردد و برای اداره امور افغانستان حکومت را تشکیل بدهد که تشکیل همچو جرگه، مورد قبول تمام سران اقوام گردید.

جرگه مزارشیر سرخ در قلعه نظامی نادر آباد در قندهار منعقد گردید و برای مدت نه روز ادامه پیدا کرد اعضای جرگه به یک فیصلهٔ نهایی نمی‌رسیدند، زیرا هر خان مقتدر خواهان سلطنت بود و تنها کسی که در این جرگه خاموشی اختیار نموده بود، احمدخان ابدالی بود؛ زیرا احمدخان تعلق به قبیلهٔ سدوزایی داشت که از لحاظ کمیت، نسبت به دیگر قبایل کوچکتر بود بالآخره در روز نهم، اعضای جرگه چنین فیصله نمودند که یکی از اعضای جرگه را به حیث حکم انتخاب نمایند. شخص مذکور یک مرد روحانی بوده که به هیچ قبیلهٔ تعلق نداشت و حتی باشندۀ قندهار هم نبود. او همان صابر شاه کابلی پسر متصرف معروف «لایخوار» بود که همه مردم قندهار به او ارادت و اعتماد داشتند و این صوفی سیاستمدار از جا برخواسته احمد خان ابدالی را معرفی نمود و چند خوشۀ گندم را عوض تاج شاهی در عمامهٔ او نصب کرد. خان‌های بزرگ ناگزیر به احمدشاه‌بابا بیعت کردند. او را به حیث پادشاه افغانستان قبول نمودند.

احمدخان پسر زمان‌خان ابدالی و نواسهٔ دولت خان سدوزایی بود. مادر احمدخان ابدالی زرغونهٔ خواهر عبدالغنى خان الکوزى والى سابق قندهار در زمان نادر افشار. بود احمدخان ابدالی در سال ۱۷۲۲ میلادی در ولایت هرات متولد گردید، گرچه در محل تولد احمد شاه بابا بنا بر قول راجع اختلاف نظر وجود دارد، یک تعداد مؤرخان محل تولد احمدشاه ابدالی را هرات و تعداد دیگر، ملتان گویند، زیرا از مدت‌ها بدینسو منزلی در ملتان موجود است که سدوزاییان آن را زادگاه احمدشاه ابدالی می‌پنداشند.

احمدخان ابدالی در دورهٔ جوانی شامل اردوی نادر افشار گردید؛ به زودی لیاقت و کفایت او برای نادر افشار ثابت شد. او را به حیث قوماندان قطعات ابدالی و ازبک تعیین نمود. بعد از کشته شدن نادر افشار اوضاع ایران به بی‌نظمی گرایید، در شمال، دولت جنیدی رو به انحطاط گذاشت و در هند دولت مرهته به رهبری «سیواجی» روی کار آمد و بعد از مرگ اورنگ‌زیب دولت با بری هند قادر نبود در امور داخلی افغانستان مداخله نماید. تحولات مذکور باعث شد تا برای احمدشاه‌بابا اطمینان و خاطر جمعی به بار آورد. او توانست از این شرایط برای تشکیل یک دولت و اعاده سرزمین‌های از دست رفته افغانستان استفاده اعظمی نماید.

احمدشاه‌بابا می‌دانست که ریسان قبایل به خاطر حفظ منافع خویش، جهت تحکیم یک



آرامگاه احمد شاه بابا در کندهار

دولت با ثبات مشکلات را برای موصوف به بار خواهند آورد. برای دفع این مشکل و فایق آمدن بر مشکلات، ایشان را در امور دولتی و نظامی شامل، و در جرگه‌ها برای شان عضویت داده و به نظریات شان ارج گذاشت و در سفرهای نظامی نیز ایشان را مصروف ساخت.

بعد از آن که احمدشاه‌بابا به سلطنت رسید، نکات ذیل را به مثابه اهداف مهم جهت تشکیل یک نظام باثبات در نظر گرفت: اولین هدف او به وجود آوردن وحدت ملی و احیای مجدد دولت مرکزی در افغانستان بود، هدف دومی او تأمین سرحدات طبیعی از دریای آمو تا دریای سند شناخته شده بود و سومین هدف خود را دفاع در مقابل کشورهای همچوار تعیین نموده بود.

برای از بین بردن اختلاف داخلی و اخذ مشوره مردم در امور دولتی برای نخستین بار یک شورای دائمی تشکیل نمود که یک تعداد اعضای جرگه مزار شیرسرخ نیز شامل آن بودند.

برای اداره بهتر، نخست تشکیلات اداری و نظامی را به وجود آورد، تشکیلات مذکور اقتباسی بود از تشکیلات میرویس نیکه، احمد شاه بابا می‌خواست تا این کار ناتمام او را تکمیل نماید. احمدشاه‌بابا در رأس تمام تشکیلات اداری، قضایی و نظامی صاحب نظر قاطع بود، بدین معنی که شخص پادشاه اداره تمام امور را به دست داشت و هم در سطح مرکز و

ولایت تشکیلات اداری و نظامی ایجاد نمود.

گرچه احمدشاه بابا در مدت ۲۶ سال سلطنت خود جهت تحقیم حکومت مرکزی، اصلاحات اداری و سفرهای نظامی در داخل و خارج آنقدر مصروف بود که نتوانست جهت انکشاف اقتصاد، تعلیم و تربیه و فرهنگ توجه خاصی مبذول نماید، ولی با آن هم در زمان سلطنت موصوف بعضی کارها صورت گرفت، مانند اعمار شهرهای قندهار، تاشقرغان و اعمار مقبره اش در جوار «خرقه مبارک» که نماینده‌گی از سبک معماری آن عصر می‌نماید.

احمدشاه بابا به عرفان و ثقافت علاقه‌مندی زیادی داشت، یک تعداد کتاب‌ها در زمان سلطنت او به رشتۀ تحریر در آمد؛ مانند: تاریخ احمدشاهی در دو جلد توسط منشی دربار او محمود الحسینی، «تواریخ حافظ رحمت خانی» توسط میر محمد فاضل، کتاب طبی «بحرالفواید» توسط قاضی دل محمد افغان و «خلاصة الانساب» در باره نسب پیشونها توسط حافظ رحمت خان و همچنان اولین موزیم در شهر قندهار به نام «بیت الشرف» تأسیس گردید. احمدشاه بابا در قندهار، هرات و پشاور مدارس بزرگی تأسیس نمود که مشهورترین آن‌ها مدرسه «جامع کهن قندهار» بود. احمد شاه بابا طبع شعری داشت و دیوان اشعار او نماینده‌گی از علاقه‌مندی وی با تصوف و عرفان می‌نماید.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد چگونه‌گی به قدرت رسیدن احمد شاه بابا و گروه دوم در رابطه به تحقیم قدرت مرکزی در عصر وی بحث نمایند.

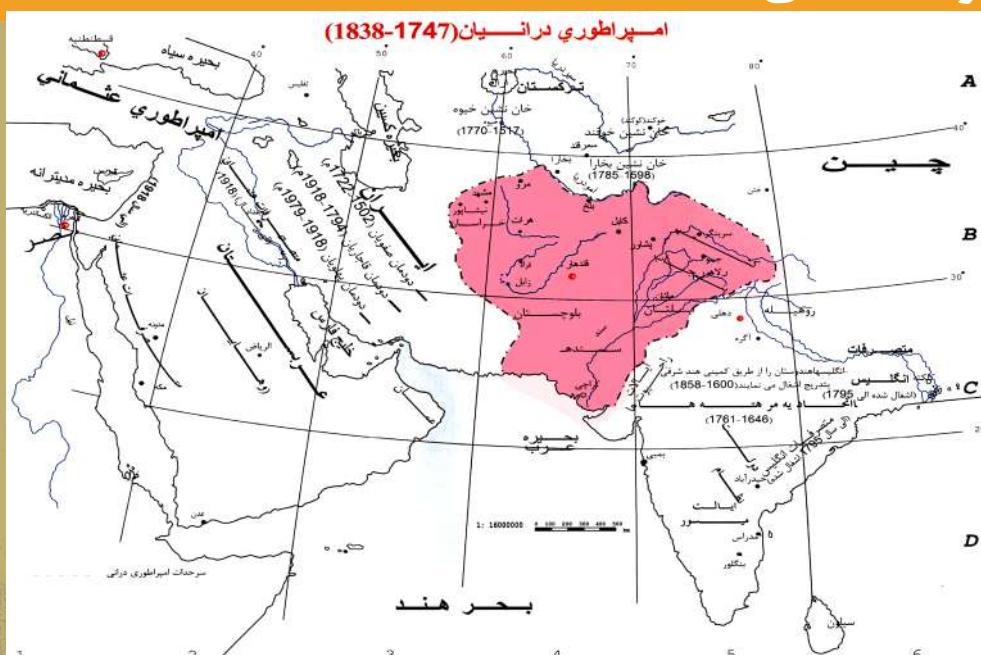
سؤالات

- ۱- احمدشاه بابا در کدام جرگه به صفت زعیم افغانستان انتخاب گردید؟
- ۲- احمدشاه بابا در اجرای وظایف، کدام اصل را رعایت می‌نمود؟
- ۳- چند نمونه از سبک معماری دوران احمدشاه بابا را نام بگیرید.

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان در مورد وضعیت فرهنگی زمان احمدشاه بابا از شخصیت‌های فرهنگی و معلمان خویش معلومات جمع آوری نموده و در صنف ارائه نمایند؟

سوقیات نظامی احمدشاه بابا



دراین درس راجع به علل و عوامل سفرهای نظامی احمدشاه بابا در طی حکمرانی ایشان و دست آوردها و پیامد این سوقیات معلومات ارائه می‌گردد.

احمدشاه بابا زمانی به قدرت رسید که افغانستان توسط قوای اجنبی تجزیه و اشغال گردیده بود؛ بنا بر این احمدشاه بابا برای به دست آوردن مناطق از دست رفتہ کشور و تأمین سرحدات طبیعی قبلی به یک سلسله سوقیات و سفرهای نظامی دست زد. دراین درس به طور فشرده در مورد سوقیات نظامی احمدشاه بابا معلومات ارائه می‌گردد.

سفر اول (۱۷۴۷-۱۷۴۸ میلادی)

خان جهان خان سپهسالار از طریق غزنی، کابل، جلال آباد و پشاور تا سواحل سند رسید. ناصرخان والی کابل و پشاور که هنوز در قدرت بود می‌خواست به کمک قشون ایماق و هزاره با قوای افغانی بجنگد، اما قشون ایماق و هزاره از جنگ امتناع ورزیدند. احمدشاه بابا نیز به طرف شرق حرکت نمود و در مسیر راه به استقبال مردم رو به رو شد. والی پنجاب در جنگ با احمدشاه بابا مقاومت نتوانسته به لاہور فرار کرد و احمدشاه بابا لاہور را اشغال نمود. شہنشاه هند از پیشوی افغانها به هراس افتاد، احمد شاه مغولی و لیعهد، قمر الدین صدراعظم خود را با قوای زیاد، به مقابل افغانها فرستاد و قوای افغانی تحت آتش توپخانه هندی‌ها قرار گرفت.

که متتحمل تلفات زیاد گردید. احمدشاه بابا مجبور شد، پنجاب را به «میرمنو» و ملتان را به زاهد خان واگذار شود و خودش برای فرو نشاندن شورشی که توسط لقمان خان برادرزاده اش به راه اندخته شده بود به قندهار مراجعت نماید.

سفر دوم

احمدشاه بابا در اوایل سال ۱۷۴۹ م. به هرات سفر کرد. سه نفر از حاکمان نادر افشار به احمدشاه بابا تسليم نگردیده بودند، از جمله آن‌ها درویش خان هزاره طرفداری خود را از احمد شاه بابا اعلام نمود، هرات توسط احمدشاه بابا تسخیر گردید و موصوف درویش خان را به حیث والی هرات تعیین کرد.

احمدشاه بابا، شاه ولی خان صدراعظم خود را حکم نمود تا به مناطق شمال سفر نماید؛ زیرا بعد از انحطاط دولت جنیدی مرو، فاریاب، جوزجان، بلخ، خلم، بدخşان و تخارستان خود مختار گردیده بودند. شاولی خان مناطق مذکور را یکی بعد دیگر به حکومت مرکزی مدمغ نمود.

سفر سوم

در بهار ۱۷۵۰ م. «عباس قلی بیات» در نیشاپور بغاوت نمود، احمدشاه بابا به نیشاپور سفر کرد و عباس قلی بیات در برخورد با اردوی افغانی شکست خورده اسیر گردید، بعد احمدشاه بابا او را مورد عفو قرار داده و به حیث حاکم نیشاپور مقرر نمود. موقعی که احمدشاه بابا به هرات رسید، مطلع گردید که میرعلم خزیمه به مشهد حمله نموده «شهرخ نایینا» نواده نادرافشار را خلع نموده، بنا بر این احمدشاه بابا به مشهد برگشت، میرعلم را مغلوب و امنیت شهرخ را دوباره تأمین نمود.

سفر چهارم

در سال (۱۷۵۱ میلادی) میرمنو والی پنجاب در تأديه مالیاتی که قبلًا تعهد نموده بود تعلل ورزید، احمدشاه بابا نماینده خود را نزد او فرستاد، اما والی پنجاب از پرداخت مالیات انکار نمود. احمدشاه بابا به شرق سفر کرد، میرمنو والی پنجاب سپهسالار «گورامل» را به مقابله احمدشاه بابا به جنگ فرستاد. جنگ در محل «شاه دره» واقع شد، گورامل به قتل رسید و لشکر او شکست خورد. میرمنو عفو خواست و احمدشاه بابا او را عفو و دوباره والی پنجاب مقرر نمود. میرمنو تعهد سپرد که ولایات پنجاب و ملتان یک قسمت افغانستان خواهد بود؛ سپس احمدشاه بابا تعهدنامه مذکور را توسط نماینده خود قلندرخان جهت مهر و تأیید، به دربار دهلی فرستاد.

بدین ترتیب (پنجاب، ملتان و سند) متعلق به افغانستان گردید.

در اخیر سال ۱۷۵۱ میلادی احمدشاه بابا سپاهی را تحت قیادت خواجه عبدالله، جهت الحاق کشمیر، از طریق «اتک و حسن ابدال» به کشمیر فرستاد تا خواجه کشمیر مناسبات خود را با دولت هند قطع و الحاق خود را با افغانستان اعلام نماید.

سفر پنجم ۱۷۵۶-۱۷۵۷ م به شرق

میرمنو والی پنجاب در سال (۱۷۵۳ م). فوت نمود احمدشاه بابا به پنجاب سفر کرد و محمدمامین پسر نابالغ میرمنو را به حیث والی، عوض او تعیین نمود. مادر محمد امین (بیگم مغلانی) به نیابت پسر خود امور ولایتی را پیش می‌برد و این در وقتی بود که دربار دهلی آله دست (عمادالملک غازی الدین) صدراعظم هند گردیده بود، و غازی الدین، احمدشاه، پسر احمدشاه پادشاه هند را بر کنار ساخت و عوض او عالمگیر دوم را بر تخت دهلی نشاند. و بیگم مغلانی را اسیر کرد و ولایت پنجاب را به آدینه بیک سپرد. عالمگیر سپاهی را تحت قیادت (نجیب الدوله) والی سهارنپور به مقابل احمدشاه فرستاد، اما نجیب الدوله بدون جنگ با احمدشاه بابا یکجا و عالمگیر مجبور شد در نزدیک دهلی احمدشاه بابا را استقبال نماید، احمدشاه بابا به خاطر حفظ علایق دوستی، برادرزاده عالمگیر را به عقد نکاح شهزاده تیمور درآورد و بعد خودش به وطن برگشت.

سفر ششم به جنوب

موقعی که احمدشاه بابا از هند به افغانستان عودت نمود، سرداران افغان با استفاده از قدرت دولت ابدالی، بر دهaciین پنجاب مالیات سنگین وضع نمودند که این عمل ایشان باعث بروز شورش‌ها گردید و به زودی سک‌ها، رهبری شورش را به دست آورد و در «امرتسر» به تشکیلات آغاز کردند که بالآخره منجر به زد و خورد میان افغان‌ها و سک‌ها گردید. نجیب الله یوسفزی سپهسالار هند فرار نمود، جت‌ها و راجپوت‌ها با قوای مرهته اتحاد نمودند.

غازی الدین، صدراعظم اسبق هند، سک‌ها را در پنجاب علیه افغان‌ها تحریک می‌نمود. آدینه بیک به اتفاق سک‌ها در محلی بهنام (جلندر) تعداد زیاد افغان‌ها را کشت. در ماه اپریل ۱۷۵۸ م. قوای افغانی شکست خورد و عبدالصمد خان توسط دشمن اسیر شد. شهزاده تیمور و سردار جهان خان سپهسالار افغانی، تاب مقاومت نیاورده تا اتک عقب نشینی نمودند و شورشیان

به استثنای (اوده) حکمرانی تمام هند را به دست آوردند. احمدشاه بابا عجالتاً قضیه هند را به آینده گذاشت؛ زیرا خودش مصروف نآرامی های بلوچستان بود. قوای تحت رهبری شاه ولی خان به بلوچستان سوق داده شد و بعد از برخورده با نصیر خان رهبر شورشیان بلوچستان شکست خورده و خواهش مصالحه نمود که مورد عفو احمدشاه بابا قرار گرفت و بلوچستان دوباره مثل سابق جزء قلمرو افغانستان گردید. احمدشاه بابا سپاهی را تحت قیادت نورالدین به پنجاب اعزام نمود و خودش به قندهار برگشت تا قوایی را جهت تصفیه حساب با سکها و مرهتهها جمع آوری نماید.

سفر هفتم- جنگ پانی پت ۱۷۶۰- ۱۷۶۱ میلادی

این سفر احمدشاه بابا در شرق از اهمیت زیاد برخوردار بود، زیرا در سال ۱۷۵۸ میلادی در هند واقعات مهم رخ داد نخست سکه‌های پنجاب قیام نمودند، دوم مرهتهها به هند مرکزی و شمالی داخل گردیدند و سوم این که حکومت اسلامی که به دست مسلمانان تشکیل شده بود به سقوط مواجه گردید، در حالی که احمدشاه بابا مصروف سرکوبی نصیرخان بلوج بود. وقتی که (سنديا) رئیس مرهتهها به هند مرکزی رسید، راجپوت‌ها و جت‌ها باهم اتحاد نمودند و سنديا به طرف پنجاب حرکت نمود آدینه بیگ نیز با ایشان همراه شد و پنجاب را اشغال کرد. شهزاده تیمور و سردار جهان خان به پشاور عقب نشینی کردند.

موقعی که احمدشاه بابا از بلوچستان مطمئن گردید با سی هزار عسکر از طریق دره بولان به سند رسید و با شهزاده تیمور و جهان خان یکجا شده و به طرف پنجاب حرکت نمودند. به مجردی که سنديا و غازی الدین از حرکت احمدشاه بابا مطلع شدند با نجیب الدوله صلح نموده و به جانب دهلی روان شدند، در دهلی عالمگیر دوم را به قتل رسانیده و نواسه اورنگ زیب را پادشاه ساختند، در چنین وضعیت احمدشاه بابا با سه قوه، اولی مربوط سنديا در طول راه دهلی، دومی مربوط (هولگر) که در کنار چپ دریای جمنا سومی مربوط (جنگورا) و غازی الدین مقابل گردید. و به مجردی که جنگ شروع شد، قوای سه‌گانه در مقابل قوای احمدشاهی شکست خوردنند. زمانی که غازی الدین و جنگورا از شکست قوای خوش مطلع گردیدند دهلی را ترک کرده و فرار نمودند.

رهبر مرهتهها (بالاباجی) تمام ریس‌های مرهته را اطلاع داد تا لشکر جدید ترتیب نمایند و راجپوت‌ها با مرهتهها اتحاد نمودند که تعداد شان به دو صد هزار می‌رسید در حالی که تعداد

سپاه احمدشاه بابا شصت هزار نفر بود در میدان پانی پت جنگ عظیمی رخ داد. که در نتیجه افغان‌ها فاتح و قوای مخالفان شکست خوردند. احمدشاه بابا داخل دهلي گردید. تخت دهلي را به شهزاده على گوهر، امور سیاسی و اداری را به شجاع الدوله و بخش نظامی را به نجیب الدوله سپرد و خودش به قندھار مراجعت نمود.

سفر هشتم - ۱۷۶۲ - ۱۷۶۳ میلادی

در سال ۱۷۶۲ میلادی سک‌های پنجاب تحت رهبری «جیسا سنگ» دوباره به سورش دست زدند و «امرتسر» را به یک مرکز نظامی تبدیل نموده در کشمیر تبلیغات ضد افغانی را شروع و شهر لاهور را اشغال کردند. احمدشاه بابا به سوی پنجاب حرکت نمود. قوای هفتاد هزار نفری سک‌ها تار و مار گردید و به سردار نجیب الدوله هدایت داد تا امنیت «سرهند» و کشمیر را اعاده نماید.

سفر نهم - ۱۷۶۳ میلادی

بعد از شکست سک‌ها احمدشاه بابا به قندھار عودت نمود. نسبت مریضی که عاید حالش گردید تا اخیر سال مذکور به جایی سفر نکرد. در این موقع، سک‌ها با جت‌ها و مرهته‌ها اتحاد کرده و با آغاز حمله بر پنجاب و سرهند قصد تسخیر دهلي را نمودند. احمدشاه بابا در سال ۱۷۶۳ میلادی به پنجاب لشکر کشید و سورشیان را شکست داده در کوهستان‌ها متواری ساخت.

در اخیر سال ۱۷۶۳ م. احمدشاه بابا، شاهولی خان صدراعظم خود را به بلخ اعزام نمود تا با عبدالعزیز خان آخرین پادشاه سلسله جنیدی مذاکره نماید. و در مذاکرات قراردادی با اوی عقد شد که دریای آمو مانند سابق حد فاصل بین افغانستان و بخارا تعیین گردید و بعد شاهولی خان به بدخشنان برگشت؛ خرقه مبارک یا لباس حضرت پیغمبر ﷺ را از شهر فیض آباد با خود به قندھار انتقال داد.

سفر دهم - ۱۷۶۹ میلادی

در سال ۱۷۶۹ میلادی بین نصرالله میرزا و نادر میرزا پسران شاه رخ نایینا برای به دست آوردن قدرت، اختلاف پیدا شد در خراسان وضع رو به خرابی گرایید؛ بنابر این احمدشاه بابا به مشهد سفر کرد، زیرا نصرالله میرزا با کریم خان زند ارتباط قایم نموده بود. حاکم (تون و طبس) علی مراد شورش و سرکشی نموده احمدشاه بابا مشهد را محاصره کرد و سپهسالار

جهان خان و نصیرخان والی بلوچستان را به غرض سرکوبی علی مراد موظف ساخت که در نتیجه، علی مراد در جنگ به قتل رسید. نصرالله میرزا تسلیم گردید و شاهرخ دختر خود را به پسر احمدشاهبابا نکاح نمود. احمدشاهبابا خراسان را به پاس نادرافشار به شاهرخ سپرد و خودش به قدهار عودت کرد و این آخرین سفر احمدشاهبابا بود.

احمدشاهبابا بعد از بیست و شش سال سلطنت به مریضی سلطان مبتلا شد و به عمر پنجاه ساله‌گی دنیای فانی را وداع نمود. موصوف مطابق وصیت اش در سال ۱۷۷۳م. در جوار مسجد خرقه مبارک به خاک سپرده شد. احمدشاهبابا سرزمین افغانستان را یکپارچه و متحد ساخت و ملت به خاطر اخلاق نیک، تقوا، مهربانی و خدمتش او را (بابا) لقب دادند.

احمدشاهبابا در هنگام حیات سیاسی و نظامی خویش بیشتر از ده مرتبه به هند، خراسان و شمال افغانستان سفر نمود. زمانی که در سال ۱۷۷۳م. وفات نمود، یک امپراتوری وسیع را به میراث گذاشت که در شرق تا سرهند، در غرب، تا سبزوار غرب مشهد، در شمال تا دریای آمو و در جنوب تا بحیره عرب را در بر می‌گرفت.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به اهداف نظامی و گروه دوم در مورد پیامد سفرهای نظامی احمدشاهبابا باهم بحث نمایند.

سؤالات:

۱. سفر اول احمدشاهبابا در کدام سال آغاز و چه نتایج را در قبال داشت؟
۲. احمدشاهبابا چند بار به غرب کشور سفر نمود؛ دست‌آوردهای سفرش را تذکر دهید؟
۳. مشهورترین سفر نظامی احمدشاهبابا به هند چه نام داشت و هم تذکر دهید که چه نتایج را به بار آورد.

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان از بزرگان و شخصیت‌های فرهنگی در مورد قلمرو جغرافیایی افغانستان در آخرین روزهای حیات احمدشاهبابا، معلومات حاصل نموده و آنرا در صنف ارائه نمایند.

جانشینان احمدشاه بابا سلطنت تیمورشاه (۱۷۷۳ - ۱۷۹۳ میلادی)



آیا بعد از احمدشاه بابا جانشینان و ورثه او توانستند امپراتوری وسیعی را که از وی به میراث مانده بود حفظ نمایند؟ در این درس به پاسخ این پرسش به گونه مفصل می‌پردازیم.

تیمورشاه پسر احمدشاه بابا در سال ۱۷۴۲م. در مشهد تولد گردید. او شخصی تحصیل یافته و شاعر زبان فارس دری بود، هنگام فوت احمدشاه بابا منحیث والی هرات ایفا وظیفه می‌نمود. احمدشاه بابا در زنده‌گی خود، او را ولیعهد یا جانشین خود تعیین کرده بود. بعد از وفات احمدشاه بابا شهزاده سلیمان به حمایت شاولی خان صدراعظم که خسرش بود در قندهار اعلان پادشاهی کرد. موقعی که شهزاده تیمور از هرات به قندهار مواصلت نمود شهزاده سلیمان را عزل کرده و شاهولی خان را به قتل رسانید و خود به سلطنت رسید.

تیمورشاه در سال اول سلطنت خود پایخت را از قندهار به کابل انتقال داد. تیمورشاه چندین شورش و قیام را در داخل و خارج موقفانه دفع نمود.

تیمورشاه در مدت ۲۰ سال سلطنت خویش قلمرو وسیعی را که از پدر به ارث گرفته بود حفظ کرد؛ بی اتفاقی پسران، مداخلات ایران و روابط‌های روس و انگلیس بعد از مرگ تیمورشاه باعث سقوط امپراتوری بزرگ ابدالی گردید و تیمورشاه در ۱۷۹۳م. وفات نمود و در چهارباغ کابل، دفن شد.

سلطنت زمان شاه (۱۷۹۳ - ۱۸۰۱ میلادی)

یکی از علت‌های اختلافات میان پسران تیمورشاه تعین نکردن ولیعهد در زمان او به شمار



سلطان زمان شاه

می‌رود. شاهزمان که نسبت به سایر برادران نزد پدر قرب بیشتر داشت؛ شخصی لایق و باکفایت بوده پدر را در امور مملکتی، یاری می‌نمود؛ پس وی خود را جانشین پدر می‌دانست. شاهزمان از تمام شهزاده‌ها و بزرگان خواست تا در مجلس جهت انتخاب شاه جدید اشتراک نمایند بالآخره بعد از فیصله جرگه، وی به حیث پادشاه تعین گردید. موصوف برای این که بر اوضاع سلطنت پیدا نماید، اعضای جرگه را در بالا حصار برای مدت کوتاه نظربرند ساخت و

صرف دو برادر او به نام‌های محمود و همایون که در جرگه شرکت نداشتند سلطنت او را تأیید نکردند. در دو جنگ جداگانه محمود و همایون شکست خورده‌اند، محمود به ایران فرار نمود و همایون دستگیر شده کور گردید.

زمان شاه، سردار پاینده محمدخان را از مقام وزارت خلع نمود، این کار باعث عدم رضایت او گردید و سبب شد تا با دیگر سرداران پیوسته در صدد آن برآید تا شاهزمان را از سلطنت خلع نماید، وقتی که شاهزمان، از طرح سردار پاینده محمدخان مطلع شد، او را دستگیر نموده و به قتل رسانید.

شاهزمان، آرزو داشت تا وضع افغانستان بهبود یافته در افغانستان صلح و آرامش برقرار گردد، اما وی در داخل با مخالفت برادران و سرداران قومی و در خارج به تحریکات انگلیس و مداخلات ایران مواجه گردید.

در دوره حکمرانی او ناپلیون بناپارت نماینده خود را از طریق ایران به کابل نزد شاهزمان فرستاد پلان نظامی خویش را مبنی بر حمله هفتاد هزار قوای فرانسوی و روسی از طریق افغانستان به هندوستان به خاطر جلوگیری از پیشروی انگلیس در هندوستان با او مطرح ساخت. چون شاهزمان یکصد و پنجاه هزار عسکر مسلح داشت و می‌خواست هند را از انگلیس نجات بدهد

به طرح ناپلیون اعتنای کرد.

محمود برادر دیگر شاهزمان به کمک قوای قاجاری «ایران» و سرداران فراری، بدون جنگ؛ خراسان و هرات را اشغال نمود؛ سپس به سیستان و فراه حمله کرد و تا قندهار رسید. قوای شاهزمان به خاطر دفاع به جانب قندهار حرکت نمود، در طول راه جنرال احمدشاه نورزایی با ده هزار سپاه خود بدون تصادم به محمود پیوست و محمود به غزنی رسید. شاهزمان با مشاهده چنین وضع از کابل به طرف پشاور عقب نشینی نمود و در منطقه شینوار توسط ملا عاشق شینواری دستگیر و بعد توسط محمود برادرش کور گردید و محمود در رأس اداره افغانستان قرار گرفت. قابل تذکر است شاه زمان قبل از کور شدن الماس کوه نور را در قلعه ملا عاشق شینواری پنهان ساخته بود. در نتیجه سیاست استعماری انگلیس، مداخلات ایران و اغراض عده‌یی از رجال سیاسی دیگر، افغانستان دوباره در یک دور انحطاط سیاسی و اقتصادی فرو رفت.



شاه محمود

سلطنت شاه محمود ابدالی ۱۸۰۱ - ۱۸۰۴ میلادی

شهزاده محمود بعد از کور ساختن و خلع شاهزمان به کمک وزیر فتح خان به قدرت رسید. شاه محمود به پاس خدمات موصوف برایش لقب «شاه دوست» را عطا نمود. به اثر بی‌کفایتی محمود در اداره کشور یک بحران سیاسی در افغانستان رونما گردید، چنانچه فعالیت‌های استعماری انگلیس سراسر افغانستان را فرا گرفت، و دولت قاجاری ایران آله دست انگلیس گردیده بود در صدد تجزیه ولايت خراسان شد. ولايت پنجاب که قبلًا جزء قلمرو افغانستان بود در آنجا سک‌ها استقلال خویش را اعلام نمودند.

موقعی که شهزاده شجاع برادر شاه محمود از کور ساختن و زندانی شدن شاهزمان و به سلطنت رسیدن شاه محمود اطلاع یافت به بهانه انتقام شاهزمان برای گرفتن تخت و تاج افغانستان اقدام نمود. گرچه در ابتدا انگلیس‌ها برای برانداختن شاهزمان، شاه محمود را حمایت می‌کردند، اما بعدها برای پیشبرد اغراض استعماری خویش و خنثی شدن حمله پلان ناپلیون به همکاری شاهزمان به هندوستان، شاه شجاع را از همه خوبتر یافتد و او را علیه شام‌محمود تحریک کردند.

در چنین حالت، شاه محمود در ارگ بالا حصار مشغول عیش و عشرت بود و امور دولتی در دست کسانی که برای به دست آوردن قدرت در رقابت بودند؛ مانند وزیر فتح خان (شاه دوست) شیر محمد خان (مخترالدوله) و محمد اکرم خان صدراعظم قرار داشت. در چنین وضعیت وزیر فتح خان جهت حصول مالیات به پشاور، کوهات و بنو سفر نمود، بعد از حصول مالیات مناطق مذکور، نزد شهرزاده کامران به قندهار مراجعت کرد و از قندهار به کابل برگشته به عوض محمد اکرم خان، به حیث صدراعظم تعیین گردید؛ این در حالی بود که یک تعداد رجال برجسته دولتی از کابل فرار نموده و به شاه شجاع پیوستند.

مردم کابل که از اداره ضعیف شاه محمود به ستوه آمده بودند، علیه موصوف قیام نموده و او را در بالا حصار کابل محصور ساختند. قوای شاه محمود به مقاومت دوام داده تا این که مردم کوهدامن و کوهستان برای کمک مردم به کابل رسیده شاه محمود را زندانی و وزیر فتح خان را در قسمت قلعه قاضی شکست دادند و به این ترتیب، دوره اول سلطنت شاه محمود به پایان رسید.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد عوامل انتقال سلطنت از قندهار به کابل و گروه دوم در رابطه به حوادث مهم جهانی مقارن ظهور زمان شاه باهم بحث نموده و نتیجه را در صنف ارائه نمایند.

سؤالات

- در مورد شخصیت تیمور شاه معلومات ارائه نمایید.
- تیمور شاه در کدام سال پایتخت را از قندهار به کابل انتقال داد؟
- راجع به چگونه‌گی به قدرت رسیدن زمان شاه معلومات دهید.
- مشکلات عمده دوره سلطنت زمان شاه را فهرست نمایید.
- شاه محمود چگونه به قدرت رسید؟

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان با استفاده از منابع و مأخذ دست داشته شان در مورد پالیسی انگلیس در قبال حکومت زمان شاه، معلومات حاصل نموده و آن را در صنف ارائه کنند.

سلطنت اول شاه شجاع ۱۸۰۴-۱۸۰۹ میلادی



توقعاتی که مردم افغانستان از شاه شجاع داشتند آیا بعد از جلوس آن بر سریر قدرت برآورده گردید؟ در مبحث ذیل در این زمینه معلومات ارائه می‌گردد.

کور شدن شاهزادمان، ضعف اداره شاه محمود و تنفر مردم از او، زمینه را برای سلطنت شاه شجاع مساعد گردانیده بود. در سال ۱۸۰۴ میلادی شاه شجاع به درخواست مردم کابل از طریق زرمت و لوگر داخل کابل گردید و در باغ بابر اقامت گزید و دوستی خود را با انگلیس‌ها، آشکار ساخت. وزیر فتح‌خان جهت جمع آوری مالیات به بامیان رفته بود؛ موقعي که به کابل برگشت خواست شاه محمود را از محاصره رها نموده و سلطنت نامبرده را از سقوط نجات بدهد. بنابراین جنگی که بین قوای وزیر فتح‌خان و قوای شاه شجاع در منطقه قلعه قاضی کابل رخ داد؛ در نتیجه وزیر فتح‌خان شکست خورده و به قندهار نزد شهزاده کامران والی قندهار فرار نمود. بعداً شاه شجاع قوای خویش را داخل بالاحصار نمود و سلطنت اش را اعلام کرد.

افراد شاهشجاع بعد از جلوس او ملا عاشق شینواری را به کابل آوردند، نخست الماس کوه نور را از نزدش حصول و بعد او را به قتل رسانیدند.

شاهشجاع در تحکیم سلطنت خود از وزیر فتح خان و برادران او هراس داشت؛ بنابراین کوشش نمود تا مناسبات خود را با وزیر فتح خان نیک ساخته و خصوصت و دشمنی را کنار گذارد. او وزیر فتح خان را به بسیار عزت به کابل دعوت نمود. شاهشجاع با دختر دوست محمد خان برادرزاده وزیر فتح خان ازدواج نمود، اما با آن هم بر یکدیگر اعتماد نداشتند، زیرا منشأ اصلی دشمنی ایشان را قتل سردار پاینده محمد خان پدر وزیر فتح خان، توسط شاهزادمان تشکیل می‌داد و وزیر فتح خان سعی می‌نمود تا شاه محمود را دوباره به پادشاهی برساند. در همین موقع شاه محمود از زندان بالاحصار کابل فرار نمود و در جنگی که بین قوای شاهشجاع و شاه محمود رخ داد، شاهشجاع شکست خورد و شاه محمود برای بار دوم به سلطنت رسید.

سلطنت دوم شاه محمود ۱۸۰۹-۱۸۱۸ میلادی

شاه محمود به کمک وزیر فتح خان برای بار دوم به سلطنت رسید و یک تعداد ماموران عالی رتبه دولتی؛ چون محمد اکرم خان امین‌الدوله، شیرمحمد خان مختار‌الدوله و میرعلم محکوم به اعدام گردیدند؛ زیرا ایشان در حکومت اول شاه محمود نزد شاهشجاع فرار نموده در دوران سلطنت شاهشجاع با او همکار بودند.

وزیر فتح خان با برادران خود بر امور دولتی مسلط گردیده و برای تحکیم قدرت بیشتر برادران خود را در پست‌های مهم دولتی گماشت. قدرت روز افزون وزیر فتح خان مایه نگرانی و موجب حسادت شهزاده کامران گردید. در چنین وضعیت، شاه محمود مشغول خوش‌گذرانی بوده، از امور دولتی آگاهی نداشت. و ساحة اقتدار او صرف محدود به کابل و قندھار می‌گردید.

پشاور تحت نفوذ فعالیت شاه شجاع قرار داشت و کشمیر توسط عظام محمدخان اداره می شد



وزیر فتح خان

که از دولت مرکزی اطاعت نمی کرد.
در هرات برادر سکه شاه محمود، شهزاده
فیروز الدین حکمرانی می نمود و شاه محمود
از آغاز سلطنت دوم خود، بیشتر در پایتخت
به سر می برد. موقعی که قوای افغانی در شرق
مصطفوف جنگ بودند، ایرانی ها، غورات را
اشغال کردند؛ فیروز الدین از مرکز کمک
خواست تا جلو پیش روی ایرانی ها را بگیرد،
که در نتیجه وزیر فتح خان با سی هزار عسکر
به منظور حمایت از وی از کابل حرکت
نمود.

وزیر فتح خان، شهزاده فیروز الدین را با خانواده اش به قندهار فرستاد، دارایی و زیورات
شهزاده فیروز الدین توسط افراد دوست محمدخان مورد دست برد قرار گرفت. وزیر فتح خان
با ایرانیان به جنگ پرداخت که در نتیجه، قوای ایرانی شکست خورده، عقب نشینی کردند.
شاه محمود که از اهانت به خانواده شهزاده فیروز الدین مطلع گردید شهزاده کامران را برای
سرزنش دوست محمدخان به هرات فرستاد. دوست محمدخان فرار نموده و کامران وزیر
فتح خان را دستگیر و او را کور کرد. برادران وزیر فتح خان از کور شدن موصوف آگاه
گردیدند و در سراسر افغانستان از کشمیر تا هرات به شورش دست زدند. دوست محمدخان
از کشمیر برگشت و کابل را اشغال نمود. وزیر فتح خان نزد شاه محمود زندانی بود، شاه محمود
کوشش نمود تا وزیر فتح خان را متquamد سازد که برادرانش از جنگ دست بردارند اما برادران

وزیر فتح خان جنگ را ترجیح دادند، چون خواست شاه محمود برآورده نشد؛ پس وزیر فتح خان را به قتل رسانید. در هرات حکومت جداگانه تشکیل شد. این حکومت تا سال ۱۸۴۲ میلادی دوام کرد و باز افغانستان برای بار دیگر، میدان رقابت‌های برادران سدوزایی، بار کزایی و سیاست استعماری انگلیس قرار گرفت.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه جداگانه تقسیم شوند. گروه اول راجع به چگونه‌گی به قدرت رسیدن شاه شجاع و گروه دوم در مورد حوادث مهم سلطنت دوم شاه محمود باهم بحث نموده و نتایج آن را در صنف ارائه نمایند.

سؤالات

۱. نقش وزیر فتح خان را در اعاده سلطنت شاه محمود بیان نمایید.
۲. شاه محمود در دور دوم چگونه به قدرت رسید؟
۳. شاه شجاع در دور اول سلطنت خویش، متوصل به کدام اقدامات گردید؟

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان در مورد نفوذ استعمار، بعد از خلع زمان شاه در افغانستان از بزرگان و شخصیت‌های فرهنگی و تاریخی معلومات حاصل و آنرا در صنف ارائه نمایند.

تجدید رقابت‌ها و اختلافات

چرا رقابت‌ها و اختلافات بین دودمان‌های سدوزایی و بارکزایی به وجود آمد؟ کدام نتایج را در قبال داشت؟ راجع به این موضوع در این درس معلومات ارائه می‌گردد.

محمدزاوی‌ها عشیره‌یی از بارکزایی‌های درانی قندهار می‌باشند. محمد بن عمر از تبار دارو و بارک بودند؛ پس بارکزائی‌ها و محمدزاوی‌ها مربوط یک تبار هستند. حاجی جمال بن حاجی یوسف بن یارو بن محمد، عضو جرگه مزار شیر سرخ و مشاور دربار احمدشاه‌بابا بود.

سردار پاینده محمدخان بارکزایی در دوره سلطنت زمان‌شاه در یک توطه سیاسی بر ضد شاهزادمان به قتل رسید و وزیر فتح‌خان برای انتقام پدر در سقوط دولت شاهزادمان سهم فعال داشت. شاه محمود به کمک او به سلطنت رسید؛ ولی او نخست توسط شاه محمود کور و بعداً به قتل رسید. پس از آن که شاه محمود و شهزاده کامران به هرات متواری گردیدند، مدت کوتاهی در آنجا سلطنت نمودند.

وزیر فتح‌خان در حدود بیست برادر داشت که هر کدام آن‌ها بخصوص سردار محمدخان

و سردار دوست محمد خان برای به دست آوردن قدرت در تلاش بودند، رقابت، اختلافات و خودخواهی‌های برادران وزیر فتح خان بعد از سقوط دولت مرکزی، باعث جنگ و جدال بین آن‌ها گردید. ایشان نتوانستند دولت مرکزی و وحدت ملی افغانستان را حفظ نمایند. جنگ‌های مکرر ایشان، سرتاسر افغانستان را برای مدت بیست سال به بی‌نظمی و نابسامانی کشاند و برای مردم افغانستان بیچاره‌گی و بدبختی را به ارمغان آورد و باعث انهدام دولت مرکزی و تزلزل فرهنگ و اقتصاد ملی گردید.

سردار دوست محمدخان همین‌که کابل را تصرف کرد، برادر خود امیر محمدخان را به حیث والی غزنی مقرر نمود ولی بعد از ورود سردار محمد عظیم خان والی کشمیر، به کابل مخالفت بین آن‌ها آغاز و تشدید گردید. هر کدام به نوبه خود می‌خواستند که یکی از شهزاده‌های سدوزایی را به سلطنت برسانند و خود به حیث وزیر، قدرت اجرایی را در اختیار داشته باشند؛ چنانچه سردار محمد عظیم خان «ایوب شاه» و سردار دوست محمدخان «سلطان علی شاه» را به سلطنت رسانندند، آن‌ها صرف به نام پادشاه بودند، صلاحیت و قدرت در نزد دو برادر بود، همزمان در شهر کابل دو پادشاه و دو وزیر در اریکه قدرت قرار داشتند. در سال ۱۸۱۹ میلادی سردار محمد عظیم خان سلطان علی شاه را از سلطنت خلع و دوست محمدخان را از وزارت عزل نمود.

کابل به سردار محمد عظیم خان، غزنی به امیر دوست محمدخان، پشاور به سردار یار محمدخان، کشمیر به سردار نواب عبدالجبارخان، دیره‌جات (دیره اسماعیل و دیره غازی) به نواب محمد زمانخان داده شد.

ولایات شمالی و مرکزی؛ مانند بدخشان، تخار، بلخ، میمنه، جوزجان تحت اداره حاکمان محلی و ملوک الطوایفی قرار داشت، ولایت هرات توسط شاه محمود اداره می‌گردید. به این صورت، افغانستان به شکل ملکیت موروثی بین برادران وزیر فتح خان، ترکه و تقسیم گردیده بود. دشمن خارجی افغان‌ها «سک‌های پنجاب» چون از فتوحات و سفرهای افغانستان خاطر

تلخ داشتند از اوضاع ابتر افغانستان و اختلافات داخلی برادران وزیر فتح خان استفاده نمودند و رنجیت سنگ نظر به قراردادی که با انگلیس‌ها امضا نموده بود، نمی‌توانست از دریای ستلچ عبور نموده و به مناطق دیگر دسترسی پیدا نماید، به همین دلیل متوجه مناطق شرقی افغانستان گردید و نخست ملتان، کشمیر و بعد پشاور را تا اتك تصرف نمود.

سردار محمد عظیم خان و امیر دوست محمد خان جهت استرداد مناطق از دست رفته افغانستان به سند شتافتند؛ اما امیر دوست محمد خان زود به کابل عودت نمود و پس از موافقت سران قومی، مخالفت خود را با سردار محمد عظیم آشکار نمود و از کابل به صوب غزنی عزیمت نمود، در حالی که مخالفت شان ادامه داشت. سردار محمد عظیم خان بدون کدام جنگ به کابل مراجعت نمود، در این موقع رنجیت سنگ، چند منطقه دیگر را نیز اشغال نمود و سردار محمد عظیم خان دوباره در مقابل رنجیت سنگ قوای خود را انتقال داد؛ اما بدون کدام دست آورده خواست دوباره به کابل برگردد، سردار محمد عظیم خان در طول راه مریض شده و وفات نمود و در زیارت (عاشقان و عارفان) دفن گردید. سردار دوست محمد خان به مخالفت سردار حبیب الله پسر محمد عظیم خان مواجه شد.

در حالی که پیشوی سک‌ها ادامه داشت؛ امیر دوست محمد خان مقدمه تشکیل یک حکومت رافراهم نمود. همزمان شاه شجاع به تحریک انگلیس‌ها برای اشغال قندهار آماده گی گرفت. نخست امیر دوست محمد خان به جلال آباد سفر کرد و آن شهر را فتح نمود و بعد قوای خود را به قندهار انتقال داد و در جنگ سختی که بین قوای امیر دوست محمد خان و جنرال‌های انگلیسی و شاه شجاع رخ داد قوای دشمن شکست خورده و قندهار به تصرف امیر دوست محمد خان در آمد، شاه شجاع و همراهانش پا به فرار گذاشتند، شاه شجاع به کوهستانات ختک متواری گردید.

سردار دوست محمد خان موقعی که در قندهار بود، قوای او برای سرکوبی رنجیت سنگ، اقدام نمود، اما سرداران قندهاری او را کمک نکردند، وی نامید گردیده به کابل

برگشت. او از اشغال دره خیر مطلع شد، سردار محمد اکبر خان پسر خود را با قوای کمی به آنجا فرستاد، وزیر محمد اکبر خان صرف دفاع نموده و نخواست تعرض نماید؛ زیرا منظر قوای کمکی از کابل بود. قوای جدید الورود از رنجیت سنگ، تخلیه پشاور را خواستار گردید؛ اما رهبر سکه‌ها به آن اعتنا نکرد.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد علل اختلافات ذات‌البینی سدوزایی‌ها و بارکزایی‌ها و گروه دوم در مورد وضع سیاسی ولایات شمالی معلومات حاصل نموده و آنرا در صنف ارائه بدارند.

سؤالات

۱. وزیر فتح‌خان مربوط کدام خانواده بود؟
۲. علت تشدید رقابت‌ها بین سدوزایی‌ها و بارکزایی‌ها چه بود؟
۳. قدرت‌های منطقه و به خصوص انگلیس‌ها در تجدید اختلافات میان برادران وزیر فتح‌خان چه نقشی را بازی کردند.

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان در صورت دسترسی به منابع، راجع به عوامل اساسی رقابت بین سردار دوست محمدخان و سردار عظیم خان معلومات حاصل نموده و آنرا در صنف ارائه نمایند.

انتقال قدرت و مداخلات (۱۸۱۸ - ۱۸۳۴ میلادی)



امیر دوست محمدخان

انتقال قدرت از سدوزایی‌ها
و بارکزی‌ها چگونه صورت
گرفت؟ انگلیس‌ها چه عکس
العمل نشان دادند و عواقب آن
برای مردم افغانستان و انگلیس‌ها
چه بود؟ جواب این پرسش‌ها
را در این درس خواهیم یافت.

سلطنت سدوزاییان با به قدرت رسیدن احمدشاه‌بابا در (۱۷۴۷م.) شروع و با ختم سلطنت ایوب شاه سدوزایی به پایان می‌رسد. عوامل داخلی و خارجی در سقوط این سلطنت نقش داشت که به طور اجمالی از آن یادآوری می‌گردد:

توطیه‌ها و مداخلات مستقیم انگلیس‌ها و ایرانی‌ها در امور داخلی افغانستان، تعدد پسران و نواسه‌های تیمورشاہ که به خاطر پیروز شدن بر رقیبان خویش، خود را به دامان انگلیس‌ها و ایرانی‌ها می‌انداختند و هم‌چنان به قتل رسیدن سرداران بارکزایی؛ چون سردار پاینده محمدخان و سردار وزیر فتحخان از جمله عوامل سقوط سدوزایی‌ها و انتقال قدرت به بارکزایی‌ها محسوب می‌شود.

قبل از این که سردار دوست محمدخان به سلطنت برسد، برای استرداد سرزمین‌های

افغانی از سک‌ها، تحت فشار عامه مردم قرار داشت بنابر این چاره دیگر ندید جز این که از علمای دین و بزرگان قومی، فتوای جهاد را اخذ نماید. علما به او مشوره دادند که خود را امیر المؤمنین اعلان نماید تا صلاحیت اعلان جهاد شرعی برایش حاصل گردد. در سال ۱۸۳۵ میلادی دوست محمدخان با یک تعداد معتمدین خویش به مسجد عیدگاه رفت (در آن زمان مسجد عیدگاه نزدیک بگرامی موقعیت داشت) در این وقت میر حاجی فرزند میر واعظ عالم و مبارز مشهور کابل که در رأس علمای دینی قرار داشت، طی مراسم ساده او را به حیث امیر المؤمنین تعیین نمود و اولین خطبه به نام او خوانده شد.

امیر دوست محمدخان حکم جهاد را صادر کرد و مردم رضایت خود را ابراز نمودند، قوای که مرکب از پنجاه هزار پیاده و ده هزار سواره متشكل بود در سال ۱۸۳۵م. داخل حوزه پشاور گردیده در موضع (شیخان) آن طرف دره خیر مستقر گردید. سردار سلطان محمدخان طلایی برادر امیر، رهبری ده هزار مبارز باجوری را به عهده داشت که افراد مذکور جزء همین اردو بودند. حکومت پنجاب با دیدن این سوقيات خوفزده شد و خواست از طریق مصالحه پیش آید. انگلیس‌ها، هیاتی را به رهبری (هارلان) به دربار امیر فرستادند، هارلان وظیفه داشت تا بین قوای افغانی تفرقه ایجاد نماید، از این رو برای سلطان محمدخان حکومت پشاور را وعده داد. سلطان محمدخان نیروی ده هزار نفری خود را از قوای افغانی جدا ساخت. امیر دوست محمدخان با مشاهده این وضع بدون درنگ عازم کابل گردید، این تصمیم امیر، همه را حیران ساخت.

در فصل گذشته ذکر گردید که پلان حمله احتمالی ناپلیون بناپارت از طریق افغانستان برای انگلیس‌ها تشویش خلق نموده بود و روسیه نیز به فکر چنین کاری بود؛ بنابر این انگلیس‌ها به خاطر جلوگیری از حمله احتمالی فرانسه و روسیه به هند از راه افغانستان، به

افغانستان دلچسپی نشان دادند. انگلیس‌ها از امیر خواستند تا برای ناپلیون اجازه ندهند، از طریق افغانستان به هند داخل گردد؛ امیر دوست محمدخان با استرداد پشاور شرط انگلیس‌ها را پذیرفت، اما انگلیس‌ها ورود هیأت روسی را به کابل بهانه گرفته روابط خود را با امیر قطع نمودند. بر مبنای آن، موافقت نامه‌یی به نام معاهده مثلث بین رنجیت سنگ، شاهشجاع و نماینده انگلیس مکناتن در ۱۸۳۸م. در لاہور به امضاء رسید که برخی مواد آن قرار ذیل است:

- ۱- شاهشجاع از جمیع حقوق افغانستان بر ولایت افغانی در غرب رود خانه اندوس (سیند)؛ مانند پشاور و دیره‌جات به نفع دولت سیک صرف نظر نماید.
- ۲- امیر پنجاب و عده می‌دهد که در مقابل آن با قشون خود به شاهشجاع کمک کند تا دو باره تاج و تخت افغانستان را صاحب گردد.
- ۳- دولت برتانیا به حیث دوست و خیر خواه طرفین، تعهد می‌کند که با جانبین در تأمین مقاصد شان مساعدت و کمک نماید.

نظر به مواد معاهده فوق الذکر و اعلامیه سمله، عساکر انگلیس از دریای سند عبور کرده و به همراهی شاهشجاع به دره بولان نزدیک گردیدند، قندهار اشغال گردید، شاهشجاع به گونه رسمی منحیث پادشاه افغانستان اعلان شد؛ هم چنان شاهشجاع در قندهار تعهد نمود که عساکر انگلیسی می‌تواند در افغانستان به صورت دائمی بماند. قشون دیگر انگلیس به جلال آباد نزدیک شد. با وجود اوضاع خراب، امیر دوست محمدخان، سردار وزیر محمد اکبر خان و سردار غلام حیدرخان والی غزنی را امر کرد تا با تمام قوا در مقابل دشمن مقاومت نمایند، مگر آن‌ها مقاومت نتوانستند، انگلیس‌ها غزنی را اشغال نموده و به کابل نزدیک شدند. امیر دوست محمدخان به بخارا پناه برد. در چنین اوضاعی، گرچه شاهشجاع ظاهراً پادشاه بود، اما تمام اختیارات به دست مکناتن و انگلیس‌ها قرار داشت.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد اوضاع اجتماعی و سیاسی بین سال‌های ۱۸۱۸ و ۱۸۳۴ م و گروه دوم در مورد عوامل تعرض انگلیس بر افغانستان معلومات حاصل و آنرا در صنف ارائه نمایند.

سؤالات

۱. امیر دوست محمدخان چگونه به قدرت رسید؟

۲. خط مشی امیر دوست محمدخان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

۳. به امیر دوست محمدخان چرا لقب امیرالمؤمنین داده شد؟

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان در صورت دسترسی به منابع و مأخذ، راجع به پالیسی رنجیت سنگ در قبال افغانستان معلومات حاصل و آنرا در صنف ارائه نمایند.

شاه شجاع و قیام ملی



آیا می دانید که شاه شجاع بار دوم به حمایت کدام نیروها در افغانستان به قدرت رسید؟ عکس العمل مردم، قیام ملی، تلفات انگلیس و شکست آنها در افغانستان، مطالبی است که درین درس به آنها آشنا می شوید.

از همان روزی که شاه شجاع به سلطنت رسید؛ مردم از ضعف او آگاه شدند و از بین بردن او و انگلیس‌ها را یکی از وجایب ملی و دینی خود دانستند، برای تحقق این هدف در بین مردم حس آزادی‌خواهی و روحیه جهاد علیه مت加وزان و حفظ ننگ و ناموس تقویه گردید. مردم نخست نام شاه شجاع را از خطبه حذف و از انگلیس‌ها تنفر شدید خود را ابراز نمودند. خزاین انگلیس که از قندهار انتقال داده می‌شد، در عرض راه توسط غازیان به غنیمت گرفته شد. راه کابل و قندهار مسدود گردید و در سمت مشرقی توسط یکی از منسوبان خانواده سید جمال الدین افغان قیام صورت گرفت. این اوضاع انگلیس‌ها را مضطرب و پریشان ساخت؛ به خصوص وقتی که شنیدند، که روس‌ها امیر دوست محمد خان را با اسلحه کافی به کابل فرستاده و تعداد زیادی از طرفداران امیر به سوی او شتافته اند. در سمت قندهار و جنوبی شورش‌های ضد انگلیس آغاز گردید. سراسر افغانستان را نارضایتی عمومی

فرا گرفت و دیگر ممکن نبود که مردم فریب شاهشجاع را بخورند.
امیر دوست محمدخان از بخارا خارج گردیده، برای تصرف کابل آمده‌گی جنگ گرفت
و از تاشقرغان به کوهستان آمد. اهالی کوهستان به رهبری میرمسجدی خان، انگلیس‌ها را مورد
حمله قرار داده بودند؛ مگر در اثر خیانت یک تعداد خاینان و جاسوسان حملات مذکور خنثی



وزیر اکبر خان

شد؛ بنابر این، امیر دوست محمدخان مجبور شد به کابل آمده
و خود را تسليم انگلیس‌ها کند. مکناتن اصرار می‌ورزید تا
به حیث وزیر شاهشجاع ایفای وظیفه نماید؛ اما امیر دوست
محمدخان پیشنهاد مذکور را رد نموده و ترجیح داد تا از
افغانستان خارج گردد. انگلیس‌ها او را با فامیل اش به کلکته
فرستادند.

با تبعید امیر دوست محمدخان، انگلیس‌ها تصور نمودند
که سرکرده مخالفان را از بین بردن، ولی هنوز زمزمه جهاد
به خاطر اخراج انگلیس و برانداختن سلطنت شاهشجاع
خاموش نشده بود که اتحاد مردم و قیام ملی به ثمر رسید.

این قیام ملی از کابل شروع گردید؛ بعد از عقد معاهده سران قومی؛ مانند نایب
امین‌الله خان لوگری، عبدالله خان اچکزی و دیگر مجاهدان علم جهاد افراسته شد. مجاهدان
نخست (برنس) را در منزلش به قتل رسانیدند و بعد تمام خزاین و ذخایر اسلحه انگلیس‌ها ضبط
گردید. سایر اقوام؛ مانند مردم کوهستان، لوگر و وردک با مجاهدان کابل پیوستند و قوای
انگلیس متقبل تلفات زیادی گردید. یک قسمت قوای انگلیس در شیرپور محاصره شد، در
همین موقع وزیر محمد اکبر خان از حبس بخارا رها شده و خود را به کابل رسانید و با آمدن
او روحیه مجاهدان قویتر گردید، در این وقت مکناتن، نیرنگی را به کار برد و برای تخلیه
کابل پیشنهاد معاهده را نمود هدف مکناتن این بود مجاهدان را تا وقتی مصروف نگهدارد که

تاقوای کمکی انگلیس از هند برسد. مکناتن در مجلسی که با وزیر محمد اکبر خان داشت می‌خواست، وزیر محمد اکبر خان را از بین ببرد ولی وزیر محمد اکبر خان با درک حساسیت موضوع، مکناتن را هدف گلوله تفنگچه قرار داد که خودش برای وزیر موصوف اهداء کرده بود. بدین ترتیب، نماینده سیاسی و وزیر مختار انگلیس (ولیام مکناتن) از بین برده شد. بعد ازین، وحشت عجیبی در بین قوای انگلیس رونما گردید، خوراکه و آزوچه شان تمام شد و سپاه آن‌ها که در حدود شانزده هزار و پنجصد نفر می‌رسید به فاقه‌گی دچار گردیدند و هم شدت سرمای زمستان انگلیس‌ها را مجبور ساخت تا شرایط تخلیه کابل را قبول نمایند.

شرایط تخلیه کابل

شرایط تخلیه کابل شامل تخلیه تمام مناطق افغانستان، از طرف انگلیس‌ها و تسليم نمودن اسلحه به استثنای شش عراده توپ بود که دست به اسلحه نزنند، ولی با وجود عقد معاہدۀ مذکور باز هم انگلیس‌ها کوشش نمودند تا با قشون خود در جلال آباد رابطه برقرار نمایند، بنا بر آن در طول راه جلال آباد مورد حملۀ مجاهدان قرار گرفته و تلفات و خسارات شدیدی انسانی و مالی را متقبل شدند. از شانزده هزار و پنجصد نفر آن‌ها فقط یک نفر به نام داکتر (برایدن) توانست نیم جان به پشاور برسد؛ این واقعه در حلقات سیاسی لندن انعکاس حیرت انگلیزی نمود (لارد اکلندر) وایسراي هندوستان تبدیل و عوض او (لارد لیتن برون) تعیین گردید.

انگلیس‌ها، برای جبران شکست و اعادۀ حیثیت خود دو دسته قشون خویش را به جانب افغانستان سوق دادند. بیست هزار عسکر تحت قیادت جنرال (پالک) به طرف افغانستان حرکت کرد و انگلیس‌ها با شاه شجاع روابط خود را برقرار نمودند. چون شاه شجاع خود را در بین مجاهدان محصور می‌دید. ناگزیر شد علیه انگلیس‌ها، امر جهاد صادر نماید؛ ولی اطلاعات روزمره داخل افغانستان را در اختیار انگلیس‌ها قرار می‌داد. قبل از رسیدن جنرال

(پالک) مردم، شاهشجاع را به قتل رساندند و فتح جنگ (پسر شاهشجاع) به امارت رسید و او هم با مخالفت برادران امیر دوست محمدخان روبه رو شده، نزد انگلیس‌ها پناه برد. بعد از فتح جنگ برادرش شهزاده شاهپور به سلطنت رسید.

دسته دومی قوای انگلیس، تحت قیادت جنرال نات به قندهار رسید و همزمان امیر دوست محمدخان از کلکته هندوستان داخل کابل گردیده و زمام امور را به دست گرفت. انگلیس‌ها دولت امیر دوست محمدخان را فوری به رسمیت شناختند و معاهده سه جانبه (مثلث) که بین انگلیس‌ها، شاهشجاع و رنجیت سنگ عقد گردیده بود خود به خود لغو گردید. با وجود آن‌هم انگلیس‌ها در امور افغانستان تشبیث نموده، وحدت سیاسی افغانستان، یعنی الحق پشاور، قندهار و هرات با کابل را مغایر سیاست استعماری خود می‌دانستند.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به عوامل تعرض اول انگلیس بر افغانستان و گروه دوم راجع به معاهده لاهور باهم بحث نمایند.

سؤالات

۱. تعرض اول انگلیس بر افغانستان در کدام سال و چگونه صورت گرفت؟
۲. از چند مجاهد و مبارز نا مدار جنگ اول افغان و انگلیس را نام ببرید؟

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان راجع به پیامدهای تعرض اول انگلیس بر افغانستان معلومات حاصل و در صنف ارائه نمایند؟

پادشاهی دوم امیر دوست محمدخان

امیر دوست محمدخان بار دوم چگونه به کشور بر گشت، دست به کدام اقدامات زد و کدام معاهدات را با انگلیس‌ها عقد نمود؟ در این درس، پاسخ این سوالات را خواهیم یافت.

امیر دوست محمدخان در سال ۱۸۴۲ م. برای بار دوم به سلطنت رسید. نخست به اصلاح اوضاع داخلی پرداخت؛ زیرا در موجودیت ملوک الطوایفی اوضاع عمومی مملکت متلاشی گردیده بود. امیر دوست محمدخان برای استحکام وحدت سیاسی و ثبات دولت مرکزی کوشش زیاد نمود و بعضی مناطقی را که از دولت مرکزی جدا گردیده؛ بود مانند بامیان، مزارشیریف و هم هزاره‌جات را امیر با دولت مرکزی الحاق نمود. بغاوت‌های مردم تگاب، نجراب و خوگیانی فروکش کرد. وزیر محمد اکبر خان فرزند امیر دوست محمدخان به حیث مرد وطن دوست و فداکار، در راه تأمین وحدت ملی افغانستان مقبال زحمات زیادی گردید؛ تا این که به عمر بیست و نه ساله‌گی بر اثر تابلیت‌های زهرآلود یک طبیب هندی شهید و در روضه منسوب حضرت علی (رض) در مزار شریف به خاک سپرده شد. امیر دوست محمدخان برای استرداد پشاور، مساعی زیاد به خرج داد. اما تلاش

هایش به جایی نرسید، او آرزو نداشت روابط خود را با انگلیس‌ها خراب بسازد، اما در داخل، تمام مناطق را تحت اداره حکومت مرکزی در آورد. گرچه در سرحدات افغانستان دورهٔ احمدشاه کبیر تغییرات رونما گردیده بود؛ ولی حکومت مرکزی بعد از یک دورهٔ ضعف دوباره قوی و مستحکم گردید. امیر دوست محمدخان در دور دوم سلطنت خود، معاهداتی را با انگلیس‌ها و کمپنی هند شرقی عقد کرد که در زیر از آن تذکر به عمل می‌آید.

معاهدات جمرود

انگلیس‌ها از عقد معاهدات جمرود، دو امتیاز را از امیر دوست محمدخان مطالبه می‌نمودند: اولی به رسمیت شناختن مناطقی که قبلاً تحت حکمرانی سک‌ها بود که بعداً مناطق مذکور توسط انگلیس‌ها تصرف گردید. دوم این که روس‌ها به کمک ایرانیان می‌خواستند بر ولایت هرات تسلط داشته باشند، انگلیس‌ها به خاطر پیشروی روس‌ها منافع خود را به خطر می‌دیدند و خواهان دفع آن خطر بودند.

- **معاهده اول:** نظر به هدایت لاردالهزری گورنر جنرال هند، سرجان لارنس والی پنجاب موظف به عقد این معاهده گردید. شخص امیر دوست محمدخان در مذاکرات مذکور اشتراک نکرد و به عوض خویش و لیعهد خود سردار غلام حیدرخان را در سال ۱۸۵۵م. به جمرود که در نزدیکی پشاور موقعیت دارد، فرستاد. بعد از مذاکرات مختصر معاهده سه فقره‌یی به تاریخ ۳۰ مارچ ۱۸۵۵م. بین جانین عقد گردید.

۱- فی مابین کمپنی هند شرقی و امیر دوست محمدخان حاکم کابل آن سرزمین که در کنترول امیر و ورثه او باشد در صلح و دوستی دائمی خواهد بود.

۲- کمپنی هند شرقی تعهد می‌کند؛ تا احترام قلمرو امیر را که در حال حاضر در تصرف دارد، رعایت بکند.

۳- امیر دوست محمدخان حاکم کابل و مناطق دیگر افغانستان که در تصرف او می‌باشد از طرف خود و باز مانده‌گان و متعلقین خود تعهد می‌نماید، مناطق هند شرقی را احترام نموده و هرگز در آن مداخله نکند. با دوستان کمپنی هند شرقی دوست باشد و

معاهده دوم: زمانیکه انگلیس‌ها از تجزیه ولایت هرات صرف نظر نمودند، در صدد مذاکرات با امیر دوست محمدخان گردیدند، امیر مذاکرات را در هند قبول نکرد و مذاکرات مذکور در جمرود بین امیر و سر جان لارنس صورت گرفت، منتج به معاهده‌یی شد که توسط محمد اعظم خان امضا گردید. معاهده مذکور حاوی مطالب ذیل است.

۱ - حکومت ایران خلاف تعهدات خود هرات را اشغال نموده و جنگ انگلیس‌ها بر علیه ایرانیان دوام خواهد داشت. برای این که امیر بتواند از ولایات دیگر دفاع کند، تا ختم جنگ ایران و انگلیس، انگلیس‌ها ماهانه مبلغ صد هزار روپیه (ده هزار پوند) به امیر خواهند پرداخت.

۲- انگلیس، امیر دوست محمدخان را بر علاوه اردوی کنونی با یک سپاه منظم سیزده هزار نفری سواره و یک سپاه پیاده هجده هزار نفری تجهیز خواهد نمود.

۳- اخذ پول معینه و حمل آن به افغانستان در اختیار امیر دوست محمدخان است.

۴- نماینده‌گان انگلیسی در ولایات سه گانه افغانستان (کابل، قندهار و بلخ) غرض نظارت بر مصرف و تهیه گزارش جنگی مقیم خواهد شد. این‌ها در امور داخلی حق مداخله را ندارند و امنیت و حفاظت‌شان به عهده امیر دوست محمدخان است.

۵- یک نفر نماینده کابل در پشاور مقیم خواهد شد.

۶- بعد از ختم جنگ با ایران، پول ذکر شده در ماده اول قطع خواهد شد.

۷- بعد از قطع پول، افسران انگلیسی، افغانستان را ترک خواهند نمود؛ اما اگر ضرورت باشد، یک نفر نماینده مسلمان انگلیس در کابل مقیم خواهد شد.

۸- امیر، افسران انگلیسی را در خروج و دخول افغانستان با محافظین کافی حفاظت خواهد نمود.

۹- آغاز پرداخت پول از ماه جنوری خواهد بود.

۱۰- سه صد هزار روپیه و یا پرداخت شده در قندهار و دو صد هزار روپیه در کابل مربوط

به این قرار داد نبوده، بلکه پیشکش کمپنی هند شرقی است. ششصدهزار روپیه پرداخته شده دیگر در کابل برای مقصد جداگانه و مربوط به قرار داد دیگر است.

۱۱- این عهدنامه ناقض عهد نامه قبلی خواهد بود. امیر دوست محمدخان در حالت صلح و جنگ پیشنهاد ایران و متفقین ایران را به اطلاع انگلیس‌ها خواهد رسانید.

۱۲- بر علاوه چهار هزار تفنگ داده شده به تعداد چهار هزار تفنگ دیگر نیز از طرف حکومت انگلیس در منطقه (تل) به ماموران امیر دوست محمدخان داده خواهد شد.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به نقش شخصیت ملی و مبارز وزیر محمد اکبرخان در استحکام نظام امیر دوست محمدخان و گروه دوم در مورد سیاست داخلی امیر دوست محمدخان در دور دوم سلطنت وی باهم مباحثه نمایند.

سؤالات

- ۱- مفاد معاهده اول جمروド را تذکر دهید.
- ۲- معاهده دوم جمرود بین کدام شخصیت‌ها عقد شد؟ سه ماده از مفاد این معاهده را تذکر دهید.
- ۳- علت عقد معاهدات جمرود را توضیح نمایید.

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان از شخصیت‌های فرهنگی و بزرگان راجع به خدمات امیر دوست محمدخان معلومات حاصل نموده و آنرا در صنف ارائه نمایند.

سلطنت اول امیر شیرعلی خان (۱۸۶۳-۱۸۶۶ میلادی)



امیر شیرعلی خان

امیر شیرعلی خان چگونه به قدرت رسید؟ با کدام مخالفت‌ها رو به رو شد و چرا اداره او سقوط نمود؟ جواب این مطالب را در این درس به دست خواهید آورد.

مردم افغانستان در دوره تسلط برادران وزیر فتح‌خان تقریباً نیم قرن در زد و خورد و بی‌نظمی‌ها به سر بردنده؛ زیرا سیاست استعماری انگلیس در این بی‌نظمی‌ها دخیل بود. قبل از سلطنت امیر شیرعلی خان یک تعداد معاهدات بالای امیر دوست محمد‌خان تحمیل گردید که نظر به معاهدات مذکور راههای ترانزیت و مواصلات به روی مردم افغانستان مسدود گردید و افغانستان در محاصره اقتصادی و سیاسی قرار گرفت.

امیر شیرعلی خان در زنده‌گی پدر و لیعهد تعیین گردیده بود؛ او بعد از مرگ پدر در ۱۲ جون ۱۸۶۳م.) در ولایت هرات به عمر ۴۱ ساله‌گی سلطنت خود را اعلام نمود. برادران او ظاهراً به او بیعت نمودند، اما در باطن در صدد مخالفت برآمدند.

امیر شیرعلی خان شهزاده محمد یعقوب را برای تنظیم امور ولایت هرات گذاشته و خودش با محمد اعظم خان رهسپار کابل گردید، اما در قسمت سبزوار محمد اعظم خان از امیر جدا

شده و از طریق مناطق مرکزی نزد سردار محمدحسین خان برادر سکه اش که حاکم هزاره جات بود رفت و خواست به کمک مردم هزاره به کابل حمله نماید، اما مردم هزاره جات طرفداری خود را از امیر شیرعلی خان اعلام نمودند؛ سپس محمداعظم خان از برادران دیگر خود کمک خواست و ترتیبات یک حمله را گرفت، اما در مقابل قوای امیر شیرعلی خان تاب مقاومت نیاورده به دولت انگلیس پناه برد. در جنگ دیگری محمدافضل خان و عبدالرحمن خان در منطقه باجگاه در دره هندوکش در مقابل قوای امیر شیرعلی خان شکست خوردند سردار محمدافضل خان تسلیم و سردار عبدالرحمن خان به بخارا فرار نمود.

امیر در سال ۱۸۶۵م. برای تصفیه قندهار با یک تعداد قوای زیاد حرکت نمود و با سردار محمد امین خان به مقابله پرداخت و در جنگی که بین طرفین رخ داد، سردار محمدعلی خان پسر امیر و محمد امین خان برادر امیر با هشت هزار عسکر به قتل رسیدند. این واقعه امیر را متأثر ساخته و بالای روان او تأثیر منفی به جا گذاشت. کنترول اعصاب خود را از دست داده و در قندهار ازدواج اختیار نمود، سر انجام، این ازدواج زمینه سقوط سلطنت او را فراهم ساخت.

سلطنت امیر محمدافضل خان (۱۸۶۶ - ۱۸۶۷ میلادی)

ازدواج امیر شیرعلی باعث شد تا سردار محمداعظم خان و سردار عبدالرحمن خان کابل را تصرف نمایند و بعد از تصرف کابل سردار محمدافضل خان به سلطنت رسید و به محض این که انگلیس‌ها در هند از پادشاهی امیر محمدافضل خان اطلاع یافتند فوری سلطنت او را به رسمیت شناخته به تعقیب آن انگلیس‌ها نماینده سیاسی خود را به کابل فرستادند.

در حالی که پادشاه رسمی افغانستان هنوز حضور داشت و مردم از او جانبداری نمودند، قوای امیر شیرعلی خان



امیر محمد افضل خان

در برخورد با قوای محمد اعظم خان و عبدالرحمن خان شکست خورد و امیر شیرعلی خان در هرات نزد پسر خود سردار محمد یعقوب خان اقامت گزید. بعد از این واقعه، فیض محمد خان حاکم اسبق آفچه به امیر شیرعلی خان پیام فرستاد و پیشنهاد کمک نمود. امیر شیرعلی خان از طریق میمنه و مزار شریف به او پیوست. در سال ۱۸۶۷ م عبدالرحمن خان جلو قوای امیر شیرعلی خان را در بازار ک پنجشیر گرفت و سردار فیض محمد خان در جنگ کشته شد و امیر شیرعلی خان دوباره به هرات بازگشت. درین موقع امیر محمد افضل خان نسبت مریضی که عاید حالت گردید، فوت نمود و جسد او در قلعه حشمت خان در نزدیکی شهدای صالحین دفن گردید. دوره سلطنت او خیلی کوتاه بوده، کدام کار مهم و قابل تذکر در زمان او صورت نگرفت.

سلطنت امیر محمد اعظم خان (۱۸۶۷ - ۱۸۶۸ میلادی)



محمد اعظم خان

بعد از وفات امیر محمد افضل خان، سردار محمد اعظم خان به موافقة سردار عبدالرحمن خان به سلطنت رسید. امیر محمد اعظم خان شخص متجدد بود، می خواست یک سلسله اصلاحات را در افغانستان روی کار آورد؛ ولی موقع آن برایش میسر نگردید. امیر شیرعلی خان از هرات به قندهار رسید و مردم قندهار که از ظلم پسران محمد اعظم به ستوه آمده بودند، امیر شیرعلی خان را در قندهار استقبال نمودند، در این موقع عبدالرحمن خان جهت مطیع ساختن ولایات شمالی، مصروف بود. امیر شیرعلی خان

به قصد گرفتن کابل حرکت کرد؛ قبل از این که به کابل برسد، مردم کابل علیه محمد اعظم احتجاج و از امیر شیرعلی جانب داری نمودند. امیر محمد اعظم خان با مشاهده اوضاع که به نفع امیر شیرعلی خان بود، روحیه اش ضعیف گردیده و نزد سردار عبدالرحمن خان به

تخار فرار نمود. در سال ۱۸۶۸م. امیر محمداعظم خان و عبدالرحمن خان قوایی ترتیب نموده در مقام شش گاو غزنی با قوای امیرشیرعلی خان روبرو گردیدند ولی شکست خوردن و فرار کردند، انگلیس‌ها ایشان را جهت رهایش به هندوستان دعوت نمودند، اما آن‌ها به قصد تهران از طریق سیستان روان گردیدند؛ امیر محمداعظم خان در طول راه مریض گردیده وفات نمود و در بسطام دفن شد و عبدالرحمن خان به بخارا پناهنده گردید.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به شخصیت امیرشیرعلی خان و گروه دوم در مورد اختلافات خانواده‌گی امیر با هم بحث و تبادل نظر کنند.

سؤالات

۱. امیرشیرعلی خان چگونه به قدرت رسید؟
۲. مشکلات داخلی امیرشیرعلی خان را در دور اول سلطنت آن فهرست نمایید.
۳. محمدافضل خان چگونه به قدرت رسید؟
۴. امیر محمداعظم خان چگونه به قدرت رسید؟

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان راجع به عوامل شکست امیرشیرعلی خان در دور اول سلطنت او مطالبی تهیه و در صنف ارائه نمایند.

سلطنت دوم امیر شیر علی خان (۱۸۶۸ - ۱۸۷۹ م.)



سید جمال الدین افغان

عرصه‌های اصلاحات، نتایج اصلاحات و عوامل تعرض دوم انگلیس بر افغانستان مطالبی است که در این درس راجع به آن معلومات ارائه گردیده است.

امیر شیر علی خان در اواخر سال (۱۸۶۸ میلادی) بعد از شکست سردار محمد اعظم خان و سردار عبدالرحمن خان در شش گاو غزنی، دوباره وارد کابل گردید و برای بار دوم به سلطنت رسید. وی نخست امنیت دولت مرکزی را تأمین نمود.

امیر شیر علی خان شخص روشنفکر و متجدد بود، موصوف بنیانگذار تمدن جدید در افغانستان می‌باشد. معرفی تمدن جدید در افغانستان همزمان با انقلاب صنعتی اروپا آغاز می‌گردد. امیر شیر علی خان با استفاده از رهنمایی‌های فیلسوف و دانشمند معروف افغانستان سید جمال الدین افغان اصلاحات را روی کار آورد.

امیر شیر علی خان روابط سیاسی خود را با روسیه و ایران بر اساس دوستی بنا نمود و عظام محمد خان سدو زایی را جهت به رسمیت شناختن افغانستان به هند بر تابوی فرستاد، بعد خودش از هند باز دید به عمل آورد، تکنالوژی و تمدن در هند بر تابوی او را تشویق نمود تا

به اصلاحات آتی دست بزنند.

الف) بخش اداری: حکومت یا قوه اجراییه تشکیل گردید که در رأس، سید نور محمدشاه فوشنجی به حیث صدراعظم، سپهسالار حسین علی، وزیر دفاع، ارسلخ خان وزیر خارجه، عصمت الله خان وزیر داخله، حبیب الله وردک وزیر مالیه و محمدحسین خان به حیث وزیر خزانی، تعیین گردیدند. کابینه تحت ریاست صدراعظم دایر می شد و روی امور دولتی بحث و تصامیم اتخاذ می گردید.

ب) بخش نظامی: امیرشیرعلی خان به منظور حفظ استقلال و تمامیت ارضی یک اردوی منظم یکصد هزار نفری تشکیل نمود. افراد اردوی مذکور بعد از تعلیمات نظامی با سلاح همان عصر مجهز بوده و یونیفورم به تن می نمودند. اردو در هشت مرکز نظامی جابه جا گردیده بود و در بخش نظامی صنایع اسلحه سازی رشد نموده، توب، تفنگ، کرج و باروت تولید می گردید؛ همچنان اصلاحات نظامی و قوماندها به زبان پشتو ساخته و در نظام عسکری رایج شدند.

ج) بخش اقتصادی: در بخش زراعت و مالداری توجه زیاد صورت گرفت، قبل از مالیات خیلی سنگین بود که دهاقین و مالکین توان پرداخت آنرا نداشتند و مجبور بودند در سه ماه اول سال، آنرا طور پیشکی قبل از گرفتن حاصلات پرداخت نمایند. که در این زمینه اصلاحات به میان آمد. صنعتگران و پیشهوران توسط دولت تشویق می شدند تا کیفیت و کمیت تولیدات ارتقا نماید.

۵) بخش فرهنگ: تعلیم و تربیة عنعنی که قبل از مساجد و منازل صورت می گرفت با تأسیس مکاتب به تعلیم و تربیة عصری مبدل گردید. مکاتب نظامی و ملکی اعمار شد و یک مطبعه در بالاحصار کابل تأسیس گردید.

برای نخستین بار جریده (شمس النهار) در ۱۶ صفحه، در ماه دو مرتبه نشر می گردید و یک تعداد رسانه های معلوماتی و اصول نامه ها نیز به چاپ می رسد، تکت پوستی به چاپ

آغاز نمود و جهت خدمات پوستی در هر جاه پوسته خانه‌ها ایجاد گردید. اصلاحات زمان امیر شیرعلی خان بر قدرت اقتصادی و استحکام امور دولتی تأثیر زیاد به جا گذاشت و در زنده‌گی مردم تحولات قابل ملاحظه رونما شد.

در درس گذشته تذکر یافت که امیر شیرعلی خان نماینده گان دائمی انگلیس را در ولایات نظر به دلایلی قبول نکرد و در روابط سیاسی خویش با انگلیس محتاط بود؛ ولی دوستی افغانستان و روسیه برای انگلیس بهانه خوب بود تا به افغانستان تجاوز نماید. گذشته از آن تعیین شهزاده عبدالله جان به حیث ولی‌عهد، شهزاده محمد عقوب خان را وادر ساخت تا در مقابل پدر بغاوت نماید؛ زیرا او در استحکام سلطنت امیر شیرعلی خان نقش مهم داشت. موضوع مهم دیگر این که قضاوت انگلیس‌ها در موضوع سیستان (تقسیم آب هلمند) و تعیین سرحدات شمالی افغانستان مورد قبول امیر نبود؛ به همین دلیل روابط امیر با انگلیس‌ها تیره گردید. با وجود کشیده‌گی‌های فوق، انگلیس‌ها خواستند با امیر مذاکره نمایند؛ اما موصوف نماینده انگلیس را نپذیرفت، مگر در اواخر سلطنت خویش، امیر حاضر گردید تا با انگلیس‌ها باب مذاکره را باز نماید، لیکن فوت و عزاداری ولی‌عهد عبدالله جان مذاکرات را به تعویق انداخت. انگلیس‌ها تعلل در مذاکرات را ناشی از نزدیکی دوستی امیر با روس‌ها تصور نمودند در همین موقع روس‌ها (خیوه و مرو) را تصرف نمودند. هم‌چنان انگلیس‌ها به بلوچستان حمله برده آنرا اشغال کردند. امیر شیرعلی خان مجبور گردید به مزار شریف سفر نماید، تا از روس‌ها کمک بگیرد اما در آنجا مريض شده به عمر پنجاه و هشت ساله‌گی وفات و در همان‌جا دفن گردید.

تجاوز دوم انگلیس بر افغانستان

(نوامبر ۱۸۷۸ تا آگسٹ ۱۸۸۰ میلادی)

مذاکرات طولانی انگلیس با نماینده افغانستان سید نور محمد شاه (صدراعظم) در هند به کدام نتیجه نرسید؛ زیرا انگلیس‌ها بر اقامت دائمی نماینده‌های خویش در افغانستان،

اصرار می‌ورزیدند که قبلًاً توسط امیرشیرعلی‌خان رد گردیده بود و صدراعظم افغانستان پیشنهاد مذکور را نیز نپذیرفت. بعد از آن، قوای انگلیس بالای جلال آباد و قندهار حمله و آن را تصرف نمود و امیر ناچار به مزارشیریف سفر نمود تا از روس‌ها استمداد جوید و سردار محمد یعقوب خان که نسبت بغاوت علیه پدر در زندان بهسر می‌برد از سوی امیر، فرمان رهایی او صادر شد تا از امور کشور، وارسی نماید.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به شخصیت فرهنگی امیرشیرعلی‌خان و گروه دوم در مورد نقش محمد یعقوب خان در اعاده سلطنت امیرشیرعلی‌خان معلومات حاصل و آنرا در صنف ارائه نمایند.

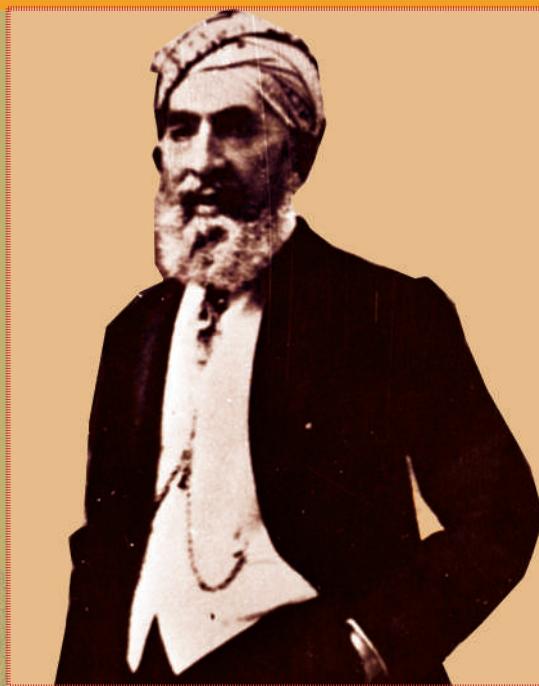
سؤالات

۱. برنامه اصلاحی سید جمال الدین افغان که پیشکش امیرشیرعلی‌خان گردید حاوی کدام مطالب بود؟
۲. جریدة شمس النهار چه وقت به فعالیت آغاز نمود؟
۳. نمونه‌هایی از تمدن جدید را که در زمان امیرشیرعلی‌خان به افغانستان راه یافت، ذکر نمایید.

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان راجع به عوامل تعرض دوم انگلیس بر افغانستان مطالبی تهیه و در صنف ارائه نمایند.

سلطنت امیر محمد یعقوب خان (از ماه مارچ تا ۱۸۷۹ م.)



امیر محمد یعقوب خان

یعقوب خان چگونه به قدرت رسید؟ معاهده گندمک کدام پیامدهای ناگوار را در قبال داشت؟ درین مبحث راجع به مطالب مذکور توضیحات داده شده است.

شهزاده محمد یعقوب خان در زمان پادشاهی پدر، مرد نیک نام بود و در اعاده سلطنت دوم پدر و استرداد قندهار نقش مهم داشت، مردم افغانستان از زندانی شدن او متأثر شده و از تعیین شهزاده عبدالله جان به حیث ولیعهد خوش نبودند؛ زیرا شهزاده یعقوب خان را دوست داشتند. سردار محمد یعقوب خان بعد از رهایی زندان به مریضی روحی و عصبی مبتلا گردیده بود.

انگلیس‌ها، برای اشغال افغانستان عملاً دست به کار شده بودند و مردم به یک رهبر ویا پادشاه نیاز داشتند تا به دور او جمع شده، جلو حملات انگلیس را بگیرند؛ بنابر این امیر محمد یعقوب خان در ماه مارچ ۱۸۷۹ به سلطنت رسید. از همان ابتدای سلطنت وزیران نامدارش چون حبیب الله خان صدراعظم، مرزا محمد خان وزیر خارجه و داوود شاه خان

سپهسالار توسط یک عده اجیران انگلیس تحت نظارت قرار داشتند.

ولی محمد (لاتی) در کابل علیه امیر فعالیت می‌نمود و می‌خواست افغانستان را به انگلیس تسليم نموده و به حمایة انگلیس به سلطنت برسد و سردار شیرعلی، حاکم قندهار و سردار محمدحسین حاکم جلال آباد برای این که در قدرت باقی بمانند با انگلیس‌ها همکاری داشتند.

انگلیس‌ها از جنگ با افغان‌ها هراس داشته، می‌خواستند با امیر، باب مذاکرات را باز نمایند، از این رو، سردار یحی خان خسرو امیر که در وقت حبس امیر به کشمیر فرار نموده بود با منشی اختیار هندی غرض مذاکره به کابل آمدند. انگلیس‌ها به دو مطلب علاوه‌مند بودند، یکی در اختیار داشتن راه‌های سه گانه (کرم، بولان و خیر) دیگر این که سیاست خارجی افغانستان را تحت نفوذ خویش داشته باشد.

منشی اختیار هندی نماینده انگلیس و یک تعداد سرداران نزدیک امیر، امیر را وادار ساختند تا جهت امضای قرارداد با انگلیس‌ها به گندمک سفر نماید.

در سال ۱۸۷۹ میلادی معاهده ننگین (گندمک) با (لیو کیوناری) نماینده انگلیس و امیر محمد یعقوب خان عقد و امضا گردید که به موجب این معاهده (کرم، لندی کوتل تا دره خیر، سیالکوت و بعضی نقاط دیگر جزء هند بر تابوی شد و بدین اساس، نماینده گان انگلیس در شهرهای عمدۀ افغانستان مستقر گردیدند و کیوناری با سپاه محافظ خود داخل بالا حصار کابل شد.

مردم کابل یک بار دیگر دست اجانب را در امور کشور مشاهده نمودند. قیام و ایستاده‌گی علیه تجاوز انگلیس را فریضه دینی و ملی خود دانسته و به صورت دسته جمعی به منزل کیوناری حمله بر دند و او را به قتل رساندند. بار دوم پلان و نقشه استعماری (سیاست پیشروی

(Forward Policy) انگلیس در افغانستان به ناکامی انجامید.



محمد جان خان وردک

رہبران مبارز و مجاهد چون محمدجان خان وردک، مladین محمد مشک عالم، صاحب جان تره کی، سردار محمدایوب خان و محمد عثمان خان صافی در مناطق مختلف کشور علیه انگلیس‌ها دست به حملات زدن. یکی از مشهورترین این جنگ‌ها، جنگ میوند در قندهار می‌باشد که با رشادت سردار محمدایوب خان غازی، پسر امیر شیرعلی خان به تاریخ ۲۷ جولای

۱۸۷۹ میلادی صورت گرفت. انگلیس‌ها در میدان میوند شکست سخت خوردند و تلفات سنگین را متحمل گردیدند که در تاریخ، مایه افتخار افغان‌ها و موجب شرم ساری انگلیس‌ها گردیده است. قابل تذکر است که در طول تاریخ افغانستان دختران و زنان افغان در امور اجتماعی دوش به دوش



فاتح میوند، غازی سردار محمدایوب خان

مردان سهم گرفته اند؛ چنان‌چه حماسه مشهور ملالی دختر جوانی که در جنگ میوند اشتراک نموده بود و موقعی که علم بردار در میدان نبرد به شهادت رسید، علم ملی را به دست گرفته، نگذاشت که روحیه غازیان ضعیف گردد. وی این دو بیتی را به صدای بلند در میدان جنگ سرود که باعث تقویة روحیه غازیان گردیده و جنگ شدت گرفت که در نتیجه مجاهدین پیروز شدند.

حال به دیار له وینو کنیبردم چې شنکی باغ کې ګل ګلاب وشمونه
که په میوند کې شهید نه شوې خداپرو لالیه بې ننگی ته دي ساتینه

مردم کابل قواي انگليس را در قرارگاه شيرپور محاصره نمودند تا اين که سردار عبدالرحمن خان از بخارا به چاريکار رسيد، انگليسها در حالت دشوار قرار داشتند. سردار عبدالرحمن خان اعلان سلطنت نمود. انگليسها به ناچار سلطنت وي را به رسميت شناختند و جنرال انگليس (رابرتس) کابل را برای امير عبدالرحمن خان تخلیه نمود و برای بار دیگر، دولت مرکزی مقتدر در افغانستان تشکيل گردید.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد چگونه گی به قدرت رسیدن امير شیرعلى و گروه دوم در باره تعرض دوم انگليس بر افغانستان باهم بحث نمايند.

سؤالات:

- امير شير على خان بار دوم چگونه به قدرت رسيد؟
- ريفورم و اصلاحات عمده امير شير على خان را در دور دوم سلطنت وي، تذکر دهيد.
- براي نخستين بار کدام جريده و چه وقت به نشر رسيد؟
- سردار محمد يعقوب خان کدام معاهده را با انگليسها، عقد نمود؟
- رهبران مبارز ملي در جنگ دوم انگليس و افغان کي ها بودند؛ نام بگيريد.

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان از بزرگان، اوليا ، شخصیت‌های فرهنگی و منابع دست داشته راجع به مواد معاهده گندمک معلومات حاصل و آنرا در صنف ارائه نمايند.

تحکیم قدرت مرکزی (۱۸۸۰-۱۹۰۱ م)



امیر عبدالرحمن خان

رویکار آمدن سردار عبدالرحمن خان،

ازین بردن ملوک الطوایفی، مشرف
شدن مردم نورستان به دین اسلام،
اشغال پنجده، قیام میوند، تلفات و
خروج انگلیس‌ها بار دوم از افغانستان
مطالبی است که درین درس به آن‌ها،
آشنا می‌شوید.

سردار عبدالرحمن خان فرزند امیر محمد افضل خان و نواسه امیر دوست محمدخان بود،
وی در سال (۱۸۳۰ میلادی) تولد و به عمر پنجاه ساله‌گی در سال (۱۸۸۰ میلادی) به سلطنت
رسید.

سردار عبدالرحمن خان در سال (۱۸۶۸ م). در محل شش گاو بین کابل و غزنی توسط قوای
امیر شیرعلی خان شکست خورده و به بخارا پناهنده گردید. در سال ۱۸۷۹ م. موقعی که انگلیس‌ها
بار دوم به افغانستان تجاوز کردند؛ سردار عبدالرحمن خان از تجاوز انگلیس‌ها اطلاع یافت و
داخل افغانستان گردید. وی در قطعن و بدخشان با مردم مذاکره نموده و آن‌ها را به جهاد علیه
انگلیس‌ها، تحریک و تشویق نمود؛ قوت‌های مردمی را تشکیل داد و وارد چاریکار شد. در
آن‌جا اعلام سلطنت نمود. انگلیس‌ها چون از لیاقت جنگی و سیاست امیر عبدالرحمن خان
آگاهی داشتند، موقعی که امیر عبدالرحمن خان به قدرت رسید؛ برای ایشان تشویش و هراس

پیدا شد، بنابر این بودن خود را در افغانستان ممکن نمی‌دانستند و شکست ایشان در افغانستان، به خصوص در میوند، مورال آن‌ها را ضعیف ساخته بود. در همین موقع، قوای جنرال رابرتس در قرارگاه شیرپور در محاصره قرار داشت. برای این‌که واقعه جنگ اول برای آن‌ها تکرار نشود کوشش می‌نمودند تا قبل از فرا رسیدن زمستان، قوای خود را از افغانستان خارج نمایند، بنا برین حکومت امیر عبدالرحمن خان را به رسمیت شناختند و کابل را به امیر تسليم نموده به اخراج قوای خویش از افغانستان آغاز کردند.

موقعی که امیر عبدالرحمن خان در (۱۸۸۰م.) زمام امور را به دست گرفت، با شرایط بسیار دشوار رو به رو بود؛ زیرا به اثر تجاوز انگلیس مردم افغانستان، خدمات زیادی را متحمل گردیده بودند؛ به طور مثال در افغانستان دستگاه نظم اداری و حکومت مرکزی فرو ریخته و تشکیلات نظامی و ملکی به کلی از بین رفته بود. در شهرهای عمدۀ افغانستان، مراکز صنعت و پیشه وری، زراعت و مالداری و سیستم آبیاری صدمه دیده بود، فرهنگ و اقتصاد ملی نابوده شده و در سراسر افغانستان سیستم ملوک الطوایفی استقرار پیدا کرده بود، مالیات سنگین و کمرشکن ذریعه ملاکین و خوانین بالای مردم وضع شده بود که مردم توان پرداخت آن را نداشتند. امیر عبدالرحمن خان برای این‌که بر همه مشکلات فایق آید و برنامه را روی دست داشت. یکی تشکیل دولت مرکزی سراسری و دیگر اصلاحات در بخش امور نظامی و اداری. امیر عبدالرحمن خان در تطبیق اصلاحات خود جدی بود هر نوع مانع را برای تطبیق اصلاحات خویش از سر راه بر می‌داشت.

امیر عبدالرحمن خان برای ساختن تشکیل دولت جدید خود، تشکیلات کابینه عهد امیر شیرعلی خان را نپذیرفت؛ زیرا بالای هیچ کس اعتماد نداشت. دوایر مستقلی در دولت تشکیل نمود و خودش در رأس صدارت، وزارت دفاع، وزارت داخله، وزارت خارجه و سایر وزارت خانه‌های دیگر قرار داشت. ماموران دولتی در اجرای وظایف خود مسئولیت‌های سنگین داشتند تا وظایف خود را به درستی انجام بدهند در غیر آن مورد بازخواست جدی قرار می‌گرفتند.

امیر عبدالرحمن خان در سال ۱۸۸۵ - ۱۸۸۶ م. در بخش نظامی، اصلاحات را روی دست گرفت و تعداد اردو را تانود و شش هزار نفر از تقاضا داد که شامل سپاه پیاده و سواره می‌گردید. علاوه بر اردو، سپاه دیگری از پسران خوانین تشکیل نمود که به نام گارد شاهی یا (بای بچه‌ها) یاد می‌شد بر اساس امر وی جهت تحکیم نظام، یک تعداد دفاتر از قبیل دفاتر؛ مالی، پوسته، رهداری (پاسپورت) کوتولی (امنیه و پولیس)، محصول مالیات، معاش، صکوک و دهها دفتر و اداره فرعی دیگر ایجاد شد. بر علاوه فعالیت‌های ذکر شده، حوادث مهم دوران امیر عبدالرحمن خان را در سه بخش زیر می‌توان خلاصه نمود:

خاموش کردن شورش‌های داخلی

در درس قبلی ذکر گردید موقعی که امیر عبدالرحمن خان به سلطنت رسید؛ افغانستان مورد تجاوز انگلیس قرار داشت و حکومت مرکزی موجود نبود و در اکثر مناطق افغانستان سیستم ملوک‌الطوابیفی رویکار آمده بود. مردم در شرایطی زندگی می‌نمودند که قانون و عدالت در جامعه وجود نداشت و مردم با مشکلات زیادی مواجه بودند. یکی از اهداف عمدۀ امیر عبدالرحمن خان، تحکیم و احیای حکومت مرکزی بود تا دولت مستحکم را تشکیل و حکومت‌های ملوک‌الطوابیفی را از بین ببرد زیرا ادامه چنین وضع عواقب خطرناک با خود داشت حتی امکان تجزیه افغانستان موجود بود. از این رو امیر عبدالرحمن خان برای از بین بردن ملوک‌الطوابیفی و خطر تجزیه کشور، اقدام جدی نمود. چون حکمرانیان محلی منافع خود را در خطر می‌دیدند، حکومت نو تأسیس در سراسر افغانستان با یک تعداد شورش‌ها و مخالفت‌ها رو به رو گردید، مانند: قیام مردم بلخ، هزاره‌جات، شینوار، منگل در پکتیا، بلوج‌ها در چخانسور، قوم کروخیل، پنجشیر، نجراب، جدران، جمشیدی‌ها در فیروزکوه و مردم میمنه. همه این شورش‌ها در مناطق مذکور با استعمال قوه سرکوب گردید و تمام ولایات تحت کنترول اداره مرکزی قرار گرفتند.

نورستان

نورستان در شمال شرق افغانستان، منطقه صعب العبور است که یکی از منزوی ترین دامنه های هندو کش می باشد که نام قدیم آن (بلور یا بولر) بوده و در قدیم به نام کافرستان یاد می گردید. قبل از معاهده دیورند که در درس بعدی راجع به آن معلومات داده خواهد داده شد، (چترال) و (گلگیت) با نورستان یکجا بوده و منطقه وسیعی را تشکیل می داد. اسکندر یونانی، امیر تیمور گورگانی و ظهیر الدین محمد با برخواستن به این سرزمین راه پیدا نمایند، اما نسبت سردی هوا، دره های صعب العبور و کوه های بلند و پر از برف نتوانستند بدانجا سفر نمایند. مردم این منطقه بت پرست بودند، عنعنات و آینین نیا کان خود را حفظ نموده، دارای استقلال محلی بودند.

در سال ۱۸۹۱ میلادی امیر عبدالرحمن، متوجه سرزمین مذکور گردید. به سپهسالار غلام حیدرخان چرخی که قوماندان و والی (ننگرهار و لغمان) بود، هدایت داد تا مقدمات یک سفر را به نورستان مهیا سازد. نخست، غلام حیدرخان چرخی برای انضمام نورستان به کشیدن راه های موصلاتی اقدام نمود و برای مردم نورستان ابلاغ نمود که دولت با اعمار راه های موصلاتی مشکلات شان را جهت عبور و مرور از یک منطقه به منطقه دیگر بر طرف می سازد. سپهسالار چرخی، قبل از این که به سفر نورستان آغاز نماید؛ عساکر؛ خود را در منطقه بریکوت جابه جا نمود و با مردم نورستان به تماس شده و روابط حسنی با آن ها برقرار ساخت، مردم نزد او به رفت و آمد پرداختند و یک تعداد مردم به دین اسلام مشرف گردیدند؛ اما مردم (کافور) و بعضی مناطق دیگر اسلام را پذیرفتند، ولی تابعیت دولت را قبول نمودند.

در سال ۱۸۹۶ م. سپهسالار چرخی جاده تا اسمار و دهانه نورستان اعمار نمود و اعمار جاده دیگر از طریق نورستان الی بد خشان، تکمیل گردید. او بعد از تکمیل جاده مذکور عساکر خود را به داخل نورستان سوق داد. با رسیدن عساکر دولتی، مردم نورستان دو دسته گردیدند: دسته اولی از سپهسالار اطاعت نمودند و دسته دومی به دفاع برخاسته به کوه ها برآمدند. سخت ترین جنگ بین مدافعان نورستان و قوای دولتی در موضع (کلوم) رخ داد. تلفات عساکر دولتی درین جنگ به ۲۰۰ تن رسید و تقریباً ۲۳۰۹ نفر به اسارت گرفته شد که با عزت به کابل انتقال داده

شدند و برای ایشان خوراک، پوشاك و محل رهایشی در نظر گرفته شد. قوای دولت، مناطق بسیاری از نورستان را فتح نمود و امنیت در آن جا تأمین گردید.

بت خانه‌ها ویران و به عوض آن مساجد اعمار گردید و به تعداد نزدیک مجسمه چوبی و یک تعداد تیر و کمان به کابل آورده شد. معلمان علوم دینی از لغمان، لوگر، پروان و کاپیسا به نورستان اعزام گردیدند تا مردم نورستان تعلیمات اسلامی را فرا گیرند. تمام سوقيات و فتح نورستان هشت ماه را در بر گرفت، زیرا در اول تصور می‌شد که الحاق نورستان مدت زیاد را در بر خواهد گرفت، اما به اثر درایت و لیاقت سپهسالار غلام حیدرخان، نورستان به مرکز ملحق و مردم آن به دین مقدس اسلام مشرف گردیدند و نام آن از کافرستان به نورستان تبدیل گردید.

اشغال پنجده

امپراتوری روسیه در شمال، هند بر تانوی در شرق و جنوب، ایران در غرب افغانستان موقعیت داشت و امیر عبدالرحمن خان همیشه توسط هند بر تانوی و روسیه تزاری مورد تهدید قرار می‌گرفت.

سردار محمد ایوب خان و سردار محمد اسحق خان دو رقیب امیر بودند که اولی توسط انگلیس‌ها و دومی توسط روس‌ها حمایه می‌شدند. گرچه دولت ایران برای امیر وسیله فشار نبود؛ اما این مروج شده بود که سرداران ناراضی به ایران پناه ببرند؛ اما امیر در مورد مناسبات با روسیه از احتیاط کار می‌گرفت و کوشش می‌نمود تا با روس تصادم نکند. دولت افغانستان در میان هند بر تانوی و روسیه تزاری حیثیت (بفر Buffer) یا حایل را داشت بعد از اشغال مناطق آسیای مرکزی، روس‌ها بهانه جویی را پیشه نموده و می‌خواستند به سرزمین افغانستان پیشروی نمایند. نخستین حرکت روس‌ها، انتقال شش هزار اتباع روسی به منطقه (مرو) بود. در مارچ ۱۸۸۵م. اوضاع آنقدر وخیم شد که ملکه انگلیس با تزار روس تماس گرفت و از تزار خواست تا از جنگ بین عساکر افغانی و روس جلوگیری نماید و احزاب مخالف در حکومت انگلیس بر حکومت انتقاد نموده که چرا جلو پیشروی روس را نمی‌گیرد. در همین

موقع روس‌ها به عساکر افغانی اخطار دادند تا در منطقه (کشك) سنگرهای خود را ترک نمایند. انگلیس‌ها در قبال حمله روس‌بی تفاوتی اختیار کرده و روس‌ها به پنجه حمله نمودند. جنرال غوث الدین خان مردانه وار جنگید تا این که خودش با قوای محدود خویش به قتل رسید و روس‌ها پنجه را اشغال نمودند.

امیر عبدالرحمن خان بعد از بیست و یک سال پادشاهی به عمر ۷۱ ساله گی در اول اکتوبر ۱۹۰۱م. در اثر مريضي نقرس چشم از جهان پوشید و در بوستان سرای کابل (پارک زرنگار کنونی) به خاک سپرده شد. در زمان سلطنت او متأسفانه در بخش‌های تعلیم و تربیه، فرهنگ، هنر و صنعت کدام کار مهم صورت نگرفت؛ اما به اثر تلاش امیر عبدالرحمن خان دولت مرکزی دوباره احیا و ملوک الطوایفی که در اثر بی‌اتفاقی شهزاده گان و دیسیسه‌های استعماری انگلیس به میان آمد بود محو گردید. قابل تذکر است که به موجب امضای معاهده دیورند، یک بخشی از سرزمین افغانستان در شرق و جنوب از پیکر آن جدا گردید.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد چگونه گی به قدرت رسیدن امیر عبدالرحمن خان و گروه دوم در رابطه با الحاق نورستان با هم بحث نمایند.

سؤالات

۱. روس‌ها، چگونه پنجه را اشغال کردند؟
۲. پالیسی بفر Buffer توسط کدام کشورها در افغانستان عملی گردید؟
۳. امیر عبدالرحمن خان در کدام سال به سلطنت رسید؟
۴. شخصیت امیر عبدالرحمن خان را مختصر توضیح نمایید.

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان در مورد اصلاحات و تحکیم اداره امیر عبدالرحمن خان مطلبی تهیه و در صنف ارائه نمایند.

عقد معاهدات

مجбу‌ریت‌های امیر عبدالرحمن خان، عقد معاہدہ دیورند و پیامدهای شوم

آن، مطالبی است که در این درس پیرامون آن معلومات ارائه شده است.

معاهده دیورند: انگلیس‌ها، قبل از این که معاہدہ دیورند را مطرح نمایند در سرحدات شرقی و جنوبی افغانستان اوضاع را مغشوش ساخته، در بین اقوام و قبایل پول و اسلحه توزیع می‌نمودند و مردم را به جنگ انداخته بعد به بهانه میانجیگری و فرونشاندن تشنج و خشونت، خود را مصلح و خیرخواه معرفی می‌نمودند و انواع دسایس و تبلیغات را جهت بی‌اعتبار ساختن امیر عبدالرحمن خان و دولت افغانستان به کار می‌بردند. در ۱۸۹۳ میلادی یک هیأت شش نفری تحت قیادت (مارتمیر دیورند) سکرتر امور خارجه برطانیا که مشتمل بود بر (الیس، داکترفن، سمت، مک‌مهان، دانلد و کلارک) از طریق خیر داخل افغانستان گردیدند؛ در حالی که سپاه انگلیس در امتداد سرحدات شرقی و جنوبی افغانستان جابه‌جا گردیده بود. هیأت مذکور در با غ حشمت خان با امیر عبدالرحمن خان گفتند که امیر مجبور است عهدنامه ترتیب شده را امضا و بسیار جدی به امیر عبدالرحمن خان گفتند که امیر مجبور است عهدنامه ترتیب شده را امضا نماید، در غیر آن، روابط بین دولتين قطع و جنگ شروع خواهد شد. امیر در شرایط بسیار دشوار قرار گرفت و لغزش امیر این بود که راجع به مذاکرات و متن آن به مردم افغانستان معلومات نداد و طبق معمول بدون اخذ رأی و نظریات مردم، معاہدہ مذکور را امضا نمود.

متن معاهده دیورند

- ۱- سرحد شرقی و جنوبی افغانستان از واخان شروع شده و تا سرحد ایران ادامه پیدا می‌نماید که در نقشه ترتیب شده نشان داده شده و ضمیمه عهدنامه مذکور می‌باشد.
- ۲- دولت هند بر تانوی به سرزمین‌های مربوط افغانستان است هیچ وقت مداخله نمی‌کند، و دولت افغانستان نیز به سرزمین‌های مربوطه هندوستان مداخله نکند.
- ۳- مناطق (اسمار و وادی بالای آن تا منطقه چنگ) مربوط افغانستان بوده. و دولت افغانستان هیچ وقت در مناطق (سوات، باجور، چترال و وادی ارنوی) مداخله نمی‌کند و منطقه (مکل برمل) مربوط افغانستان بوده و حکومت افغانستان بالای مناطق (وزیری و داور) ادعا نمی‌تواند.
- ۴- خط سرحدی مذکور توسط هیأت بر تانوی و افغانی مطابق نقشه علامت گذاری خواهد گردید.

۵- در منطقه چمن چهارونی (قرارگاه نظامی) جدید انگلیس مستقر می شود و سهم آبی که در (سرکی ننگی) که قبل افغانستان خریداری کرده بود از آنها صرف نظر نموده به دولت بر تانیا تسليم گردد. در این منطقه سرحد، خط حد فاصل به حسب زیر کشیده خواهد شد، از سر سلسه کوه خواجه عمران نزدیک (شاه کوتل) که ملکیت انگلیز می باشد قسمی امتداد دارد که (مرغه چمن) و چشمه (شیراو به Shiroba) مستقیماً بین (قلعه چمن نو) و تهانه افغانی مشهور به نام (لشکرونده) می گذرد بعد خط مذکور مستقیماً میان (ستیشن ریل) و کوچه میان بلاک رفته، باز به طرف جنوب گشته شامل سلسه کوه خواجه عمران می شود و تهانه (گواشه Gowasha) را در ملکیت انگلیز می گذارد و راه که به طرف (شوراوک) به جنوب و غرب (گواشه) می رود متعلق به افغانستان بوده، بر تانیه تا به نیم راهی مذکور مداخله نخواهد کرد.

۶- شرایط این عهدنامه بین بر تانیه و افغانستان قابل قبول بوده هرگاه در آینده، بالای کدام فقره اختلاف جزئی بروز نماید. از طریق مذاکره دوستانه حل و فصل خواهد شد.

۷- چون که دولت هند بر تانوی از نیت نیک جناب امیر صاحب نسبت به دولت هند بر تانوی اطمینان کامل دارد، لذا آرزومند است تا افغانستان را در حالت خود مختاری و استقلال بینند. و هرگاه افغانستان به خریدن اسلحه اقدام نماید دولت بر تانیه کدام اعتراض ندارد و هم نسبت امضای این قرارداد که سالانه به دولت افغانستان دوازده لک روپیه پرداخته می شد بعد از عقد قرارداد مذکور شش لک اضافه می گردد.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و راجع به مفاد معاهده دیورند بین خویش بحث نمایند.
نتیجه بحث توسط نماینده گان گروه در صنف ارائه گردد.

سؤالات

۱. معاهده دیورند بین کدام شخصیت ها عقد گردید؟

۲. معاهده دیورند در کدام سال عقد گردید؟

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان از اولیا و بزرگان، شخصیت های فرهنگی و منابع راجع به پیامدهای معاهده دیورند معلومات حاصل و در صنف ارائه نمایند.

سلطنت امیر حبیب الله خان (۱۹۰۱ الی ۱۹۱۹ میلادی)



امیر حبیب الله خان

چگونه‌گی به قدرت رسیدن امیر حبیب الله خان، کارکردهای مهم حکومت موصوف، علل و عوامل قتل وی مطالبی است که در متن ذیل به آن‌ها پاسخ داده شده است.

سردار حبیب الله خان پسر بزرگ امیر عبدالرحمن خان بود. موقعی که امیر عبدالرحمن خان توسط امیر شیرعلی خان در منطقه شش گاو (شش قلعه) میان کابل و غزنی در جنگ شکست خورد، پناهندۀ بخارا گردید و سردار حبیب الله خان در سال ۱۸۷۲ م. در سمرقند شدیده به دنیا کشود. وی به عمر ۲۸ یا ۲۹ ساله گی در سال ۱۹۰۱ م. بعد از وفات پدر زمام امور را به دست گرفت.

امیر حبیب الله خان به گونه طبیعی شخص آرام، هوشیار، متجدد و ترقی خواه بود. گرچه به عیش و عشرت و دربار مجلل تمایل داشت. امیر حبیب الله خان در دوران زمامداری به چندین چهره ظاهر گردید. در ابتدا در یکی از نطق‌های خود به مردم اظهار نمود که افغانستان جامعه اسلامی است و باید ارزش‌های اسلامی در آن رعایت گردد؛ چنان‌چه

در منطقهٔ خرابات شهر کابل رقصیدن رقصاه‌ها را ممنوع قرار داده و این عمل را مغایر شریعت دانست. به این ترتیب، در قوانین جزایی تغییرات به وجود آورد؛ به‌طور مثال قطع اعضای بدن در ارتکاب جرم منع قرار داده شد و به عوض آن برای مجرمین جبس‌های متفاوت تعیین گردید. کور ساختن مجرمین را منع قرار داده و خرید و فروش غلام و کنیز منع شد، اما راجع به آزادی ایشان عمل ننمود و هم‌چنان ازدواج با بیش از چهار زن را که خلاف شریعت است ممنوع قرار داد.

امیر حبیب‌الله خان، شخصیت فرهنگ دوست بوده و تأکید می‌نمود که جامعه بدون فراگرفتن تعلیم و تربیه ترقی و پیشرفت کرده نمی‌تواند. اقدامات مهم موصوف گذاشتن تهداب معارف و معرفی فرهنگ جدید بود. در سال (۱۹۰۳ م.) اولین مکتب به‌نام لیسهٔ حبیبیه تأسیس گردید که در این مکتب بر علاوهٔ مضامین دینی، تاریخ، جغرافیه، ریاضی، کیمیا، فزیک، هندسه، مثلثات، حکمت و حفظ‌الصحه تدریس می‌شد و چندین مکتب ابتدایی در شهر کابل نیز ایجاد گردید.

در بخش نظامی هم مکتبی به نام حریبه ایجاد شد که بر علاوهٔ مضامین علمی در آن ارکان حرب تدریس می‌گردید و پروسهٔ تدریس مضامین مذکور توسط معلمان افغانی، ترکی و هندی پیش‌برده می‌شد.

در بخش مطبوعات یک مطبوعه در شهر کابل تأسیس شد که ماشین‌های آن توسط قوهٔ بخار فعالیت می‌نمود. در مطبوعه مذکور یک تعداد لوایح دولتی و جراید به چاپ می‌رسید. دو جریده به‌نام‌های (سراج‌الاخبار) و (سراج‌الاطفال) برای اولین مرتبه تأسیس و به نشرات آغاز نمود که مدیر مسئول آن محمود طرزی بود و تحت نظر ایشان جراید مذکور چاپ و نشر می‌شد، که در بیداری و حس استقلال خواهی مردم نقش بارزی

داشت از همین سبب، محمود طرزی به نام پدر مطبوعات افغانستان لقب یافته است.

جاده کابل-غزنی، کابل-جلال آباد و لغمان احداث، چندین عراده موتو برای اولین بار جهت انتقالات از یک کمپنی به نام (مدلر) از بمبی توسط دولت، خریداری گردید و هم چندین نفر برای فرا گرفتن ترمیم موتو به هندوستان اعزام شدند.

در بخش نساجی یا تکه بافی یک فابریکه، پشمینه بافی تأسیس شد که با قوه بخار فعالیت می کرد، این فابریکه، سالانه برای پنجاه هزار عسکر یونیفورم نظامی تهیه می نمود و متباقی تولیدات آن به بازار عرضه می گردید. یک فابریکه کوچک تولید برق آبی در جبل السراج ساخته شد که ابتداء مقدار تولید آن کم بود، صرف ارگ را تنویر می نمود بعد به تعداد توربین های آن افزوده شد که شهر کابل را با برق تنویر می کرد. در بخش زراعت هم یک تعداد بندها و نهرها احداث گردید.

واقعات مهم دوران سلطنت حبیب الله خان بغاوت قبایل (خدران، منگل و احمدزی) و هم قیام مردم قندهار بود که این شورش ها، توسط دولت با تدبیر عالی خاموش گردید.

حادثه دیگر مقارن حکومت امیر حبیب الله خان وقوع جنگ جهانی اول بود، درین وقت هیأتی از حکومت آلمان وارد افغانستان گردید. لزوم دوستی دو مملکت را خاطر نشان ساخت، با این هیأت عدیی از نماینده گان دولت عثمانی و اتریش نیز شرکت داشتند تا بدین وسیله افغانستان را با دولت های (محور) یعنی کشورهایی که با آلمان هم دست بودند، الحق نمایند و انگلیس ها از ورود هیأت آلمانی هراس داشتند که مبادا افغانستان با دولت های محور ملحق گردد، بنا بر این با روس ها معاهده نمودند که به موجب معاهده مذکور افغانستان بی طرفی خود را در جنگ جهانی اول اعلام نمود.

امیر در سال های اخیر حکمرانی خویش مورد تنفر مردم، روشن فکران

و مشروطه خواهان قرار گرفته بود که به این ترتیب، زمینه‌های سقوط حکومت وی مهیا گردید.

در اواخر سال ۱۹۱۸م. امیر با تمام درباریان خود برای تفریح از جلال آباد برای صید ماهی به (کله گوش) لغمان رفتند و در آن‌جا در شام بیستم ماه فبروری توسط شخص نامعلوم با فیر تفنگچه به قتل رسید و جسد امیر به جلال آباد انتقال و در همان‌جا به خاک سپرده شد.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد چگونه‌گی به قدرت رسیدن امیر حبیب الله خان و گروه دوم در رابطه به شخصیت موصوف باهم بحث نموده، نتیجه مباحثه را در صنف ارائه نمایند.

سؤالات

۱. امیر حبیب الله خان در کدام سال به سلطنت رسید؟
۲. اولین جریده در کدام سال به نشرات آغاز و چه نام داشت؟
۳. اولین فابریکه برق آبی در کجا و به چه ظرفیت شروع به فعالیت نمود؟

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان در مورد ریفورم و اصلاحات امیر حبیب الله خان از بزرگان و اولیا معلومات حاصل و در صنف ارائه نمایند.

جنبشهای مشروطیت

جنبشهای مشروطیت، چگونه عرض اندام
نمودند؟ اهداف و مقاصد آنها چه بود و با چه
سرنوشتی مواجه گردیدند؟ در این درس شاگردان
با این مطالب آشنا می‌شوند.

در شروع سلطنت امیر حبیب الله خان برای نخستین بار، معارف مروج و نشر فرهنگ جدید آغاز گردید. یک تعداد مکاتب محدود تشکیل و در بخش نشر فرهنگ جدید دو روزنامه منتشر شد و در مطبوعه، چاپ کتب، آغاز گردید.

امیر حبیب الله خان بعد از امضای معاهده ۱۹۰۵ میلادی با انگلیس، خود را خاطر جمع احساس می‌نمود؛ اما به موجب این قرار داد انگلیس و روس در شروع جنگ جهانی اول هراس داشتند که مبادا افغانستان با قوای (محور) یا ممالک که با دولت آلمان متحد بودند، ملحق گردد؛ از همین رو انگلیس‌ها، افغانستان را تحت الحمایه خود قرار دادند که بدین ترتیب، استقلال افغانستان سلب گردید.

وضع اداری در شروع سلطنت امیر حبیب الله خان یک مقدار خوب بوده و مردم تصویر می‌کردند که به زودی بهبود بیشتر خواهد یافت، اما بعدتر صلاحیت‌های اداری و زمام امور افغانستان به دست چند نفر محدود قرار گرفت. مراجع اداری به فساد ملوث شد و فساد اداری

به اوج خود رسید و امیر در عیش و عشرت دربار فرو رفته از اوضاع مملکت بی خبر بود. روند کند رشد و انکشاف جامعه، سلب استقلال، افزایش فساد اداری، بی عدالتی و وضع مالیات کمر شکن بر مشکلات مردم، افزود.

روشنفکران از وضع بحرانی مملکت را رنج می‌بردند و برای حل این مشکل در صدد آن برآمدند تا مردم افغانستان را چطور نجات دهند؛ سرانجام، تصمیم گرفتند تا مطلق‌العنانی دولت را به مشروطیت تعویض نمایند.

روشنفکران به دور اصلاح طلبان دربار جمع شده و خواهان اصلاحات یا ریفورم در داخل دولت شدند. روشنفکران دربار عبارت بودند از محمد ولی خان بدخشنانی، میرزمان‌خان، میر یار ییک خان دروازی، پادشاه میرخان لوگری، نظام‌الدین خان ارغندیوال و لعل‌محمدخان کابلی. بعد یک دسته جوانان دیگر؛ مانند جوهرشاه‌خان، لعل‌محمدخان، پادشاه میر خان، نظام‌الدین خان و میر زمان‌خان با حلقهٔ سیاسی دیموکرات‌های خارج دربار یکجا شدند، کتب و جریده‌های خارجی در اختیار ایشان قرار می‌گرفت و به مسائل سیاسی، اجتماعی و اوضاع داخلی و خارجی علاقهٔ می‌گرفتند.

لیسهٔ حبیبیه به مرکز روشنفکران تبدیل گردیده بود. در بین روشنفکران (رادیکال‌ها) یا طرفداران اصلاحات بنیادی نیز وجود داشت که حتی خواهان کودتا هم بودند. دستهٔ دیگر روشنفکران خارج حلقهٔ دربار و در لیسهٔ حبیبیه فعالیت می‌نمودند. روشنفکران دربار، روشنفکران مستقل و جدا از لیسهٔ حبیبیه، با معلمان و کارمندان لیسهٔ مذکور ائتلاف نمودند و یک حزب سیاسی به‌نام (جمعیت‌سری‌ملی) را ایجاد کردند که مرام نامه حزب مذکور تبدیل مطلق‌العنانی به حکومت مشروطه، حصول استقلال، معارف متوازن و نشر تمدن و فرهنگ جدید در افغانستان بود.

حزب مذکور به گروه‌های ده نفری تحت رهبری یکی از مؤسسان تقسیم گردید و برای این که فعالیت‌های حزب افشا نگردد، اعضای حزب یکدیگر خود را نمی‌شناختند. جلسات حزبی خیلی محرمانه شب هنگام به‌نام مهمنانی توسط ریسان گروه‌ها دایر می‌گردید و در جلسات راجع به امور حزب فیصله‌ها صورت می‌گرفت و جلسات عمومی در فاصله‌های طولانی دایر

شده و تصامیم جدید اتخاذ می‌گردید.

رئیس یکی از حلقه‌های عمدۀ حزب، تاج محمدخان بلوج پغمانی، جوهر شاه خان غوربندی و میرسید قاسم خان لغمانی و اعضای مسلمانان هندی حزب که همه معلمان لیسۀ حبیبیه بودند؛ در یکی از جلسات حزب فیصله نمودند تا نخست امیر حبیب الله خان بدون این که از موجودیت حزب آگاه گردد، تشویق شود تا خودش در پیاده نمودن پروسوۀ نشر فرهنگ و تأسیس معارف سرتاسری راضی و همکاری نماید. یک کابی مرام نامۀ حزب نزد تاج محمد پغمانی موجود بود که با استناد دیگر در منزل خود نگهداری می‌نمود. برادرش محمد شریف که از مخالفان افکار سیاسی بوده و از طرفداران دولت محسوب می‌گردید، همراهی تاج محمدخان در یک منزل رهایشی داشت او مصوبۀ مذکور را از بین استناد تاج محمدخان به دست آورد و آن را به شخص امیر حبیب الله خان تقدیم کرد.

در زمستان (۱۹۰۹م.) هنگامی که امیر مصروف تفریح در جلال آباد بود، محمد عظیم خان کارمند فابریکۀ حربی و ملا منهاج الدین معلم خصوصی شهزاده کبیر خان، فهرستی از تمام اعضای حزب ترتیب نمودند و ملا منهاج الدین فهرست را با گزارش تهیه شده به امیر حبیب الله خان تقدیم کرد و در گزارش چنین تذکر داده شده بود که هدف (حزب سری ملی) کشتن امیر و تأسیس حکومت مشروطه می‌باشد و در کابل چنین شایعه بود که افشاگری توسط هندی‌های داخل حزب صورت گرفته بود. مردم چنین استدلال می‌نمودند که اعضای هندی حزب می‌خواستند نخست جنبش استقلال و مشروطه خواهی را خفه نمایند و دوم کشور افغانستان را به نفع انگلیس‌ها عقب انداخته و امیر را از تأسیس معارف و نشر فرهنگ جدید دلسربسانند و به حکم امیر، چهل نفر از اعضای حزب اعدام و تعدادی هم زندانی شدند. بعد از مدتی یک تعداد زندانیان آزاد شده، اما روشنفکران مشروطه خواه به کلی سرکوب نگردیده دوباره گروه‌های کوچکتر تشکیل نمودند که مخفیانه فعالیت می‌نمودند. در سال (۱۹۱۸م.) بعد از سرکوب شدن مشروطه خواهان (عبدالرحمون لودی) محرر سراج الاخبار و عضو جنبش مشروطیت که شخص (رادیکال) بود در شب جشن سالگرد امیر حبیب الله خان با تفنگچه بی در بام دوکان متصل کوچه قاضی (شوربازار) در انتظار موتور

حامل امیر نشست (آن وقت شاه معمولاً در شب‌های جشن و چراغان کابل بازارهای ارگ و چوک شور بازار را عبور می‌کرد) همین که موثر امیر مقابل دوکان مذکور رسید؛ عبدالرحمن بالای موثر امیر فیر نمود، مردمی به موثر اصابت کرد؛ اما موثر به سرعت گذشت و امیر نجات یافت و فردای آن شب عبدالرحمن لودی توسط قوا امنیتی گرفتار و در ارگ شاهی زندانی گردید. امیر مسئولیت اعدام او و همکاران اش را به گردن نگرفت. که بعد در سال (۱۹۱۹م.) عبدالرحمن لودی با سایر روشنفکران دیگر از زندان آزاد شده، منحیث ماموران دوره امانیه در وظایف دولتی تقرر حاصل نمودند.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد زمینه‌های ایجاد مشروطیت و گروه دوم در مورد اهداف این جنبش باهم بحث نموده، نتیجه آن را در صنف ارائه نمایند.

سؤالات

- ۱- جنبش مشروطیت را کی‌ها رهبری می‌نمودند؟
- ۲- اعضای بر جسته جنبش مشروطیت را کدام شخصیت‌ها، تشکیل می‌دادند؟
- ۳- امیر حبیب الله خان چگونه از مردم جنبش مشروطیت آگاه شد؟

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان در صورت دسترسی به منابع و مأخذ راجع به عواقب ناگوار سرکوبی جنبش مشروطیت، معلومات حاصل نموده و آنرا در صنف ارائه نمایند.

بردسى فصل اول

افغانستان برای مدت طولانی به اثر مداخلات خارجی‌ها تجزیه و تقسیم گردیده بود، اما در سال ۱۷۴۷م. دولت مرکزی توسط احمد شاه بابا مؤسس افغانستان، تأسیس شد. زراعت و مالداری که منابع اقتصاد افغانستان را تشکیل می‌داد به کلی صدمه دیده بود، بعد از تحکیم دولت مرکزی دوباره بهبود یافت، تولید صنایع مروج که احتیاجات روزمره مردم را مرفوع می‌ساخت دوباره احیا شد. تجارت سر از نو رونق گرفت و وضع اقتصادی بهتر شد. تعلیم و تربیه عنعنی در مدارس و مساجد صورت می‌گرفت و یک تعداد مدارس در سراسر افغانستان تأسیس گردید. از سال ۱۸۳۹ تا ۱۸۴۲ میلادی افغانستان مورد تجاوز انگلیس قرار گرفت و بعد از شکست انگلیس در افغانستان در اثر بی‌اتفاقی برادران وزیر فتح‌خان تا شروع سلطنت امیر شیرعلی‌خان بی‌نظمی و ملوک الطوایفی در کشور حکم‌فرما بود؛ اما در دوران سلطنت امیر شیرعلی‌خان دولت مرکزی تشکیل و قوه اجراییه که مشتمل بر صدراعظم و اعضای کابینه و ادارات دولتی بود تأسیس شده و نظام اداری در افغانستان به وجود آمد.

در بخش زراعت، مالداری، صنایع، اصلاحات به وجود آمد. معارف عنعنی به معارف عصری تعویض گردید. اردو تشکیل شد و وضع اقتصاد بهبود یافت. در عهد سلطنت دوم امیر شیرعلی‌خان، انگلیس‌ها برای بار دوم بر افغانستان تجاوز نمودند و شیرازه اداره و اصلاحات فرو ریخت، ملوک الطوایفی دوباره روی کار آمد، بی‌نظمی حاکم و اقتصاد به رکود مواجه شد. در ۱۸۸۰ امیر عبدالرحمن‌خان به سلطنت رسید، وی نخست اردوی یکصد هزار نفری تشکیل نموده و دولت مرکزی قوی بنیان گذاشت که تمام افغانستان را تحت اداره دولت مرکزی و واحد قرار داد، انگلیس‌ها علیه امیر و دولت افغانستان دسایس زیادی را به کار بردند تا بالآخره معاہدة دیورند را بالای امیر تحمیل و امضا نمودند که به موجب آن بعضی قسمت‌های افغانستان از پیکر آن جدا گردید.

در دوران سلطنت امیر حبیب الله‌خان تا اندازه‌یی به معارف و نشر فرهنگ جدید توجه به عمل آمد، اقتصاد بهبود یافت، راههای موصلاتی احداث، بند و نهرها اعمار گردید. برای انتقالات یک تعداد وسایط ترانسپورتی از یک کمپنی انگلیسی خریداری گردید خط تیلفون بین کابل، جلال‌آباد و لغمان به کار افتاد. فابریکه نساجی با قوه بخار به کار افتاد، بند برق جبل السراج برای تنویر شهر کابل اعمار گردید. یک مطبعه ساخته شد که چاپ کتاب‌ها و جریده‌ها در آن صورت می‌گرفت. قشر روشنگر در دربار و مکتب حبیبه عرض اندام کردند که مرام آن‌ها تأمین دموکراسی و ایجاد نظام مشروطیت بود.

فصل دوم

از استرداد استقلال تا پایان نظام جمهوری

۱۹۱۹-۱۹۷۸ میلادی

اهداف فصل

- ۱- آشنایی و معرفت با مفاهیم قیام‌های ملی در مقابل تجاوز و استعمار به‌خاطر استرداد استقلال؛
- ۲- آشنایی با ماهیت نظامنامه و اصول نامه‌ها؛
- ۳- آشنایی با نقش امان‌الله خان در استرداد استقلال کشور؛
- ۴- آشنایی با اثرات سوء جنگ جهانی دوم بر افغانستان؛
- ۵- آشنایی با پلان‌های عمرانی عصر صدارت سردار محمد داود خان؛
- ۶- آشنایی با قانون اساسی دهه دموکراسی و دست اوردهای آن؛
- ۷- آشنایی با عوامل تغییر رژیم از سلطنت به جمهوریت؛
- ۸- توانایی تحلیل ماهیت سیاست‌های استعمار؛
- ۹- توانایی نشان دادن نقاط استقرار انگلیس‌ها روی نقشه در جنگ‌های افغان و انگلیس؛
- ۱۰- توانایی استفاده از نقشه‌های تاریخی و اطلس‌ها؛
- ۱۱- توانایی درک عوامل تغییرات سیاسی؛

پادشاهی امیر امان‌الله خان و نقش او در استرداد استقلال کشور (فبروری ۱۹۱۹ - جنوری ۱۹۲۹ م.)



امیر امان‌الله خان

شخصیت امان‌الله خان، چگونه گی به قدرت رسیدن وی، نقش موصوف در استرداد استقلال و عقد معاهدات دولت امانیه با انگلیس‌ها که موجب به رسمیت شناختن استقلال افغانستان گردید؛ مطالبی اند که در این درس با آن‌ها، آشنایی حاصل می‌نمایید.

امیر حبیب‌الله خان در ۲۱ فبروری ۱۹۱۹ در شکارگاه کله گوش لغمان به قتل رسید و در روز دوم کشته شدن وی، ناصرالله خان برادر امیر، در جلال آباد و امان‌الله خان پسرش در کابل اعلام سلطنت کردند؛ به این ترتیب هم زمان در کشور دو حکومت به وجود آمد، چون علاقه و طرفداری مردم و درباریان از امان‌الله خان زیاد بود، موقف وی را نسبت به ناصرالله خان مستحکمتر ساخت بنابر آن ناصرالله خان از ادعای سلطنت دست کشید و امان‌الله خان سلطنت خود را طی اعلامیه‌های مفصل چاپی با اهداف و برنامه‌های خویش در رابطه به استقلال کشور به مردم افغانستان اعلام کرد، برخی از نقاط اعلامیه پادشاهی امان‌الله خان به شرح ذیل است:

«ای ملت معظم افغانستان! من هنگام شهادت پدر و کالت سلطنت را در کابل داشتم و اکنون به اصالت آن، بار سنگین امانت را متوكلاً و معتقداً بالله به عهده گرفتم. وقتی که ملت بزرگ من، تاج شاهی را بر سرم نهاد، من عهد بستم که بایستی دولت افغانستان؛ مانند سایر قدرت‌های مستقل جهان، در داخل و خارج کشور آزاد و مستقل باشد، ملت افغانستان در داخل کشور آزادی کامل داشته و از هرگونه تجاوز و ظلم محفوظ و مردم فقط باید مطیع قانون باشند و

بس. کار اجباری و بیگار در تمام رشته‌ها ممنوع و ملغاست. حکومت ما در افغانستان اصلاحات خواهد نمود که ملت و مملکت ما بتوانند در بین ملت‌های متعدد جهان، جای مناسب و مقام خود را حاصل نمایند. من در اجرات امور کشور مشورت را به حکم و شاورهم فی الامر رهبر قرار خواهم داد. ای ملت عزیز و ای قوم باتمیز در حفظ دین و دولت و ملت خود بیدار و در نگهبانی وطن خویش هوشیار باشید. من از خداوند (ج) برای شما و اهل اسلام و کلیه بنی نوع انسان خیر و سعادت می‌خواهم...».

قبل از این که امان‌الله‌خان به قدرت برسد در قدم نخست با تعداد زیادی از مردم بار سوخ و منور کشور روابط را تأمین نموده بود. و دوم این که امان‌الله‌خان خودش نیز با اصلاحات و تغییرات علاقه‌مند بود و نوآوری می‌خواست. سوم پیش از این که امان‌الله‌خان به حاکمیت برسد، در زمان حاکمیت پدر امکانات لازم اجتماعی و سیاسی را در اختیار داشت.

امیر امان‌الله‌خان در سیاست خارجی خواهان استقلال کشور از بیگانه‌گان و حفظ تمامیت ارضی بود. او در اجتماع بزرگ مردم کابل و قشون ساکن در پایتخت که در میدان مرادخانی حاضر بودند، سوار بر اسب بدون محافظین و سپاه در بین جمعیت داخل شد. در حالی که شمشیر بر همه در کمر آویخته بود، نطق مشهور تاریخی خود را ایراد نمود. در این نطق در مورد مسایل گوناگون بحث به عمل آمد، شاه از جمله استقلال افغانستان و آزادی فردی در داخل کشور، مساوات، برابری و برابری، آزادی ملت و تأمین عدالت و صداقت دولت جدید را مطرح ساخت. در اثنای ایراد بیانیه، صدای شادی و تهنیت از جمعیت حاضر در میدان برخاست و به این صورت دولت جدیدی به میان آمد که در ظرف ده روز از طرف مردم کشور مورد حمایت قرار گرفت. اعلام مشی امیر امان‌الله‌خان طبقات و اقسام مختلف؛ چون دهقانان، مالداران، تجاران، پیشه‌وران و روشنفکران را به حمایت دولت جدید برانگیخت؛ زیرا مواد مشی مذکور به خواسته‌های مردم و ملت مطابقت می‌کرد.

به سلسله اصلاحات جدید معاش هر فرد عسکر که در ماه ۱۲ روپیه بود به ۲۰ روپیه افزایش یافت، دولت توجه خود را در آرامش و رفع مایحتاج سپاه که حافظ استقلال کشور بود، مبذول داشت. همین بود که اردوی شصت هزار نفری افغانستان در سراسر کشور به پشتیبانی از دولت جدید برخاست.

امان‌الله‌خان برای حصول استقلال، جهاد را اعلان نمود طبقات مختلف کشور برای تحقق این

هدف متحد گردیده و بالاخره در سیزده اپریل ۱۹۱۹م. افغانستان به رهبری شاه امان‌الله خان اعلام استقلال کرد.

شاه امان‌الله از استقلال افغانستان به دولت انگلیس اطلاع داد، چون دولت بریتانیا حاضر نبود از نفوذ استعماری خویش صرف نظر کند و استقلال افغانستان را به رسمیت بشناسد، در جواب نامه فقط تسلیت نامه‌ی مبنی بر فوت پدرش فرستاد و از استقلال هیچ تذکری به عمل نیاورد.

امان‌الله خان به خاطر این که موضوع به رسمیت شناختن استقلال افغانستان را به کرسی بنشاند عساکر افغانی را در نقاط مختلف مرز هند بر تانوی اعزام و متمرکز ساخت و برای کسب استقلال سیاسی افغانستان جنگ سوم افغان و انگلیس صورت گرفت. سوقيات نیروهای افغانی در جبهات سه گانه کشور (خیبر، پکتیا و قندھار) علیه تجاوز گران انگلیسی آغاز گردید.



قصر دارالامان

الف) مذاکره صلح راولپندي ۱۸ آگسٽ ۱۹۱۹ ميلادي

انگلیس‌ها بعد از جنگ با افغانستان ترجیح دادند که با دولت افغانستان کنار بیایند و مسائل را در پشت میز مذاکره حل کنند، لذا بعد از مبادله یک تعداد مکاتيب بین حکومت‌ها یک هیئت صلح به ریاست علی احمد خان وزیر داخله عازم راولپندي شد و با سر گران特 Sir Grant رئیس هیأت بریتانیا در کنفرانس اشتراک نمود و بعد از چندین جلسه بالآخره معاهده صلح راولپندي بین دولتين به امضاء رسید. مگر مقاد این قرارداد به نفع انگلیس و به ضرر افغانستان تمام شد.

ب) مذاکرة مونسوري ۱۹۲۰ ميلادي

چون کنفرانس صلح راولپندي به ضرر افغانستان به امضاء رسیده بود، دولت افغانستان از حکومت بریتانیا امضای یک معاهده کامل به اساس حقوق مساوی را مطالبه نمود. بالآخره به تاریخ ۹ مارچ ۱۹۲۰م. دولت انگلیس از امیر دعوت کرد تا هیأت افغانی را به مونسوري اعزام دارد. هیأت افغانی به ریاست محمد طرزی وزیر خارجه افغانستان و نماینده بریتانیا جلسات شان را در مونسوري آغاز کردند. مذاکرات مذکور حدود سه ماه دوام نمود؛ اما نتیجه نداد و هیأت

افغانی بعد از مذاکرات خسته کن و طولانی بدون آن که کدام قراردادی امضا کرده باشد به کابل عودت نمود؛ ولی انگلیس‌ها بعدها دیدند که افغانستان با ممالک دیگر روابط دیپلماتیک را آغاز کرده است بناءً در پی آن شدند تا هیأت به افغانستان فرستاده و مذاکره را دوباره از سر گیرند.

ج- معاهده کابل ۲۲ نوامبر ۱۹۲۱ میلادی

هیأت بر تابوی به سر کرده‌گی سرهنگی دابس وارد کابل شد و مذاکرات خویش را با وزیر خارجه افغانستان، محمود طرزی آغاز کرد. مذاکرات تقریباً یازده ماه طول کشید، چون تقاضا و خواسته‌های هردو جانب در تقابل قرار داشت؛ نزدیک بود که مذاکرات طولانی یازده ماهه قطع شود. سرانجام، معاهده کابل در ۲۲ نوامبر ۱۹۲۱ به امضارسید و دولت انگلیس استقلال افغانستان را به رسمیت شناخت و دولتین به تبادله سفیران بین کابل و لندن موافقت کردند. ایجاد دولت مستقل افغانستان در عرصه سیاست خارجی ضربه مرگباری بر مواضع استعماری انگلیس در شرق میانه و شرق نزدیک وارد کرد و در روند مبارزه تاریخی ضد استعماری در آسیا تأثیرات عمیق وارد نمود.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به اعلامیه‌های شاه امان‌الله خان و گروه دوم در مورد چگونه‌گی و حصول استقلال کشور با هم گفتگو نمایند.

سؤالات

- کدام عوامل باعث شد تا نصرالله خان از ادعای سلطنت دست بکشد و زمینه برای به قدرت رسیدن شاه امان‌الله خان مساعد گردد؟
- در رابطه به اعلامیه‌های شاه امان‌الله خان مختصر معلومات دهید.
- استقلال افغانستان بر اساس معاهده حاصل شد؟

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان راجع به شخصیت شاه امان‌الله خان از منبایع دست داشته شان معلومات را به دست آورده و آنرا در صنف به دیگر همصنفان شان قرائت نمایند.

استرداد استقلال کشور و جبهات سه گانه نبرد

در این درس با چگونه‌گی استرداد استقلال افغانستان و اهمیت جبهات سه گانه نبرد که به شکست انگلیس‌ها و متار که منجر شد آشنا می‌شویم.

قبل از این که در باره جبهات استرداد استقلال در مقابل انگلیس یادآوری کیم، تذکر یک مطلب ضروری است و آن این که ما تنها استرداد استقلال را منحصر همین جبهات سه گانه مقید نسازیم. حقیقت روشن این است که در استرداد استقلال هر منطقه در مقابل انگلیس به یک سنگر حفظ استقلال و دفاع تبدیل شده بود، مگر شکست قطعی به همت و فداکاری آن عده افغان‌ها به عمل آمد که تحت رهبری دولت امانی در جبهات مذکور می‌جنگیدند.

دولت امانی از آغاز زمامداری خود به حکمرانان انگلیسی در هند خاطرنشان ساخت که دولت جدید افغانستان تداوم ارتباطات را تحت معاهدات قبلی نمی‌خواهد، اعلیحضرت امام‌الله‌خان در سوم مارچ مکتوبی را به نائب‌الحكومة انگلیسی در هند لارد چلسفورد فرستاد. در نامه ذکر شده بود که در معاهده ۱۹۰۵م. تجدید نظر صورت گرفته و استقلال افغانستان توسط انگلیس‌ها به رسمیت شناخته شود. دولت امانی بدون این که به جواب مکتوب مذکور

منتظر بماند، با یک عده کشورها و از جمله با اتحاد شوروی نو تأسیس، و توسط شوروی با دولت‌های اروپایی ارتباطات خویش را تأمین نمود. همزمان به آن، آماده‌گی جنگ استقلال را علیه انگلیس آغاز کرد. در این اثنا شورای دفاع از کشور تشکیل گردید و برای حملات قاطعانه در جنوب، جنوب غرب و شرق افغانستان آماده‌گی روی دست گرفته شد.

جبههٔ شرق: تلاش‌ها برای استرداد استقلال کشور از ابتدای زمامداری دولت امانی آغاز گردیده بود، مگر در ماه اپریل کوشش‌های منظم قوت‌های افغانی قویتر و سریعتر شد. نخستین حرکت قوای افغانی در سنگر شرقی با رسیدن سپه‌سالار صالح محمدخان و قوت‌های منظم آن به جلال آباد شروع شد. همزمان، قوت‌های مردمی و جوانان داو طلب به این صفواف پیوستند. در سنگر شرقی در سوم ماه می، جنگ با یک حمله ناگهانی قوت‌های افغانی آغاز گردید. این حمله آنقدر نیرومند و سریع بود که فضای ترس را در میان لشکرهای انگلیسی ایجاد کرد و انگلیس‌ها به عقب نشینی مجبور شدند. قوای افغانی در طی یک هفتۀ جنگ قوای انگلیسی را از کنار سنگرهار تا پیشاور طوری عقب زدند که توان بازگشت در آن‌ها باقی نماند. در ده‌لی و لندن سیاسیون و نظامیان انگلیس حملات ناگهانی و فتوحات پی در پی افغان‌ها را سرآغاز شکست بزرگ برای منافع انگلیس‌ها در آسیا تلقی کردند، از این‌رو، حملات متقابل را آغاز نمودند آن‌ها از تمام امکانات زمینی و هوایی خود استفاده کردند و به وسیله بمباردمان سنگین، مورال قوای شکست خورده خود را تقویه کردند و به این ترتیب جلو، پیشروی قوای افغانی را گرفته و آن‌ها را تا سرحد تورخم به عقب نشینی مجبور ساختند. انگلیس‌ها از یک طرف راه‌های لوژستیکی را مسدود ساخته و از طرف دیگر، شهرهای جلال آباد و کابل را به گونه بمباردمان کردند که تعدادی زیادی از اطفال و سالخورده‌گان که در شهرها باقی مانده بودند به شهادت رسیدند. این بمباردمان آنقدر شدید و سنگین بود که یک عده از ماموران بلندرتبۀ دولت امانی درخواست نمودند تا پایتخت را از کابل به یک جای مصون انتقال داده شود؛ مگر اعلیحضرت امان‌الله‌خان این پیشنهاد را پذیرفت و رهبری جنگ را تا مرحله پیروزی از کابل به عهده گرفت.

جبهه جنوب شرق: سویقات جبهه جنوب شرق کشور تحت رهبری سپهسالار محمد

نادرخان پیشبرده می‌شد، به اساس فیصله دولت امانی، سپهسالار محمدنادر خان با قوای منظم در بیست و چهارم ماه اپریل به گردیز رسید. در گردیز جوانان داوطلب از اقوام مختلف به دور نادر خان جمع شدند. سپهسالار محمدنادر خان برای تنظیم و ترتیب قوای خود برای دو هفته در گردیز باقی ماند. در چهاردهم ماه می، در تمام پکتیا نقاره استقلال به صدا درآمد و قوای افغانی به سنگرهای انگلیس حمله کردند. انگلیس‌ها به شکست مواجه شده، مراکز نظامی خود را یکی پی دیگر از دست می‌دادند. قوت‌های افغانی قلعهٔ تل، وانه و تمامی مراکز نظامی انگلیسی را تصرف کردند. مگر در اثر حملهٔ قاطعی که در ۲۶ ماه می، به وقوع پیوست، دشمن توان و امید خود را از دست داد، بنا بر آن انگلیس‌ها در سوم ماه جون از دولت امانی خواهان متارکه و آتش‌بس شدند.

جبهه جنوب: در جنوب کشور سویقات تحت رهبری اعتمادالدوله سردار عبدالقدوس خان پیش برده می‌شد و برای جنگ استقلال، مردم مناطق مختلف حوزهٔ جنوب در حالت آماده باش و منتظر امر مرکز بودند. اعتمادالدوله برای تنظیم امور جنگ با انگلیس‌ها از کابل به مقصد قندهار حرکت نمود. در زمان ترک کابل تعداد محدود با او همراه بودند، مگر تا میدان وردک و غزنی تعداد لشکر مردمی اعتمادالدوله به هزاران نفر رسید. با ورود به قندهار، جوانان داوطلب با ایشان یکجا شدند و تعداد لشکر به ده‌ها هزار تن رسید.

در قندهار، هنوز ترتیب و تنظیم قوت‌ها تکمیل نبود که عساکر انگلیسی بر محافظین افغانی در سپین بولدک و پشین حمله ناگهانی نموده و در یک جنگ نابرابر محافظین افغانی به شهادت رسیدند. با شنیدن این خبر، مردم قندهار به شمول جوانان داوطلب احساساتی شده و به سردار عبدالقدوس خان این موقع را ندادند تا قوت‌های خود را ترتیب و تنظیم کند؛ بنابر این بدون تأخیر در ۲۶ ماه می بالای مراکز نظامی دشمن هجوم بردند؛ مگر عساکر انگلیسی قبل از آن که در مقابل شمشیر افغانان مقاومت کنند، پیش از این، مراکز خود را تخلیه کرده بودند.

قوتهای افغانی متواتر سنگرهای مستحکم انگلیس‌ها را تصرف کردند و تا شهر کویته تمام منطقه را از موجودیت دشمن پاک سازی نمودند. وقتی که افغان‌های فاتح به شهر کویته رسیدند، انگلیس‌ها از دولت امانی درخواست مтарکه و آتش‌بس نمودند و در سوم ماه جون آتش‌بس در بین دولتين برقرار شد و همزمان با آن روند دیپلماتیک پذیرفتن استقلال افغانستان آغاز گردید.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به محاذ سه گانه و گروه دوم در مورد پالیسی انگلیس در قبال افغانستان با هم بحث کنند.

سؤالات

۱. نقش نادرخان را در پیشرفت محاذ پکتیا چگونه ارزیابی می‌کنید؟
۲. صالح محمدخان در کدام جبهه توظیف گردیده بود و چه دست آورد داشت؟
۳. قلعه تل چگونه فتح شد؟

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان از روی منابع و مآخذ، راجع به پیامدها و عواقب نبردهای جبهات سه گانه معلومات حاصل و در صنف ارایه نمایند.

اصلاحات و ریفورم (۱۹۲۸ - ۱۹۲۱ م.)



محمود طرزی

اصلاحات و کارکردهای عمده
دولت امیر امان‌الله خان، مطالبی اند که
در این درس به آن آشنامی شوید.

حصول استقلال سیاسی افغانستان در سال ۱۹۱۹ میلادی مصادف به ۱۲۹۸ هـ.ش. منحیث واقعه بزرگ تاریخی بر اوضاع سیاسی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور تأثیر عمیق گذاشت و افغانستان وارد یک مرحله جدید گردید. از آنجایی که شاه امان‌الله خان از محبوبیت زیاد در بین اکثریت مردم برخوردار بود با پشتیبانی و حمایت آن‌ها به آوردن یک سلسله اصلاحات اقدام نمود. این اصلاحات و تحولات شامل دو مرحله بود:

مرحله نخست که از سال ۱۹۱۹ الی ۱۹۲۴ دوام کرد. در این مرحله مردم افغانستان که خواهان پیشرفت بودند از اصلاحات جدید استقبال نمودند.

مرحله دوم اصلاحات که از ۱۹۲۴ الی ختم نظام امنی را در بر می‌گرفت بنا بر یک سلسله عوامل داخلی و خارجی جنبه عملی پیدا نکرد. شاه امان‌الله خان می‌خواست به زودترین فرصت برنامه‌های عمرانی و انکشاپی مبنی بر داشتن شهرها، قصرها و عمارت‌ها، و تفریح گاه‌ها، فابریکه‌ها و مردم آراسته با تمدن و فرهنگ جدید داشته باشد. موصوف در پرتو همین اهداف و رسیدن به آن بدون در نظرداشت واقعیت‌ها و وضعیت فرهنگی جامعه از عجله و شتابزده‌گی کار گرفت که عواقب ناگوار را در قبال داشت.

یکی از تحولات بسیار مهم مرحله اول اصلاحات، تصویب نخستین قانون اساسی افغانستان در سال ۱۹۲۳م. در لویه جرگه (۸۸۲) نفری در جلال آباد بود که بعد این قانون در لویه جرگه پغمان در سلطان سال ۱۹۲۴ تأیید و توشیح گردید.

قانون اساسی که نخستین قدم در برنامه اصلاحات امان‌الله‌خان شمرده می‌شد، نظام شاهی مشروطه را تثیت و مهمترین اصلاحات در زمینه اقتصادی بود؛ چون در نتیجه جنگ در برابر انگلیس‌ها به خاطر استقلال کشور در ۱۹۱۹م. خزانه دولتی کشور به طور کامل تخلیه گردیده بود. ضرور بود که ذخایر پولی که بدون آن عملی کردن هیچ یک از اصلاحات و انکشافات در کشور ممکن نبود، به وجود آید. روی همین منظور شاه امان‌الله‌خان ریفورم و برنامه‌های اصلاحات اداری و مالی را آغاز کرد.

امور مالی و اقتصادی

شاه امان‌الله‌خان در مرحله نخست تطبیق اصلاحات، به موانع روبرو نگردید. موصوف فشار تحمیل مالیات را بر ملت تخفیف بخشدید. مالیات اراضی را از جنس به نقد عوض نمود و تمام افراد مالیه دهنده به گونه مستقیم و بدون وساطت خان و ملک با دفاتر مالی دولت در ارتباط شدند، برای مالیه مواسی قانونی به نام «محصول مواسی» وضع شد.

برای تنظیم امور مالی ادارات، در کابل مکتبی به نام «اصول دفتر داری» ساخته شد که فارغان آن به صفت ماموران مالیه کشور گماشته می‌شدند و به این ترتیب امور حسابی کهنه دولت به سیستم عصری تبدیل شد. مکتب حکام در مرکز تأسیس شده و فارغان آن به حکومت‌های محلی مقرر می‌شدند.

تجارت نیز وسعت یافت، تعدد تعرفه‌های گمرکی داخلی لغو شد و در نتیجه این ریفورم انکشاف سرمایه داری تسريع گردید، محاکم شرعی و معاملات تجاری به وجود آمد و شرکت‌ها و کمپنی‌های تجاری در کابل تأسیس شد.

دولت امانيه در صدد ساختن فابریکه‌ها و تمدید خط آهن در افغانستان شد و با دو شرکت جرمنی و فرانسوی قراردادهایی صورت گرفت که طبق آن در ده سال خط آهن از جنوب به شمال افغانستان امداد می‌یافت.

تمدید لین تیلگراف و تیلیفون از مرکز به ولایات کشور زیر دست گرفته شد، استیشن‌هایی در پغمان، جلال آباد و قندھار زیر کار قرار گرفت، کارخانه‌های ترمیم موتور و پرזה سازی، صابون، عطریات، نختابی، پارچه بافی، پنبه، روغن‌کشی و نجاری در قندھار، هرات و مزار

شريف تأسیس شد. پوسته هوايی داخلی بین کابل و مزارشریف، و پوسته خارجی بین اتحاد شوروی و افغانستان، ایران و تركیه ایجاد گردید. بند غازی و بند سراج غزنی تکمیل شد. برای استخراج معادن لاجورد بدخسان، نفت هرات، زغال سنگ، گوگرد، سرب، ابرک، تباشير وغیره برنامه روی دست گرفته شد؛ همچنان؛ پلان تأسیس فابریکه ذوب آهن تحت بررسی قرار گرفت.

در نتیجه این ریفورم، عایدات دولت نسبت به سابق بیشتر از دو چند بالا رفت و سالانه از ۸۰ میلیون روپیه افزایش یافت؛ همچنان سیستم واحد اوزان متریک به وجود آمد و واحد پول از روپیه به افغانی عوض شد.

اداره

دولت از همه بیشتر متوجه تحکیم ثبات و وحدت ملی افغانستان گردید. و این وحدت ملی بر محور برادری، تساوی حقوق اتباع افغانستان استوار بود. مطابق ماده هشت قانون اساسی همه افرادی که در افغانستان زنده گی می کنند صرف نظر از مسایل دینی و مذهبی تبعه کشور گفته می شوند نظام سیاسی و دولت از آزادی های شخصی افراد حمایت می کند. هیچ کس بدون امر شرعی و معجز قانونی توقيف و مجازات نمی شود. بعض از نظر نژاد، مذهب و قبیله از بین رفته و به تمام ملت حق مساوی داده شد.

دستگاه دولت به سه قوای. (اجراییه، مقننه و قضائیه) تقسیم گردید. دولت امانیه جهت دفاع از حریم کشور، قوای هوايی را تشکیل داد که مشتمل بر ۱۱ طیاره می گردید و ۶۵ نفر شاگرد برای تحصیل درین رشته به روسیه، فرانسه و ایتالیا اعزام گردیدند. یک عدد دیگر برای تحصیل در رشته های نظامی به اتحاد شوروی و تركیه فرستاده شدند. فابریکه حربی کابل تقویه گردید و مهمات جنگی وارد شده؛ مانند: توب های دافع هوا و موتو های زره پوش در اختیار قوای نظامی قرار گرفت.

در کابل اداره رادیو ساخته شد و شهر با برق تنویر گردید. از نظر صحی در کابل و ولايات شفاخانه های ملکی و نظامی ایجاد شد و در مرکز شفاخانه مستورات و در پغمان سناتوریم ساخته شد. ماشین های اکسیری به کابل وارد شد و جای برای رهایش بیماران روانی و دارالایتم تأسیس گردید.

معارف و امور فرهنگی

طبق ماده ۶۸ قانون اساسی، معارف، رایگان و اجباری گردید، تعداد زیاد مکاتب در مرکز و ولايات کشور بنیاد گذاشته شد. در پایتحت بر علاوه مکتب حبیبه، لیسه امانیه تأسیس

گردیده. اولی به کمک فرانسوی‌ها و دومی به همکاری آلمانی‌ها به وجود آمدند. هم‌چنان در مرکز و ولایات کشور اضافه تراز ۳۲۲ باب مکتب و یک باب دارالملعین در هرات ساخته شد. تعداد شاگردان ابتدایی تا سال ۱۹۲۷ م. به ۵۱ هزار نفر رسید. در دوره ثانوی و مسلکی سه هزار متعلم تحصیل می‌کردند و صدها نفر محصل به کشورهای اتحاد شوروی، جرمنی، فرانسه، ایتالیا و ترکیه برای تحصیل فرستاده شدند.

هم‌چنان یک کتابخانه ملی تأسیس شد که امروز به نام کتابخانه عامه معروف است. در کنار این کارها یک سینما در شهر کابل و یک تیاتر در پغمان ایجاد شد و سیزده جریده و مجله به مصرف دولت در کابل و ولایات متشر می‌شد؛ مانند جریده ارشادالنسوان، جریده اتحاد مشرقی، روزنامه افغان، مجله معارف، جریده امان افغان، جریده بیداری، روزنامه حقیقت وغیره... مطبوعات داخلی آزاد شد و برای نشر جریده و روزنامه‌های شخصی، زمینه مساعد شد که می‌توان به گونه مثال از جریده انیس، نسیم سحر و نوروز نام برد.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به اصلاحات مالی و اقتصادی شاه امان‌الله‌خان و گروه دوم راجع به اصلاحات اداری نامبرده بین هم گفتگو نمایند.

سؤالات

۱. اصلاحات امان‌الله‌خان شامل چند مرحله بود؟ هر مرحله آنرا با تذکر تاریخ آن بیان دارید.
۲. شاه امان‌الله به کدام هدف اصلاحات را آغاز کرد؟
۳. نخستین قانون اساسی افغانستان در کدام سال و در کجا به تصویب رسید؟
۴. از نظر تشکل اداره، دولت امانی بر کدام قوا استوار بود؟
۵. در اصلاحات فرهنگی امان‌الله‌خان کدام کارها در عرصه معارف صورت گرفت، آنرا مختصر شرح دهید؟

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان راجع به اصلاحات فرهنگی زمان شاه امان‌الله‌خان معلومات حاصل و آنرا در صنف ارائه نمایند.

سفر اروپایی شاه امان‌الله‌خان غازی (۱۳۰۶/۱۹۲۷ ه.ش.)



ضرورت سفر شاه امان‌الله‌خان، دست آوردها، عکس‌العمل‌ها در را بطه به سفر وی سو استفاده نیروهای فرصت طلب از غیابت طولانی شاه، مفاهیمی اند که در این متن پیرامون آن معلومات ارائه شده است.

شاه امان‌الله‌خان غازی در سال (۱۳۰۵ ه.ش.) در مجلس عالی وزراء و شورای دولت کمبود سامان آلات و وسائل پیشرفت، ترقی و عصری کردن افغانستان را مورد غور و بحث قرار داد که باید بزرگترین و بهترین سامان آلات برای پیشرفت معارف، مطبوعات، عمرانات، مخابرات جدید، صنعت و زراعت افغانستان از ممالک اروپایی خریداری و مهیا گردد و برای این کار اشخاص مسلکی و کار فهم انتخاب و در فرصت مناسب به جانب اروپا اعزام گردند.

مجلس وزرا تصویب نمود که برای برآورده ساختن این همه مقاصد علمی و فنی خود شخص شاه غازی ریاست هیأت را عهده دار شود؛ زیرا نامبرده بزرگترین و منورترین مرد معارف خواه بود. و هم از طرف دیگر، چون از سال (۱۳۰۱ ه.ش) به بعد دعوت نامه‌های رسمی از طرف چندین کشور موافصلت و خواهش شده بود که پادشاه افغانستان از کشورهای شان دیدن نماید. همین بود که شاه امان‌الله‌خان همراه با ملکه ثریا و اعضای عالی رتبه دولت، عازم اروپا گردیدند و در اوایل برج دسامبر سال ۱۹۲۷ م. مطابق ماه قوس (۱۳۰۶ ه.ش.). بعد از مراسم وداعیه از کابل به جانب قندهار حرکت نمود و آنجا مورد پذیرایی گرم مردم. قندهار قرار گرفت؛ سپس به طرف چمن و بعد از راه کوتیته به شهر کراچی موافصلت نمودند. در جریان اقامت در کراچی

از میدان هوایی و فابریکه ترمیم طیاره، دیدن به عمل آورد. طبق برنامه یی رسمی عازم بندر بمبئی گردیدند. چون شخص شاه با زبان های ترکی و فرانسوی آشنایی داشت تعداد ترجمان ها نیز با ایشان همراه بودند و هم چنان سفیران و نماینده گان افغانی در خارج کشور مطابق پروگرام و برنامه یی وظایف معین داشتند که از این لحاظ به کدام مشکل مواجه نگردند.

شاه امان‌الله‌خان بعد از رسیدن به بمبئی از طرف مسلمانان، افغان های مقیم هند و هندوها که به دو طرف جاده ها صفت بسته بودند با صدا های بلند، (غازی پادشاه زنده باد) استقبال شد و مردم آنقدر جذبات از خود نشان دادند که انگلیس ها را سخت پریشان ساختند به خاطری که شاه امان‌الله‌خان در جهان اسلام از محبوبیت خاص برخوردارد بود. شاه غازی در تمام گفتار های خود از آزادی مردم هند و سایر ملل محروم از استقلال صحبت می نمودند. شاه امان‌الله‌خان در جریان اقامت شان در هند به مردم آن کشور چنین خطاب نمود: «آزادی بخشیده نمی شود؛ بلکه به نیرو و ضرب شمشیر به دست آورده می شود».

شاه امان‌الله‌خان بعد از دیدار با زعما و انجمن های هند، به عدن و از آن‌جا به مصر سفر نمود که از طرف فواد اول پادشاه مصر و مردم آن کشور استقبال گردید. بعد از دیدن و مشاهده آبدات تاریخی آن کشور به اسکندریه رفت و از طریق بحیره مدیترانه عازم ایتالیا شد، در روم پذیرایی خوبی از امان‌الله‌خان صورت گرفت و با ویکتور امانیول پادشاه، ملکه و ولیعهد ایتالیا شد. ملاقات کاری نمود. پادشاه ایتالیا در نقطه خود کارهای خسته گی ناپذیر شاه امان‌الله‌خان را توصیف و تمجید کرد و خواستار روابط دوستانه با افغانستان شد و شاه امان‌الله بعد از ایتالیا جانب فرانسه را در پیش گرفت که از طرف رئیس جمهور فرانسه استقبال گرم شد و در آن‌جا پیرامون موضوعات مورد علاقه؛ از قبیل خریداری طیارات، تفنگ، مهمات و پذیرفتن محصلان افغانی جهت فراگرفتن تحصیلات در فرانسه، اعزام معلمان لایق به مکتب استقلال و ادامه همکاری در قسمت حفريات باستان‌شناسی و سایر ضرورت های علمی و تحقیکی توافق صورت گرفت و هم از دولت فرانسه تقاضا گردید تا یک موزیم در کابل به سلیقه فرانسوی اعمار و تأسیس گردد. از بزرگترین افتخاراتی که شاه امان‌الله‌خان در سفر فرانسه حاصل کرد این بود که شاروال پاریس در مورد چنین اظهار نمود: «تحفه قابل شأن شما را نداریم که تقدیم کنیم؛ از این رو شهر پاریس را خدمت تان تقدیم می کنم». و دیگر این که چپر کت خوابگاه ناپلیون را جهت استراحت شاه امان‌الله‌خان گذاشتند.

شاه امان‌الله‌خان از آن‌جا به بروکسل، بلژیک و سویس سفر نمودند؛ سپس عازم آلمان شدند و در آن‌جا از طرف رئیس جمهور آلمان (پاول فن هندنبورگ) و اراکین دولت پذیرایی گردید.

و هم چنان در کشور آلمان از ده میں سالگرد استقلال افغانستان تجلیل به عمل آمد و یک فروند طیاره از طرف کشور آلمان به شاه امان‌الله خان هدیه داده شد.

شاه امان‌الله خان بعد از سفر آلمان به انگلستان رفت و در آن‌جا از طرف پادشاه انگلیس (جارج پنجم) و ملکه آن کشور استقبال و پذیرایی گردید و امان‌الله خان در لندن قوای هوایی انگلیس را مشاهده نمود؛ همچنین از پوهنتون آکسفورد و بعضی محلات دیگر نیز دیدن نمود که از طرف پوهنتون مذکور دکتورای افتخاری حقوق برای شاه اعطای گردید. این اولین شخصیت افغانی بود که به اخذ دکتورای افتخاری حقوق، نایل آمد.

شاه امان‌الله خان به تعقیب سفر انگلستان به روسیه شوروی سفر نمود و انگلیس‌ها با این سفر شاه مخالف بودند که باید امان‌الله خان با روسیه مناسبات دوستی داشته باشد. شاه امان‌الله خان در روسیه از طرف رئیس جمهور (کالینین) و دیگر اعضای عالی رتبه دولتی مورد استقبال گرم قرار گرفت و این اولین قهرمان افغان بود که در روسیه شوروی به گرمی استقبال شد. در نتیجه این سفر یک سلسله معاہدات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی عقد گردید.

شاه جوان در پایان سفر روسیه به طرف ترکیه حرکت کرد، در ترکیه از طرف مصطفی کمال (اتاترک) رئیس جمهور ترکیه و عصمت اینیونو صدراعظم و دیگر ارکین دولتی استقبال گردید. در این سفر هردو کشور خواهان استحکام دوستی، تحکیم روابط سیاسی، تجاری و فرهنگی گردیدند.

شاه امان‌الله خان بعد از دیدار یازده کشور آسیایی و اروپایی اراده سفر به کشور ایران نمود، که بعد از موافقت به تهران از طرف رضاخان شاه پهلوی پذیرایی گرم شد. شاه و ملت ایران به کارنامه‌هایی که شاه امان‌الله خان که در مدت ۹ سال زمام داری انجام داده بود به دیده قدر می‌دیدند و هم‌چنان در ایران معاہدات بین هردو کشور به امضا رسید. مشکلات سرحدی که بین ایران و ترکیه موجود بود به اثر سعی و کوشش او رفع گردید. شاه بعد از سفر ایران دوباره به افغانستان عودت نمود.

دیدار شاه امان‌الله از دو کشور اسلامی (ترکیه و ایران) و کشورهای اروپایی برای افغانستان اهمیت زیاد داشت که در نتیجه موقف افغانستان مستحکم و اعتبار آن در عرصه بین‌المللی بلند رفت. تماس‌های نامبرده با رهبران دولت‌های اروپایی و آسیایی نشان دهنده آن بود که افغانستان به عنوان یک کشور مستقل می‌تواند با تمام کشورهای جهان رابطه دوستانه را بر اساس برابری و احترام متقابل برقرار سازد.

دیدار شاه امان‌الله خان از اتحاد شوروی، عقد قراردادها با ترکیه و ایران نشان داد که تلاش‌های انگلیس‌ها به منظور تأمین نفوذ مجدد آن‌ها در افغانستان نقش برآب گردید. او در این

سفر موفق شد توجه محافل برخی از کشورهای اروپایی را به امکانات وسیع همکاری اقتصادی به افغانستان جلب کند.

ملکه ثریا خانم امیر امان‌الله خان که یکی از زنان نامور افغانستان می‌باشد در این سفر اروپایی شاه جوان را همراهی نمود. ملکه ثریا سومین دختر محمود طرزی، زن فاضل، عالم، سخنور، دانش‌پرور و مردم دوست بود. این زن سخنور در سال ۱۲۹۳ شمسی با شهزاده امان‌الله خان ازدواج نمود. ملکه ثریا یکی از مشوقین امیر امان‌الله در انتشار فرهنگ و تمدن جدید، تأمین حقوق و آزادی نسوان و اعتلا و ترقی کشور بوده است؛ چنان‌چه یکی از خبرنگاران و نماینده مجله (هوهلو) فرانسوی در جریان اقامت امیر امان‌الله خان و هیأت همراه او در فرانسه که با ملکه ثریا ملاقات و مصاحبه نموده بود چنین می‌نگارد:

«من با خیلی از ملکه‌ها و زنان درجه اول ملاقات و مصاحبه کرده‌ام، کمتر زنی را به متانت، ذکاوت و معلومات ملکه افغانستان دیده‌ام. از این ملاقات‌ها یقین حاصل شد. محیط افغانستان که چنین ملکه می‌پروراند، مستعد و قابل هر گونه ترقی و همدوشی با ممالک مترقی دنیا می‌باشد».

سفر شاه امان‌الله خان مدت شش ماه طول کشید. این سفر از یک طرف پیامدهای خوب برای افغانستان داشت از جانب دیگر، از اثر غیابت طولانی شاه امنیت کشور، اداره مملکت گستته و زمینه خوب تطبیق پلان‌های مخالفین مساعد گردید. به همین علت بود که عواقب ناگوار و خسارات هنگفتی برای افغانستان به بار آورد.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به علل سفر شاه امان‌الله خان به اروپا و گروه دوم راجع به دست آوردها و نتایج آن سفر بین هم بحث نمایند.

سؤالات

- سفر اروپایی امان‌الله خان چند ماه طول کشید و به کدام کشورها سفر نمود؟
- راجع به استقبال شاه امان‌الله خان در هند مختصر معلومات دهید.
- علل دسایس عليه شاه امان‌الله خان چی بود؟

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان از روی منابع و مآخذ راجع به پیامدهای سفر شاه امان‌الله خان به اروپا مطلبی تهیه و در صنف ارایه نمایند.

عکس العمل در برابر اصلاحات



چرا اصلاحات شاه امان‌الله خان به عکس العمل مواجه گردید،
عوامل داخلی و خارجی تا کدام حد در آن نقش داشت؟ در این
درس پاسخ این سؤال‌ها را درمی‌یابیم.

استرداد استقلال کشور که در نتیجه قربانی‌های مردم افغانستان تحت رهنمایی غازی امان‌الله خان حاصل گردید، پیروزی بزرگی علیه استعمارگران انگلیسی بود. افغان‌ها، توانستند دولت جوان و مستقل افغانستان را تشکیل دهند، کشور ما که از یوغ استعمار آزاد گردیده بود ضرورت به اصلاحات و تحول در همه عرصه‌ها (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی وغیره) داشت از این‌رو، شاه امان‌الله خان زمانی که امور مملکت را به دست آورد، دست به اصلاحات زد تا بتواند کشور را در قطار ممالک پیشرفته جهان قرار دهد. اصلاحات و ریفورم آغاز گردید و مورد قبول اکثریت افغان‌ها قرار گرفت، ولی عده‌یی از مردم نظر به تحریک انگلیس‌ها در قبال اصلاحات عکس العمل‌های منفی نشان دادند. چون انگلیس‌ها می‌خواستند با ایجاد اغتشاشات داخلی دولت جوان افغانستان را ضعیف ساخته و از بین ببرد.

انگلیس‌ها از سیاست (تفرقه انداز و حکومت کن) کار گرفتند و در بعضی مناطق دستگاه‌های جاسوسی آن به کار افتاد. قانون جزا با مخالفت مردم منگل مواجه شد. تصویب قانون جدید عکس العمل‌های حلقه‌های مذهبی را در پی داشت. تعدادی از روحانیون در سمت پکتیا به مخالفت مباردت ورزیدند. در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی مصادف به ۱۹۲۵ میلادی امان‌الله‌خان کوشش نمود تا از راه گفتگو و مفاهمه موضوع را حل نماید و هیأت و ملا امامان مساجد را به پکتیا اعزام نمود تا روحانیون را قانع سازد، ولی آن‌ها نپذیرفتند همین بود که مخالفت به رهبری ملا عبدالله در پکتیا آغاز شد و تا لوگر سرایت کرد. دولت در مقابل آن‌ها مقاومت کرده و مخالفان را خاموش ساخت.

شاه امان‌الله‌خان برای معرفی افغانستان و جلب کمک‌های خارجی سفر طولانی به آسیا و اروپا نمود که از اثر غیابت طولانی نامبرده دشمن خارجی استفاده نموده و زمینه خوب برای تطبیق پلان‌های شوم شان مساعد گردید.

زمانی که شاه امان‌الله‌خان از سفر اروپا برگشت علاقه اش به اصلاحات و ترقیات بیشتر شد و به پروسه اصلاحات و ریفورم دچار شتابزده گی بیشتر شد.

امان‌الله‌خان از یک طرف، کشورهای متmodern و مترقی جهان را دیده بود، می‌خواست افغانستان نیز به چنان انکشاف و ترقی نایل آید و از احتیاج کشورهای دیگر فارغ گردد و از جانب دیگر تعدادی از حلقات معین یکجا با دشمن بزرگ خارجی (انگلیس) علیه تطبیق این تحولات قرار گرفتند.

برخلاف دولت مستقل امانی طرح توطئه بزرگی ریخته شد، دسته‌های پراگنده مخالفین تمرکز یافت و عملیات نظامی آغاز گردید، مخالفان دولت در دو جبهه (شرق و شمال) مصروف فعالیت گردیدند. طرح این پلان طوری بود که اغتشاش نخست از جبهه شرق آغاز شود تا دولت

مجبور به سوقيات سپاه گردیده و پايتخت از عساکر تخلیه شود و بعد از جبهه شمال شهر کابل شورشيان (کوهدامن و کوهستان) بر پايتخت بي دفاع بريزند و به سرعت دولت را سقوط دهنده، باید گفت که البته تعدادي از ماموران عالي رتبه دولت شاه امان الله نيز با شورشيان کمک کردنده.

در روزهایی که در شرق، مردم شینوار بغاوت کردند و شورش در آن منطقه بر پا شد، در شمال راه کابل توسط حبیب الله کلکانی که مشهور به بچه سقاو بود مسدود گردید.

حبیب الله (بچه سقاو) با علی احمد خان والی کابل که از طرف دولت آن وقت به خاطر حل معضلات به کوهدامن مامور شده بود، داخل مذاکره شد هیأت اعزامی عوض این که به سود دولت کار نماید بر عکس به خاطر نفع شخصی خویش با گروه کلکانی در خفا روابط قایم ساخت؛ هم چنان اشخاص دیگر فرصت طلب، نیز با حبیب الله کلکانی همکاری نمودند.

حبیب الله کلکانی با همکاری عده‌یی از ماموران عالی رتبه دولتی که در خفا به خاطر منافع شخصی خود بر ضد دولت قرار گرفته بودند، در اخیر دسامبر سال ۱۹۲۸م. بر کابل حمله نمود. چون شاه امان الله نخواست خونریزی زیاد صورت بگیرد در اوایل جنوری ۱۹۲۹ میلادی از پادشاهی استغفا داد و به قندھار رفت از آنجا به کشور ایتالیا سفر نموده و تا پایان عمر در همانجا مسکن گزین شد.

برادر امان الله خان سردار عنایت الله خان مدت سه روز اقتدار را در دست گرفت و بعد حبیب الله (بچه سقاو) ارگ را محاصره نمود و سردار عنایت الله به قندھار عقب نشینی کرد. به این ترتیب، حبیب الله کلکانی بر شهر کابل حاکم گردیده و با به دست آوردن قدرت اعلان پادشاهی کرد.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به عوامل عکس العمل در برابر اصلاحات امان‌الله‌خان و گروه دوم راجع به تحریکات انگلیس بر ضد افغانستان بین هم بحث نمایند.

سؤالات

۱. کدام عوامل باعث شد تا یک تعداد مردم از اصلاحات دولت امانی ناراض شدند؟
۲. اولین شورش ضد دولتی در کجا به وجود آمد، نتیجه آن چه شد مختصر شرح دهید؟
۳. راجع به سقوط کابل توسط حبیب‌الله کلکانی هرچه می‌دانید بنویسید.

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان از منابع دست داشته خود راجع به عوامل ضدیت یک عدد مردم افغانستان، عليه اصلاحات امانی مطلبی تهیه و آنرا در صنف به دیگر همصنفان ارایه نمایند.

ختم بحران و تحکیم قدرت (۱۹۲۹ م. / ۱۳۰۸ ه. ش.)



سردار محمد نادر شاه

سردار محمد نادر خان چگونه
به قدرت رسید؟ دست به کدام
اصلاحات زد، شورش‌ها را
چگونه خاموش ساخت؟ با این
مطلوب در مبحث زیر، آشنا
می‌شوید.

حکمرانی ۹ ماهه حبیب الله کلکانی کابل را از هر حیث خسarde مند ساخت. کشور ۹ ماه در هرج و مرج به سر بردا، از این‌که مردم افغانستان از این حالت ناراضی شده به طور کامل برای تحول آماده بودند. در این زمان محمد نادر خان که یکی از فاتحان جبهه جنوب و جنوب شرقی و سپاه سالار دوره امنی بود، به کمک و همکاری مردم در ۱۵ اکتوبر ۱۹۲۹ م. وارد کابل شد و به قصر سلام خانه رفت، در آنجا یک تعداد زیاد از معززین کابل، سران و بزرگان قبایل حضور داشتند. محمد نادر خان در یک خطابه به آن‌ها چنین گفت: «به فضل خداوند جلاله من به آرمان خود رسیدم، آرزوی من نجات وطن بود و اینک امروز این آرمان من برآورده شد، من علاقه‌مند قدرت نیستم یک لویه جرگه را دایر می‌کنم تا آن‌ها زعیم خود را انتخاب نمایند». در این هنگام حاضران گفتند که به لویه جرگه ضرورت نیست شما پادشاه ما هستید و هم‌چنان اعضای مجلس اظهار نمودند.

که «در مجلس فعلی اکثریت اعضای لویه جرگه سابقه حضور دارند بعد از آن، حضرت مجددی (نورالمشایخ) بر سر محمد نادرخان دستار را به شکل تاج و جوغه گذاشت و به این ترتیب، محمدنادر خان پادشاه افغانستان شد.

محمدنادر شاه در کابل به سلطنت آغاز کرد، نامبرده با چالش‌های جدی روبه‌رو بود. مخالفت طرفداران امان‌الله‌خان از یک‌طرف، دست اندازی انگلیس‌ها به کشور و بقایای حکومت حبیب‌الله کلکانی از طرف دیگر، باعث شد تا دفاتر دولتی و ادارات حکومتی شهر کابل که در ۹ ماه حاکمیت (حبیب‌الله کلکانی) تخریب، اکثر نهادها چور و چپاول و یا هم قسمانابود شده بود، توجه بیشتر پادشاه و اراکین دولت جدید را به خود جلب نمود تا مؤسسات دولتی و هم ارگ شاهی به اسرع وقت ترمیم گردد تا پادشاه با خانواده‌اش در آنجا مسکن گرین شود.

دوره سلطنت محمدنادرشاه با هردو دوره قبلی (شاه امان‌الله‌خان و حبیب‌الله کلکانی) فرق داشت. این دوره نه مانند دوره امان‌الله‌خان که خواهان سرعت زیاد در اصلاحات بود و نه مانند دوره حبیب‌الله کلکانی که دشمنی با مدنیت داشت، مالیات و عایدات دولتی را به مردم و بیت‌المال را به سپاهیان خویش می‌بخشید.

محمدنادرشاه یک شخص هوشیار، با تدبیر و آگاه بود موصوف در رأس دولت قرار گرفت و برادرش سردار محمد‌هاشم خان که شخص بسیار با انضباط بود (به صفت صدراعظم) توظیف گردید. بقیه اراکین دولتی از جمله اشخاص صاحب تدبیر در چوکات حکومت صاحب صلاحیت بودند، اگرچه او حکومت و صدارت را به برادر خود محمد‌هاشم سپرد، ولی کلید کارهای اساسی را نزد خود نگهداشته بود.

در زمان سلطنت محمد نادرشاه برخی اصلاحات زیر بنایی به میان آمد، مکتب طبی کابل که بعدها در عصر پادشاهی محمد ظاهر شاه به فاکولته ارتقا نمود؛ تأسیس گردید. اساس بانک ملی گذاشته شد، انجمن ادبی کابل به وجود آمد، سالنامه که از ابتکارات شخص شاه بود طبع شد و

خود شاه کارهای مطبعه را از نزدیک نظارت و کنترول می‌نمود، به همین شکل کارهای زیاد بنیادی در آن زمان عملی گردید.

از نقطه نظر امنیت مشکلات زیادی در دوره نادرخان موجود بود، بعد از شکست حبیب الله کلکانی موضوع به این ساده گی خاتمه نیافت؛ بلکه عکس العمل هایی وجود داشت، چنان‌چه در ماه جون سال ۱۹۳۰م. آن‌عده از اقوام شمال که در حکم روایی حبیب الله کلکانی منافع شان تأمین بود، با قوت عظیم دست به شورش زدند که در ابتدا از طرف نادرخان به آنان توصیه گردیده تا از قیام دست بردارند؛ ولی از طرف آنان قبول نشد، بعد از آن محمدنادر شاه مجبور به اقدام شده و امنیت را تأمین نمود.

در سال ۱۹۳۲م. در خوست ملا لیونی بر ضد حکومت بغاوت نمود و نادرخان به سرعت جلو آنرا گرفت. از طرف دیگر، یک تعداد طرف‌داران دوره امنی نیز بر ضد حکومت جدید مشکلات خلق می‌کردند. نادرخان در راه تأمین قدرت دولتی شورش‌ها را خاموش و اشخاص مخالف خود را از صحنه بیرون ساخت.

محمدنادرشاه و صدراعظم محمد‌هاشم خان متوجه داشتن روابط نیک با علمای دین بوده و علماء از احترام خاص برخوردار بودند. نادرشاه شخص با فرهنگ بود به همین سبب خواست صدماتی را که به عرصه فرهنگ رسیده بود، جبران کند یکی از کارهای فرهنگی او نصب مدال به سینه محصلان و شاگردان بوده؛ زیرا او شاگردان را به درس و تحصیل تشویق می‌نمود.

محمد نادرشاه در مدت ۴ سال سلطنت خود توانست، بحرانی را که در سراسر افغانستان به وجود آمده بود پایان داده، قدرت دولتی را تحکیم بخشید و مرکزیت واحد را بوجود آورد.

محمدنادرشاه در ۸ نوامبر سال ۱۹۳۳م. در حال که مصروف توزیع مدال برای شاگردان در چمن قصر دلکشا بود، با ضرب تفنگچه یک متعلم به نام عبدالخالق به قتل رسید و به این ترتیب دوره چهار ساله موصوف به پایان رسید.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به شخصیت نادرشاه و عوامل به قدرت رسیدن او گروه دوم راجع به کارنامه‌های نامبرده بین هم بحث نمایند.

سؤالات

۱. زمانی که محمد نادرشاه اقتدار را به دست گرفت با کدام چالش‌ها روبرو بود؟
۲. اقدامات مهم سلطنت محمد نادرشاه را توضیح نمایید.
۳. محمد نادرشاه بعد از چند سال سلطنت و به چگونه به قتل رسید؟

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان راجع به سیاست و پالیسی محمد نادرشاه در امور دولت داری به همکاری استادان و منابع دست داشته مطلبی تهیه و آن را در صنف ارایه نمایند.

ترتیب و تدوین اصول نامه



سردار محمد هاشم خان

ضرورت اصول نامه، ترتیب و تدوین آن، بحران‌های اقتصادی و تدابیر رفع آن، مطالبی است که در این درس راجع به آن معلومات داده می‌شود.

کشور بدون قانون و در حالت خلا واقع بود، بنابر آن نادر شاه به فکر آوردن قانونیت در کشور گردید. وی می‌دانست تا زمانی که یک دولت بر بنیاد قانون متکی نباشد، آن دولت نه تنها بقای خود را نیافته؛ بلکه موجودیت وطن را در مخاطره می‌اندازد. موصوف در ک کرده بود که نظامنامه‌های دولت امانی با حساسیت‌هایی روبرو بود و هم‌چنان پلان‌های منظم مطرح شده بود تا دولت محمد نادر شاه را از ریشه برکند، دستان خارجی و اجیران داخلی کار می‌نمودند که بحران را به میان آورند. محمد نادر شاه زیر کانه با استفاده از فرصت همان قوانین را که در دوره امانی به نام نظامنامه یاد می‌شد با تفسیر اندک به نام اصولنامه نافذ ساخت.

محمد نادر شاه توسط یک هیأت با صلاحیت، اصولنامه (قانون اساسی) را تدوین

کرد، این همان نظام نامه اساسی بود که حیثیت مادر قوانین را دارا بود.

در اصول نامه اساسی فصل حقوق شاه تعدیل و در آن به جای امان‌الله خان نام محمد‌نادر شاه آورده شد، به جای شورای دولتی شورای ملی و مجلس اعیان درج اصول نامه گردید.

هم‌چنان اصول نامه انتخابات شورای ملی را ترتیب، این هردو را به اجلاس لویه جرگه ۲۸ سپتامبر ۱۳۰۹ ه.ش. تقدیم و تصویب شد. بر اساس همین قانون انتخابات جلسه شورای ملی در ۱۴ سرطان سال ۱۳۱۰ در قصر سلام خانه از طرف پادشاه افتتاح گردید و کشور به یک مرحله قانونی داخل شد. این اصول نامه اساسی تا سال ۱۳۴۳ ه.ش. نافذ بود و در مطابقت با آن تعدادی از لوایح و مقرره‌ها ترتیب و تحت تطبیق قرار گرفتند.

تطبیق قوانین به دست صدراعظم و وزیران بود، محمد‌هاشم خان که ۱۸ سال صدراعظم افغانستان بود بیشتر در تشکیل شورای ملی نقش بازی می‌کرد.

عبدالاحد خان مایار وردک از سال ۱۹۳۲ م. تا ۱۹۴۶ م. که سال اخیر ماموریت سردار محمد‌هاشم خان بود به طور مسلسل رئیس شورای ملی بود، زیرا این شخص مورد اعتماد صدراعظم بود و نظر به درایت، شورا را نیز خوب اداره می‌کرد.

محمد‌نادر شاه از این که خواستار روابط نیک با علمای دین بود، خواست که موقف علمای دین را ارج گذاری نماید که به این ترتیب امر نمود در تدوین تمام اصول نامه‌ها مشوره علمای دینی گرفته شود تا قوانین، مطابق شریعت اسلامی تدوین گردد. در این مورد از قبل با ایشان مشوره صورت می‌گرفت.

به خاطر پیشبرد امور هرچه بهتر دینی، مجلس (جمعیت‌العلماء) را تأسیس نمود که از خزانه شاهی یک سلسله امتیازات برای علمای دین پرداخته می‌شد.

به تعقیب آن دارالعلوم عربی را در کابل تأسیس نمود که ملاهای مجرب و علمای دین را به حیث مدرس آن مقرر می‌نمود و عبدالرحمن خان را به حیث رئیس آن توظیف ساخت.

محمدنادر خان در یک وقت بسیار حساس زمام امور افغانستان را در دست گرفت. سال‌های ۱۹۲۹م. و ۱۹۳۰م. سال‌های بحران اقتصادی جهان بود و شرکت‌های بزرگ تجاری در تمام اروپا، آسیا و حتی امریکا با رکود مواجه شدند. یک فقر خطرناک دامن‌گیر مردم جهان گردید. این وضع که حاصل عواقب و پیامدهای جنگ جهانی اول بود در هر طرف تباہی را منتشر و افغانستان نیز به صورت غیر مستقیم در بحران دست و پنجه می‌زد، علاوه بر آن آفت، دیگری (جنگ‌های داخلی) بود که اقتصاد کشور ضعیف شده و خزانه دولت در کابل چور و چپاول گردیده بود.

محمدنادر شاه، می‌خواست تا یک سیستم قانونی را در ساحة اقتصاد در پیش گیرد که به اساس آن برخی از مردمان آگاه و لایق را که دارای تجارت کافی و مسلکی بودند در دولت سهیم سازند، شاهراه کابل مزار شریف، هرات و قندهار را تأسیس نمود؛ هم‌چنان برخی از شرکت‌های تجاری تأسیس و اجازه فعالیت یافتند.

سرمایه داران بر دولت اعتماد نمودند و به همین سبب، پول‌های را کد شده را به کار انداختند که در این کار نقش عبدالمجید زابلی قابل تذکر است به همین سبب، نام برده مدت زیادی در دوره پادشاهی محمد ظاهرشاه وزیر تجارت و اقتصاد بود؛ چنان‌چه در صنعتی ساختن کشور نقش فعال و مهم داشت، موصوف فابریکه‌های زیادی را به کار انداخت و برای افغانستان خدمات شایانی را انجام داد.

در اثر توجه زیاد محمدنادر شاه و سردار محمد‌هاشم خان اکثریت تخریبات ترمیم و

اقتصاد کشور رو به انکشاپ نهاد.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به تدوین اصول نامه و گروه دوم راجع به برنامه‌های اقتصادی محمدنادر شاه با هم بحث نمایند.

سؤالات

۱. روابط محمدنادر شاه با علمای دین از چه قرار بود؟ آنرا شرح دهید.
۲. محمدنادر شاه در عرصه اقتصادی چه کارهایی را انجام داد مختصراً شرح دهید.

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان در رابطه به اصول نامه و قوانین دوره محمدنادر شاه از بزرگان و آگاهان جامعه و محل شان مطلبی تهیه و در صنف ارایه نمایند.

سلطنت محمد ظاهر شاه



شهزاده محمد ظاهر چگونه به اریکه قدرت رسید؟ سال‌های بحران و جنگ دوم جهانی؛ تاثیرات آن بالای افغانستان، نقش محمد هاشم خان صدر اعظم در رفع بحران، موضوعاتی اند که در متن ذیل به آن‌ها آشنامی شوید.

بعد از آن که محمد نادر شاه به قتل رسید؛ شورای فامیلی دایر و مطابق ماده (۵) اصول اساسی، محمد ظاهر شاه فرزند محمد نادر شاه را که ۱۹ سال عمر داشت به پادشاهی برگزیریده شد، مطابق اصول نامه اساسی، همه ملت به وی بیعت نمود، نام او در خطبه خوانده شده و سکه به نامش ضرب زده شد و محمد ظاهر شاه لقب المتوکل علی الله را نیز اختیار نمود که بیش از چهل سال ضمیمه نام او بود.

از این که محمد ظاهر شاه، خورد سال بود و تجربه کاری را نداشت. فشار تمام کارها بر دوش کاکای بزرگ او سردار محمد هاشم خان قرار گرفت. زمانی که محمد ظاهر شاه پادشاه گردید او کاکای خود، سردار محمد هاشم خان صدر اعظم سابقه را یکبار دیگر مأمور تشکیل کابینه نمود و او هم کابینه خود را به پادشاه معرفی نموده و به کار آغاز کرد.

در اوایل سلطنت محمد ظاهر شاه واقعه بزرگ تاریخی (جنگ جهانی دوم) به وقوع پیوست. جنگ جهانی دوم که در سال ۱۹۴۵ آغاز تا ۱۹۳۹ میلادی ادامه داشت، شعله‌های آن جنگ از اروپا بلند شده بسیار زود به آسیا و دیگر قسمت‌های جهان سرایت نمود. طرفین این جنگ آلمان، ایتالیا، چاپان و کشورهای کوچک اروپای شرقی که به نام محور و انگلستان، فرانسه، اتحاد شوروی، ایالات متحده امریکا و یک تعداد کشورهای اروپایی که به نام متفقین یاد می‌گردیدند در گیر جنگ بودند.

کشورهایی که در جنگ جهانی دوم مستقیماً در گیر بودند، از نگاه مالی و جانی بسیار خساره مند شدند و نیز اثرات سوء آن تمام کشورهای دنیا را متأثر ساخت.

در دوران این جنگ روسیه شوروی در شمال، ایران در غرب و هند بر تانوی در جنوب افغانستان خساره مند شدند. محمد ظاهر شاه و سردار محمد‌هاشم خان صدراعظم وقت طی فرمانی بی طرفی افغانستان را اعلام کردند. سردار محمد‌هاشم خان با تدبیر بزرگ نه تنها افغانستان را از شعله‌های جنگ جهانی نجات داده و وطن را از خسارات و زیان‌های احتمالی محفوظ ساخت؛ بلکه با وجود مشکلات اقتصادی اسعار زیاد نیز ذخیره نموده که بعدها در پروژه‌های انسکافی از آن کار گرفته شد.

هنگامی که جنگ شدت یافت نیروهای محور از راه اروپای شرقی به خاک روسیه داخل شدند.

از این که یک تعداد انجینیران آلمانی و ایتالیایی در برخی از پروژه‌های افغانستان مصروف کار بودند؛ روسیه شوروی و هند بر تانوی در مورد آنان اظهار تشویش و نگرانی می‌کردند و به افغانستان یادداشت‌های دادند تا آلمانی‌ها و ایتالیایی‌ها را از خاک خود خارج سازند.

افغانستان با قبول برخی شرایط این پیشنهاد اظهار رضایت نموده و کارمندان مذکور را با عزت از افغانستان خارج نمودند.

سردار محمد‌هاشم خان صدراعظم وقت، توانست تا اوضاع افغانستان را عادی نگهدارد. سنگینی جنگ بالای افغانستان نیز تأثیرات سوء داشت و بعضی مشکلات امنیتی را به میان آورد که با در نظرداشت شرایط آن زمان و تدبیر سردار محمد‌هاشم خان مرفوع گردید.

بی‌طرفی افغانستان باعث شد تا کشور، مورد هجوم نیروهای متفقین قرار نگیرد، این کار به ذات خویش استحکام استقلال افغانستان، تقویه امنیت در منطقه شرق میانه و شرق نزدیک گردید.

جنگ دوم جهانی در عرصه اقتصادی نیز بر افغانستان تأثیر منفی وارد کرد، حمله آلمان بر اتحاد شوروی و در نتیجه تجاوز چاپان در منطقه بحر الکاہل، تجارت افغانستان با کشورهای محور و یک تعداد کشورهای اروپایی و آسیایی که در ساحة جنگ واقع بودند قطع شد، تجارت بین افغانستان و اتحاد شوروی نیز به سطح پایین قرار گرفت و تنها با هندوستان (هند برтанوی) روابط تجاری برقرار بود. در اثر کمبود مواد و اجناس وارداتی به کشور، قیمت مواد غذایی بالا رفت، نرخ اجناس بین سال (۱۹۳۹-۱۹۴۵ م.) چهار الی پنج چند بلند رفت.

حکومت برای جلوگیری از گران فروشی و تنظیم قیمت‌ها در زمینه، محصولات غذایی و اجناس صنعتی تدبیر جدی را اتخاذ نمود.

فعالیت داخل صنف

شاگردان در گروه‌ها در رابطه به بی‌طرفی افغانستان در جنگ جهانی دوم و پیامدهای آن بین هم بحث نمایند.

سؤالات

- ۱- چگونه‌گی به قدرت رسیدن محمد ظاهر شاه را بیان دارید؟
- ۲- نیروهای جنگی طرفین در جنگ جهانی دوم به چه ترتیب تقسیم بندی شده بودند؟
- ۳- سردار محمد هاشم خان شخصیت بزرگ و صدراعظم وقت برای رفاه افغانستان در زمان جنگ جهانی دوم چه اقدامات و کارهایی نمود؟
- ۴- بی‌طرفی افغانستان در جنگ جهانی دوم در عرصه سیاسی چه نقش را بازی کرد؟

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان از بزرگان خویش در رابطه به شخصیت محمد ظاهر شاه، معلومات گرفته آنرا در صنف ارایه نمایند.

اولین پلان پنج ساله (۱۳۳۵-۱۹۵۶ م. ش.)



سردار محمد داود خان

ضرورت پلان پنج ساله اول،
نقش سردار محمد داود خان
صدراعظم در تکمیل و عملی
کردن پلان مذکور، دست
آوردهای پلان پنج ساله اول
مطالبی اند که در این درس پیرامون
آن معلومات ارائه گردیده است.

در زمان سلطنت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه ابتدا محمد هاشم خان مقام صدارت عظمی را عهده دار بود. موصوف از آن مقام مستعفی شد، بعد از آن برادر دیگر ش سپاه سالار شاه محمود خان به مقام صدارت توظیف گردید. نامبرده بعد از هفت سال صدارت از اثر مریضی که عاید حالت گردیده بود استعفا کرد. به تعقیب آن از جانب پادشاه، پسر کاکای او سردار محمد داود خان پسر سردار محمد عزیز خان به مقام صدارت تعیین گردید. محمد داود خان می خواست که افغانستان از لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی یک کشور متكی به خود باشد و مطابق یک پلان منظم اقتصادی مراحل رشد و انکشاف خویش را آغاز نماید. موصوف کابینه خویش را از اشخاص تحصیل کرده و دانشمند تشکیل کرده و در سیاست خارجی بی طرفی فعال و مثبت را اختیار نمود که پایه آن بر اساس منافع ملی و قضاوت آزاد مردم افغانستان استوار بود و این امر سبب شد که کشورهای جهان حاضر به دادن کمک های بلا قید و شرط به افغانستان گردند. یکی از کارهای برجسته در این دوره، حفظ موازنہ سیاست بین ابر قدرت‌ها (ایالات متحده امریکا و اتحاد شوروی) بود که به درستی صورت گرفت. سردار محمد داود خان شخصیت مترقی و وطن دوست بود، این را خوب در ک می کرد که یک کشور به چه ترتیب می تواند بر مشکلات فایق آید. او به خاطر رشد و انکشاف مؤسسات تولیدی و اقتصادی تلاش می ورزید، و به همین اساس بود که کارهای خویش را در چوکات

یک پلان منظم تحت عنوان پلان پنج ساله اول تنظیم نمود. پلان پنج ساله اول را در سال (۱۹۵۶م). آغاز و به پایه اکمال رسانید. پلان دوم را در سال ۱۹۶۱م. زیر کار گرفت. در پلان اقتصادی اول بودجه انکشافی در امور زیربنایی به کار افتاد که ذریعه آن کار اعمار سرکها و تولید برق بسیار پیش رفت. طی این مدت خطوط موافقانی بین کابل - قندھار و سپین بولدک - کابل - تورخم، کابل - قول قلعه - تونل سالنگ، قندھار، هرات و کشك نخود اعمار گردیدند. ظرفیت بندهای برق نفلو به ۶۶ هزار، ماهیپر به ۱۰ هزار، درونته به ۱۱ هزار و برق مزار شریف به ۱۰ هزار کیلووات بلند برده شد.

استخراج نفت و گاز در شمال کشور آغاز یافت، زغال سنگ به اندازه کافی استخراج شده، تولیدات فابریکه کود کیمیاوی مزار شریف سالانه به صد هزار تن رسید. فابریکه سمنت غوری و دستگاههای متعدد ترمیم موتر در نقاط مختلف کشور ایجاد شد، در ضمن آن، فابریکه جنگلک کابل به یک کمپلکس تبدیل شد که بعدها ماشینهای بزرگ را نه تنها ترمیم؛ بلکه کارهای مونتاژ آن را نیز انجام می‌داد.

هم‌چنان به پروژه‌های انکشاف وادی ننگرهار و هلمند توجه بیشتر معطوف گردید تا سطح تولیدات آن‌ها بلند برده شود و به همین اساس بود که در ایام زمستان میوه‌ها و سبزی‌ها تولید شده به اکثر نقاط کشور عرضه می‌گردید.

پلان انکشاف اقتصادی دوم سردار محمد داودخان به نسبت کمبود وقت و یک سلسله مشکلات دیگر عملی نگردید سپس محمد داودخان مستعفی شد و به این ترتیب دوره صدارت وی به پایان رسید.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به شخصیت سردار محمد داودخان و سیاست خارجی و گروه دوم راجع به پلان پنج ساله موصوف، بین هم گفتگو نمایند.

سؤالات

- سردار محمد داودخان چگونه مقام صدارت را به عهده گرفت؟
- سیاست خارجی محمد داودخان را مختصر بیان دارید؟
- کارهای که در اولین پلان پنج ساله او در بخش زیربنایی صورت گرفت چه بود؟
- دومنین پلان انکشافی سردار محمد داودخان چرا عملی نشد؟

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان با مطالعه منابع مربوط و به دست آوردن معلومات از بزرگان و شخصیت‌های فرهنگی در رابطه به شخصیت سردار محمد داودخان و پلان پنج ساله وی معلومات حاصل و آنرا در صنف ارائه نمایند.

دنهه دموکراسی (۱۳۴۳ - ۱۳۵۲ هـ)



دکتر محمد یوسف

آیا می‌دانید که تصویب قانون اساسی دنهه دموکراسی چه پیامدهای را برای کشور در قبال داشت؟ پاسخ این سوال را در این درس خواهید یافت.

ده سال اخیر سلطنت محمد ظاهر شاه را به نام دنهه دموکراسی (قانون اساسی) یا شاهی مشروطه یاد می‌کنند. دوره دموکراسی در افغانستان بعد از استعفای سردار محمد داوود خان با انفاذ قانون اساسی سال ۱۳۴۳ هـ.ش. آغاز می‌گردد که برای ده سال ادامه پیدا کرد. قبل از این در دوره صدارت شاه محمود خان نیز در کشور زمینه‌های دموکراسی ایجاد گردیده بود.

در قانون اساسی جدید فیصله شد که اعضای خانواده شاهی در احزاب سیاسی اشتراک نمی‌ورزند و مسؤولیت و وظایف زیر را به دوش نمی‌گیرند: ۱- مقام صدارت ۲- عضویت در شورا ۳- عضویت در ستره محکمه که نظر به همین فیصله در دنهه دموکراسی پنج صدر اعظم خارج از خاندان شاهی (دکتر محمد یوسف، محمد هاشم میوندوال،

نوراحمد اعتمادی، داکتر عبدالظاهر و محمد موسی شفیق) اجرای وظیفه نمودند. بعد از آن که سردار محمد داوودخان از مقام صدارت مستعفی گردید، محمد ظاهرشاه داکتر محمد یوسف را به مقام صدارت مامور ساخت، موصوف کاینه خود را در ۱۳ مارچ ۱۹۶۳ م. تشکیل داد.

داکتر محمد یوسف تحصیل کرده آلمان در رشته فزیک بود که به یک طبقه متوسط منسوب بود، وظیفه عمدۀ و اساسی حکومت داکتر محمد یوسف تدوین قانون اساسی جدید و طی نمودن مراحل قانونی آن بود، بنابر این اعلیحضرت محمد ظاهرشاه به این منظور لویه جرگه را دعوت نمود و قانون اساسی تدوین شده را توشیح کرد. این نهضت جدید دموکراسی که بر مبنای قانون اساسی جدید به وجود آمده بود با عکس العمل‌های گوناگون در جامعه افغانی رو به رو شد، بسیاری از افغان‌ها به خصوص جوانان از آن استقبال گرم کردند، ولی در بسیاری از شهرهای بزرگ کشور تظاهرات شدید راه اندازی شد.

در دهه دموکراسی قانون مطبوعات با فرمان تقنینی نافذ شد و بر اساس این قانون در حدود سی جريده در کابل منتشر شد که به طور مثال جراید و روزنامه‌های مشهور آن قرار ذیل است: جريدة افغان، مساوات، روزگار، افغان ملت، ملت، کاروان، خلق، پرچم، شعله جاوید، گهیج، ترجمان، مردم و غيره.

در دهه دموکراسی قانون احزاب سیاسی در شورای ملی تصویب گردید و برای توشیح حضور شاه فرستاده شد؛ ولی شاه این قانون را معطل نمود و تا پایان پادشاهی آن را توشیح نکرد. با وجود این فعالان سیاسی آشکارا فعالیت‌های خود را آغاز نمودند و هر جریان سیاسی برای خود یک ارگان نشراتی هم داشت که نظریات سیاسی خود را در آن

نشر می کرد. گروههای سیاسی با تعقیب خطوط فکری چپ و راست (احزاب اسلامی) فعالیت می نمودند. برخی از احزاب و جریانهای که در این دهه فعالیت داشتند عبارت بودند از:

- ۱- حزب دموکراتیک خلق که بعد به دو گروه خلق و پرچم تقسیم شد
- ۲- حزب دموکراتیک نوین (شعله جاوید)
- ۳- نهضت اسلامی یا جریان جوانان مسلمان
- ۴- افغان ټولنپال ولسوالک ګوند (افغان ملت)
- ۵- حزب مترقبی دموکرات
- ۶- حزب اتحاد ملی.

هم چنان جمعیت‌های خورده و بزرگی دیگر نیز وجود داشتند که مصروف فعالیت‌های سیاسی بودند. به صورت عموم در دهه دموکراسی فعالیت‌های سیاسی احزاب با استفاده از نام دموکراسی زیاد گردید. در عرصهٔ فرهنگی و عمرانی نیز اقدامات صورت گرفت. در دهه قانون اساسی که کار پنج صدراعظم را در برداشت در ساحت‌های ملکی و نظامی کارهای مهم صورت گرفته است. بنیاد برخی از این فعالیت‌ها در وقت صدارت سردار محمد داود خان نهاده شده بود و در دهه دموکراسی به پایه اکمال رسید. در دهه دموکراسی مطابق قانون اساسی تفکیک قوا به وجود آمد و دولت بر سه قوه (اجراییه، مقننه و قضاییه) مثل گذشته تقسیم گردید و برای دوره‌های دوازدهم و سیزدهم شورای ملی در کشور انتخابات آزاد به راه افتاد که مردم افغانستان نماینده‌گان خویش را به شورا فرستادند در این دوره پنج حکومت از ولسی جرگه رأی اعتماد گرفتند.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به قانون احزاب دهه دموکراسی و گروه دوم راجع به تفکیک قوا در دهه دموکراسی بین هم بحث نمایند.

سؤالات

- ۱- دهه دموکراسی در افغانستان چگونه به میان آمد؟
- ۲- صدر اعظم‌های که در دوره دموکراسی اجرای وظیفه نموده اند نام بگیرید؟
- ۳- جراید و روزنامه‌های که در دهه دموکراسی به نشر رسیدند کدام‌ها بودند؟ آنرا نام ببرید.
- ۴- در دهه دیموکراسی دولت به چند قوه تقسیم شده بود؟

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان راجع به کارها و برنامه‌هایی که در دهه دموکراسی صورت گرفته، مطالبی تهیه و در صنف ارائه نمایند.

عوامل تغییر رژیم از سلطنت به جمهوریت



رئیس جمهور سردار محمد داود خان با اعضای کابینه

چرا رژیم از نظام شاهی مشروطه به جمهوریت عوض شد؟ کدام شخصیت‌ها در آوردن این تغییر، نقش برجسته و کلیدی را ایفا نمودند؟ در این درس به پرسش‌های مذکور پاسخ ارائه می‌گردد.

رژیم شاهی مشروطه در ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ ه.ش. با یک کودتای نظامی سفید به رهبری محمد داود خان سقوط کرد و نظام جمهوری در افغانستان اعلام شد.

سردار محمد داود خان که قبلاً از مقام صدارت حکومت محمد ظاهر شاه بنابر یک سلسله ملحوظات کنار رفت، وی به منظور تأمین اهداف شخصی و ملی خویش آرزو داشت دوباره وارد عرصه سیاست گردد و نقش مؤثر خود را در حیات سیاسی و اداری کشور ایفا نماید.

نافذ شدن قانون اساسی ۱۳۴۳ ه.ش. در دوره صدارت داکتر محمد یوسف که اساسات نظام شاهی مشروطه را در افغانستان پی ریزی نمود، هدف محمد ظاهر شاه را برآورده ساخت که محمد داود خان از مقام صدارت دور باشد و ورود دوباره او را به میدان سیاست برای همیش مسدود سازد. مطابق مفاد قانون اساسی اعضای خانواده شاهی در احزاب سیاسی و پست‌های دولتی نمی‌توانست شمولیت داشته باشد که چنین محدودیت‌ها، به گونه‌مستقیم متوجه محمد داود خان بود.

از طرف دیگر، حکومت‌های بعدی که یکی پی دیگری با ناکامی و ورشکستگی تعویض می‌شدند، اعتماد مردم را نسبت به رشد و انکشاف اقتصادی و اجتماعی کشور ضعیف

می ساخت. از این رو فضای نامیدی و تنفر عامه در برابر طرز اداره نظام شاهی روز به روز گسترش می یافت.

محمد داود خان تصمیم داشت تا به هر شکلی که امکان داشته باشد، تغییر را در سیستم سیاسی کشور به وجود آورد تا از یک طرف، خطر وقوع بحران را مرفوع نموده و از سوی دیگر، خواستهای مردم را مبنی بر انکشاف اقتصادی و اجتماعی افغانستان برآورده سازد. بنابراین محمد داود یکبار دیگر دست به فعالیت‌های سیاسی زد و روابط خویش را با اشخاص، احزاب و گروه‌های مختلف کشور برقرار نمود.

سردار محمد داود خان پلان خود را طوری طرح ریزی نمود که دایره جلب و جذب طرف‌داران خود را گسترش بخشد و نقطه کلیدی قدرت سیاسی را که عبارت از اردو بود، حمایت ایشان را بدست آورد. این در حالی بود که نظام سلطنتی تا اندازه محبوبیت خویش را در جامعه از دست داده و اکثریت مردم حاضر بودند تا وقوع یک تحول عمیق را در ساختار سیاسی جامعه قبول نموده، لیکن گویند. محمد داود خان و طرف‌دارانش توانستند با استفاده از همین اوضاع، حلقه نفوذ خود را در بین افسران اردو قایم سازند و زمینه راه اندازی کودتای نظامی را آماده نمایند. در ایامی که محمد ظاهر شاه غرض معالجه چشم عازم اروپا گردیده بود، مقدمات یک کودتاه نظامی که از قبل آماده و مهیا شده بود؛ به تاریخ ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ ه.ش. تحت رهبری محمد داود خان و به همکاری افسران اردو با سرنگونی نظام شاهی و استقرار اولین نظام جمهوری به پیروزی رسید و باب جدید از تاریخ کشور آغاز شد.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به عوامل تغییر رژیم از سلطنت به جمهوریت و گروه دوم فرق بین نظام شاهی و جمهوری را مطرح و بین هم گفتگو نمایند.

سؤالات

- ۱- در ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ ه.ش. کدام واقعه در افغانستان رخ داده است؟
- ۲- کدام عوامل باعث شد تا سردار محمد داود خان دست به کودتاه زد؟
- ۳- سردار محمد داود خان پلان کودتای خود را چطور طرح ریزی نمود؟

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان راجع به عوامل کودتاه محمد داود خان که در سال ۱۳۵۲ ه.ش. صورت گرفت، مطلبی را تهیه نموده و آن را در صنف ارایه نمایند.

کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ ه.ش.

با عوامل کودتا در درس قبلی آشنایی حاصل نمودید. در این درس با مجریان کودتا، سیاست دولت جدید و پیامدهای کودتا معلومات حاصل می‌کنید.

بعد از آن که سردار محمد داود خان از پست صدارت کنار رفت، ده سال را در انزوا سپری کرد. از این که وی به پیشرفت و ترقی کشور در دوره صدارت خویش مسامعی زیاد به خرج داده بود، علاقه داشت تا افغانستان در قطار ممالک پیشرفته جهان قرار گیرد. همین بود که در ۱۷ جولای سال ۱۹۷۳ م. ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ ه.ش. یک کودتا را به پیروزی رسانید. و در نتیجه آن نظام شاهی در افغانستان ملغأ و جمهوریت اعلام گردید.

کودتای ۲۶ سرطان به دهه دموکراسی و قانون اساسی ۱۹۶۴ م. خاتمه بخشید؛ گرچه پنج حکومت در سال‌های اخیر نظام شاهی دعوای دموکراسی می‌نمودند؛ ولی در حقیقت حوصلت انارشی بر آن‌ها غالب بود. کودتای ۲۶ سرطان به این نابه‌سامانی‌ها خاتمه داد و به جای نظام سلطنتی، نظام جمهوری استقرار یافت و سردار محمد داود خان منحیث رهبر ملی ظاهر شد. نامبرده از نگاه شخصیت بسیار پاک و از سجایای اخلاقی عالی برخوردار و شیفتۀ آبادی وطن بود. بعد از انجام کودتا محمد داود خان بیانیه تاریخی خویش را «خطاب به مردم» اعلام نمود که حاوی خط و مشی دولت جدید بود.

محمد داود خان مبنی بر مشی دولت جمهوری، افغانستان را کشور علاوه‌مند به صلح، عضو کشورهای غیر منسلک و هم‌چنان حمایت از منشور سازمان ملل متحد اعلام نمود. موصوف تنها موضوع اختلاف با پاکستان را بر سر معضله پشتونستان یادآوری کرد و خواهان حل مسالمت آمیز آن گردید.

مشی دولت جدید از طرف مردم کشور در مرکز و ولایات استقبال شد محمد ظاهر شاه که در شهر ناپل ایتالیا مشغول تداوی و استراحت بود. از سرنگونی نظام شاهی در افغانستان مطلع گردید فوری به روم آمد و بعد از مدتی استعفایش را از طریق سفارت افغانستان عنوانی مؤسس

جمهوریت به کابل فرستاد. با رسیدن استعفا نامه اعضای خانواده شاهی که در کودتا زندانی شده بودند آزاد و به ایتالیا انتقال یافتد.

یک روز پس از پیروزی کودتا اولین جلسه کمیته مرکزی نظام جدید تشکیل گردید؛ محمد داودخان به صفت رئیس دولت، صدراعظم، وزیر خارجه و وزیر دفاع تعیین شد و موصوف کابینه جدید را معرفی کرد. به اساس فرمان محمد داودخان قانون اساسی سال ۱۳۴۳ ه.ش. ملغاً و برای تصویب قانون اساسی جدید، لویه جرگه را دعوت نمود که با داشتن ۳۴۹ تن اعضاء به ریاست عزیز الله واصفی در ۱۴ مارچ سال ۱۹۷۷ م. قانون اساسی جدید به تصویب رسید و از طرف محمد داودخان توشیح و نافذ شد.

در امور اجتماعی و اقتصادی نیز یک سلسله اقدامات عملی گردید؛ از طریق افزایش مالیات مترقبی به اصلاحات اراضی زمین توجه صورت گرفت، قانون اراضی به تصویب رسید و مطابق آن زمین‌های اضافی مالکان به دهقانان کم زمین و بی زمین توزیع شد. قانون جزا و مدنی نافذ، سروド ملی ترتیب و در نشان بیرق نیز تغییرات به وجود آمد. از جمله کارهای بسیار مهم دولت جمهوری افغانستان طرح و تدوین پلان اقتصادی هفت ساله بود. این پلان در سال ۱۹۷۶ م. شروع و در سال ۱۹۸۳ م. که باید به پایه اکمال می‌رسید. در زمان جمهوریت کار ترمیم و مراقبت سرک‌ها در تمام کشور دوباره آغاز شد.

کار سروی خط آهن از هرات الی قندهار و سپس به سپین بولدک، سروی معادن مس عینک لوگر و حاجی گک نیز روی دست گرفته شد. محمد داود در زمان حاکمیت خویش حزب غورخنگ ملی را تأسیس نمود.

پلان‌ها و پروگرام‌های رئیس جمهور محمد داود خان بسیار زیاد و وسیع بود؛ اما تمام آن تطبیق نگردید تا این که به تاریخ هفت ثور ۱۳۵۷ ه.ش. توسط یک کودتا نظامی رژیم جمهوری محمد داود سرنگون شد.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به شخصیت رئیس جمهور محمد داود خان و گروه دوم راجع به پلان‌های اقتصادی وی بین هم صحبت نمایند.

سؤالات:



- ۱- نتیجه کودتای محمد داود خان چه بود؟
- ۲- کدام اشخاص در کودتای محمد داودخان نقش عمدی داشتند؟
- ۳- به اساس مواد قانون اساسی ۱۳۴۳ هـ. ش. چه اقدامات صورت گرفت؟ موضوع را مختصرسازی کنید.
- ۴- کدام پژوهه‌ها در پلان اقتصادی هفت ساله داودخان به پایه اکمال رسید؟

فعالیت بیرون از صنف



شاگردان از بزرگان و دانشمندان در رابطه به چگونه‌گی دوره جمهوریت داودخان مطلبی تهیه و آنرا در صنف ارائه نمایند.

بررسی فصل دوم

وضع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قرن بیستم محصول مستقیم افکار و نظریات دوره رنسانس (از نیمة دوم قرن ۱۵ تا اخیر قرن ۱۸ م.)، تأثیرات بنیادی انقلاب کبیر فرانسه ۱۸۷۹ م. افکار و نظریات گوناگون فلاسفه قرن ۱۹ م. به شمار می‌رود. عروج این همه سیستم‌ها و مکتب‌های سیاسی در این مرحله تاریخ چنان سر و صدای به بار آورد که بشریت نظیر آنرا مشاهده نکرده بود؛ زیرا منافع اقتصادی، جهت‌های باهم مخالف به نقطه اوج تضادهای خود رسیدند و سبب بروز بزرگترین حوادث نا亨جار در سطح جهان گردیدند.

در همین دوره آتش دو جنگ تباہ کن جهانی مشتعل و دنیا به دو قطب متخاصم (شرق و غرب) مرزبندی شد. ایالات متحده امریکا در مقیاس جهانی موقف بریتانیا را احراز نمود. چین با داشتن خط مستقل سیاسی به‌حیث قدرت سوم تبارز نمود. سلاح‌های اتمی، بیولوژیکی و کیمیاوی وسیله جدید پیشبرد رقابت‌های بین المللی قرار گرفت. رقابت‌های اقتصادی به نقطه اوج خود رسیدند و جنگ سرد به شدت جریان یافت.

گرچه جهان قرن بیستم، خیلی متشنج و بی ثبات بود؛ ولی رقابت‌های پیهم نقش بزرگ خود را در راستای دگرگونی چهره زنده‌گی بشر ایفا نمود و سبب پیشرفت‌ها گردید؛ اما این پیشرفت‌ها و دست آوردها جنبه همگانی نداشت و برخی از ملت‌های بزرگ به خصوص در قاره‌های افریقا و آسیا از مزایای آن بی بهره ماندند. در جمله این جوامع یکی هم افغانستان بود که در نهایت قهقرا واقع شد و از نگاه وسایل و امکانات تمدن جدید نسبتاً بی بهره ماند.

عامل عمدۀ عقب‌مانده‌گی افغانستان در آن بود که این کشور طی قرن بیست به‌حیث نقطه تقاطع و استراتئیک قدرت‌های منطقه قرار گرفت و در نتیجه رقابت‌های بین المللی نهایت آسیب و صدمه را دید.

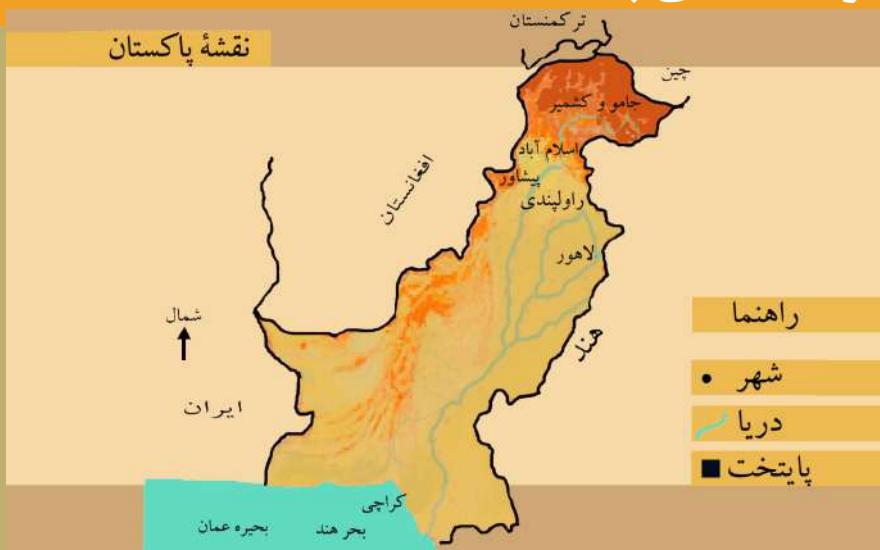
فصل سوم

کشور های همچوار افغانستان

اهداف فصل سوم

- ۱- آشنایی با تاریخ و رویدادهای معاصر پاکستان
- ۲- آشنایی با رویدادها و تاریخ معاصر ایران
- ۳- معرفت با رویدادها و تاریخ معاصر چین
- ۴- معرفت با رویدادها و تاریخ معاصر تاجیکستان
- ۵- معرفت با رویدادها و تاریخ معاصر ازبکستان
- ۶- معرفت با رویدادها و تاریخ معاصر ترکمنستان
- ۷- مهارت استفاده از نقشه‌ها و اطلس‌ها.

جمهوری اسلامی پاکستان



در تاریخ صنف نهم شما راجع به موقعیت، نفوس و ارزش‌های فرهنگی پاکستان آشنایی حاصل نمودید. در این درس راجع به تاریخ شبه قاره هند، ایجاد پاکستان و جدایی آن از هند و ایجاد بنگلاده دیش معلومات ارائه می‌گردد. تاریخ پاکستان قبل از ایجاد آن قسمًا در تاریخ افغانستان و یا شبه قاره هند مطالعه شده می‌تواند.

اسلام در اوایل سده هفتم میلادی به شبه قاره هند رسید. سپاهیان و مهاجران مسلمان که از غرب آمده بودند در حوزه رود سند و منطقه پنجاب که بخش اعظم پاکستان را تشکیل می‌دهد مسکن گزیدند. در چند قرن پیش، شیوه استقرار مسلمانان در شبه قاره هند به رشد دو جامعه بزرگ مسلمان و هندو در کرانه‌های شرقی و غربی هند منجر شد.

و با گرویدن مردم بومی هند به دین اسلام تعداد مسلمانان در هند افزایش قابل ملاحظه یافت. در زمان حاکمیت بریتانیا شمار مسلمانان در شبه قاره هند بسیار زیاد بود. با وجود آن، هندوها حتی در جاهایی که تعداد شان نسبت به مسلمانان هم کمتر بود، در امور دولتی و داد و ستد غلبه داشتند. به همین جهت، مسلمانان به زنده‌گی بهتر در کشوری که از آن خود شان باشند دل بستند. کشوری که در آن بتوانند رهبران خود را برگزینند و فرهنگ اسلامی شان را آزادانه ادامه و انکشاف دهند.

از رویداد‌های مهم تاریخی شبه قاره هند و پاکستان، یکی هم استقرار مسلمانان در این سرزمین بود، پس از عهد آشوکا یکپارچه‌گی سیاسی در این سرزمین دیری نپایید و هند در قرون وسطی به چندین سلطان نشین کوچک تقسیم شده بود.

وقتی که آئین بودا رو به زوال نهاد، شاهان رقیب هندو با یکدیگر وارد جنگ شدند و این برای مسلمانان که حاملان ارزش‌های اسلامی و دین جدید بودند فرصتی مناسب را پدید آورد.

در عهد مغلولان بخش اعظم این شبے قاره زیر حاکمیت مسلمانان یکپارچه شد. اما بسیاری از امیران هندو همواره با سلطه مسلمانان مخالفت کردند و مبارزه با مسلمانان را ادامه دادند. سلسله‌های اسلامی غزنویان و غوریان در شبے قاره هند حکمرانی نمودند و با وجود مخالفت‌های شدید این دوره، جامعه اسلامی تازه در کنار جامعه قدیمی هندو جان می‌گرفت. سلاطین، جامعه مذکور را به سربازان وامی داشت که ضمن سر و سامان دادن به آن از هندوان همسر می‌گرفتند. بسیاری از هندوان طبقه‌پایین به خاطر جاذبه آئین جدید و مساوات اسلامی به دین اسلام گرویدند.



محمد علی جناح

در سال ۱۸۸۵م. گروهی از هندوان، کنگره ملی هند را به قصد تشکیل هسته یک پارلمان بومی پایه گذاری کردند؛ تعدادی از مسلمانان به کنگره پیوستند؛ ولی به زودی معلوم گشت که مسلمانان اقلیت ناچیزی خواهند بود که منافع آن‌ها نادیده گرفته خواهد شد. در سال ۱۹۰۶م. مسلمانان از کنگره کناره‌گیری کردند و در پی دعوت مردم به انتخابات جداگانه که در آن مسلمانان نماینده‌گان خود را انتخاب کنند، انجمان سراسری مسلمانان هند «مسلم لیگ» را به عنوان سازمان رقیب کنگره هندوان تأسیس نمودند. پس از انتخابات ۱۹۴۵م. جنبش هواخواهی دولت ملی مسلمان، شکست ناپذیر شد. اگر تجزیه به وقوع نمی‌پیوست، جنگ در می‌گرفت که در نهایت هردو رخ داد.

در سال ۱۹۳۸م. محمد علی جناح برای بهبود موضع مسلم لیگ، نظریه «دو ملت» را مطرح و نخستین تقاضای رسمی در مورد یک وطن اسلامی جداگانه را طرح کرد و در سال ۱۹۴۰م. مسلم لیگ در قطعنامه‌یی خواستار تشکیل پاکستان شد.

در سال ۱۹۴۶م. کنگره و هم مسلم لیگ طرح بریتانیا را برای تشکیل حکومت فدرالی رد کردند و تا سال ۱۹۴۷م. کنگره نیز برای پذیرش تجزیه آماده شده بود و تنها مسئله مرزبندی باقی ماند. در ۱۱ آگوست ۱۹۴۷م. پاکستان به وجود آمد. بزرگترین آزمون وحدت اسلامی و ملی زمانی فرا رسید که بریتانیا پذیرفت شبے قاره هند را به دو کشور هند و پاکستان تجزیه کند، تنها به مناطقی که دارای اکثریت مسلمان بودند اجازه داده شد به پاکستان پیونددند؛ ولی با این هم بر سر مناطق

اکثریت مسلمان نشین کشمیر بحث و منازعه جریان داشت.

بعد از تجزیه شبه قاره، هندوها از پاکستان گریختند و مسلمانان نواحی هندو نشین را ترک گفتند. صدها هزار انسان در شورش های جمعی فرقه‌یی کشته شدند. دو ملت، بی‌درنگ بر سر کشمیر وارد جنگ شدند. کشمیر را هند به این بهانه که حاکم آن هندو بود تصرف کرده بود، با درنظرداشت جمیعت مسلمان آن، کشمیر باید بخشی از پاکستان می‌بود.

مشکل اصلی پاکستان، خلق هویت ملی برای انطباق واقعیت مرزهای سیاسی نو و ایجاد رژیمی پذیرفتی و باثبات برای مردم تقسیم شده بر اثر تفاوت‌ها و اختلاف حاد قومی، زبانی، عقیدتی و حتی دینی بود.

در ایجاد پاکستان به عنوان کشور مستقل رهبرانی؛ چون علامه اقبال لاهوری فیلسوف و شاعر، محمدعلی جناح حقوق‌دان و سیاستمدار نقش به سزا و بس بزرگ را ایفا نموده اند. خان عبدالغفارخان یکی از شخصیت‌های بزرگ و مبارز ملی پشتونخوا بوده که در مقابل استعمار و استبداد انگلیس قیام نمود و سالیان دراز عمر خویش را در این راه سپری کرد.

بعد از استقلال پاکستان در گیری بر سر نقش اسلام به یک رشته مناقشات قانون اساسی طولانی منجر شد. قانون ۱۹۵۶م. ساختار نظام پاکستان را کشور اسلامی اعلام کرد و هم قوانین پارلمان را تابع تایید انتیتوت تحقیقات اسلامی (Islamic Research Institute) ساخت در ۱۹۵۸م. این قانون منسوخ گردید و با اعلان جمهوری پاکستان کوشش شد که قدرت رهبران مذهبی مهار شوند؛ اما در سال ۱۹۶۳م. شرایط اسلامی سال ۱۹۵۶م. کم و بیش اعاده شد.

جدایی بنگله دیش



خان عبدالغفارخان در سفر به افغانستان

پاکستان بر اساس این فکر ایجاد شد که مسلمانان هند ملتی را تشکیل می‌دهند که شایسته داشتن وطن با قلمرو و اراضی مشخص برای خود باشند در حالی که پاکستان از سرزمین های سند، پنجاب، بلوچستان و ایالت پشتونخوا ملتی را تشکیل نمی‌دادند و تفاوت های قومی زبانی عمیق میان آنها وجود داشت. بینانگذاران پاکستان این کشور جدید، دین اسلام را عامل اصلی وحدت میان دو بخش پاکستان غربی و شرقی تشخیص داده بودند. تفاوت های زبانی، خصوصیات جمیعتی، میراث های فرهنگی و شرایط اقتصادی مشکلات را پدید آورد. مردم این کشور دو جناح نزدیک به هم هجهده سال سعی کردن باهم زنده‌گی کنند

و اتحاد ثمریخش به وجود آورند؛ اما به چنین هدف دست نیافتد.

تنش‌ها و رقابت‌های فرقه‌یی جناح‌های شرقی و غربی پاکستان عامل اصلی تضعیف دولت بود که گرد اختلافات زبانی، به خصوص در جناح غرب و پیشرفت صنعتی ناچیز در جناح شرق دور می‌زد. رقیب سیاسی دیگری در جناح شرقی پاکستان پیدا شد و آن این که مجتبی الرحمن حزب عوامی لیگ «مردم بنگال» را ایجاد کرد در جریان تابستان سال ۱۹۶۸م. سی و پنج تن بنگالی به رهبری مجتبی الرحمن متهم به جداسازی شرق پاکستان شدند. تا در سال ۱۹۷۱م. اختلافات میان پاکستان شرقی و غربی منجر به یک جنگ داخلی گردید و پس از درگیری‌های خونین جناح شرقی روابط خود را با دولت مرکزی قطع نموده و به صورت یک کشور مستقل به نام بنگله دیش عرض اندام کرد.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به سه گروه جداگانه تقسیم شوند. گروه اول راجع به نقش رهبران و شخصیت‌های ملی در شبه قاره هند که در آزادی و استقلال پاکستان نقش داشتند، گروه دوم راجع به گذشته تاریخی پاکستان و گروه سوم در مورد عوامل جدایی بنگله دیش از پاکستان از همدیگر سؤال نمایند.

سؤالات

۱. مسلمانان چه وقت در شبه قاره هند مسکن گزین شدند؟
۲. مسلم لیگ در کدام سال تأسیس گردید؟
۳. پاکستان در کدام سال و چگونه ایجاد شد؟
۴. بنگله دیش چرا از پاکستان جدا شد؟
۵. بنگله دیش در کدام سال اعلام استقلال نمود؟

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان از بزرگان، اولیا و شخصیت‌های فرهنگی و منابع دست داشته شان راجع به جنبش عدم خشونت معلومات حاصل و در صنف ارائه نمایند.

جمهوری اسلامی ایران



در صنف‌های قبلی راجع به موقعیت، زبان و نفوس ایران معلومات حاصل نمودید. در این درس راجع به کارکردها و وقایع مهم دوره پهلوی و عوامل وقوع انقلاب اسلامی در ایران معلومات ارائه می‌گردد.

اوپا اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ایران در اوایل دوره قاجاریه از هم متلاشی گردید و منتج به یک سلسله تحولات و تغییرات بنیادی در این کشور شد. حوادث سال‌های اخیر ایران متأثر از دو بعد خارجی و داخلی بوده است. در زمینه خارجی باید گفت که نفوذ و سلطه کشورهای استعماری نظیر روس و انگلیس در دوره قاجاریه نقش بسیار مهمی در تضعیف توان اقتصادی ایران داشت. روابط اقتصادی ایران با کشورهای اروپایی که از دوره صفویه آغاز شده بود و از توازن نسبی برخوردار بود؛ اما در اوایل دوره قاجاریه تعادل آن برهم خورده به نفع کشورهای اروپایی و ضرر ایران تمام شد. محصولات داخلی ایران قادر به رقابت با کالاهای خارجی نبود، بنابراین تولید کالاهای داخلی به تدریج، سیر نزولی نمود و محصولات خارجی جای گزین آن گردید. صاحبان صنایع و حرفه‌ها در شهرهای مختلف ایران به تدریج مشاغل خود را از دست داده و بیکار شدند، تولید و رفاه، جای خود را به بیکاری فقر و استبداد عوض کرد.

تمام جنبش‌های ضد استبدادی، عدالت خواهان و احزاب اسلامی نقش مؤثر خود را در اعاده آزادی و عدالت در ایران ایفا نمودند بخشی از تعالیم اسلام مبارزه با سلطه جویی، استبداد، ظلم و ستم فرمانروایان خود کام می‌باشد که اثرات آن را می‌توان در جنبش مشروطیت دوره قاجاری

و ایستاده‌گی مردم را در مقابل دودمان پهلوی مشاهده کرد. حوادث و واقعات جهانی نیز براین تحولات سیاسی و اجتماعی اثرات خود را به جا گذاشت. حدود یک سال قبل از شروع جنگ جهانی اول، احمد شاه قاجار که به سن بلوغ رسیده بود، ناصر الملک را از نیابت سلطنت کنار گذاشت و فرمان برگزاری انتخابات را برای تشکیل مجلس شورای ملی صادر کرد؛ اما سال بعد با آغاز جنگ جهانی اول، مجلس در پی گسترش تجاوزات بیگانه‌گان به تعطیل کشیده شد. ایران با وجود بی‌طرفی در جنگ با تجاوز بیگانه‌گان و نتایج ناگوار جنگ مواجه گردید.

دوره پهلوی

هرچه و مرج اوضاع سیاسی، اقتصادی و اداری ایران پس از جنگ جهانی اول، ایجاد نظام سیوپیالستی در روسیه، امکان سرایت آن به ممالک همجوار و نارضایتی عمومی ملت ایران از وضعیت حاکم، بروز قیام‌های مختلف در گوشه و کنار کشور، مسدود شدن راه‌های تجاری و یاس و نامیدی محافل ملی و وطن دوست از احمد شاه قاجار، زمینه کودتای سوم حوت را فراهم ساخت. مجری کودتا رضاخان بود، وی بعد از تصرف تهران کایenne مستقلی به ریاست سید ضیا الدین طباطبائی تشکیل داد و چند روز بعد، رضا خان به وزارت دفاع منصوب شده و سید ضیا الدین از ایران تبعید گردید و سپس در کایenne قوام السلطنه، زمام وزارت دفاع و فرماندهی قوا انتظامی ایران در دست رضا خان باقی ماند.

در چنین وضعیت، زمزمه مخالفت با احمد شاه قاجار در مجالس، معافل سیاسی و مطبوعات آغاز شد. خدمات بر جسته نظامی رضاشاه قدرت و نفوذ نظامی، حسن سیاست و تدبیر قاطع او مجال و زمینه را برای انقراض سلطنت قاجاریه فراهم ساخت.

رضا خان در غیاب شاه که در اروپا به سر می‌برد، روز به روز موقعیت خود را بیشتر تحکیم می‌کرد و در عین حال می‌کوشید تا با تبلیغاتی وسیع علیه احمد شاه قاجار، او را نسبت به سرنوشت مملکت بی‌اعتنای نشان دهد.

سرانجام، مجلس شورای ملی در عقرب ۱۳۰۴ هـ.ش. انقراض سلطنت قاجاریه را اعلام و حکومت موقت را به سر کرده سپاه، رضا خان پهلوی و اگذار نمود و طبق درخواست مجلس شورای ملی در ماه قوس همان سال، مجلس مؤسسان تشکیل گردید و آن مجلس، سلطنت را به رضا شاه پهلوی تفویض نمود و موادی از قانون اساسی را که طبق آن سلطنت مختص، به خاندان قاجاریه بود، لغو و در مواد جدید سلطنت مختص خانواده پهلوی گردید.

به مناسب وقوع جنگ جهانی دوم که از سال ۱۹۳۹ م. میلادی به طول انجامید در ۲۵



محمد رضا شاه

سپتامبر ۱۳۲۰ ه. ش. قوای اتحاد شوروی و انگلیس از چند جانب به ایران حمله کردند. رضا شاه در همین ماه از سلطنت کناره‌گیری کرد و زمام کشور را به فرزند ارشد و ولی‌عهد سلطنت تفویض کرد و خود عازم افریقای جنوبی گردید. نامبرده پس از دو سال و ده ماه و نه روز دوری از وطن در اثر سکته قلبی وفات نمود.

رضا خان در دوره سلطنت و حکمرانی خویش به اقدامات مهم ذیل دست زد: ایجاد اردوی منظم، تجدید نظام محاکماتی، تدوین مجموعه قوانین مدنی و جزایی، تأسیس اداره ثبت احوال نفوس، صدور کارت‌های هویت، تأمین اداره ثبت املاک، ساختمان راه آهن سرتاسری، تأمین بانک ملی، نشر پول، وضع تعرفه‌های گمرکی، اعمار شهرها، بسط و توسعه فرهنگ، ایجاد شرکت‌ها، ایجاد و تأسیس پوهنتون‌ها، اصلاحات و ریفورم اجتماعی مؤثر و تعمیم آن به ولایات.

محمد رضا شاه پهلوی



رضا شاه پهلوی

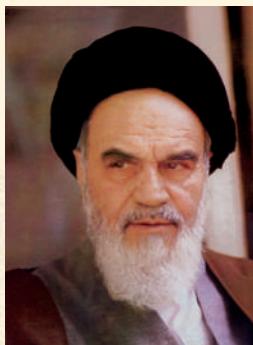
محمد رضا شاه پهلوی فرزند رضا شاه پهلوی دومین پادشاه خاندان پهلوی است، وی در عقرب سال ۱۲۹۸ ه. ش. در تهران متولد و تحصیلات ابتدایی را در مکتب نظامی و تحصیلات عالی را در سویس به پایه اكمال رسانید. در سپتامبر ۱۳۲۰ ه. ش. به اثر حمله نیروهای اتحاد شوروی (سابق) و انگلیس بر ایران رضا شاه از سلطنت برکار و محمد رضا شاه پهلوی که عنوان ولی‌عهدی داشت عهده دار سلطنت گردید. موصوف در ۲۵ سپتامبر در مجلس شورا سوگند وفاداری یاد کرد، بدین ترتیب او در روزهای تاریک که از یک

سو جنگ جهانی دنیا را فرا گرفته بود و از سوی دیگر، کشور ایران

تحت اشغال نیروهای روس و انگلیس به سر می‌برد به سلطنت رسید. سال‌های نخست سلطنت محمد رضا شاه مصادف با روزهای بسیار بحرانی و دشوار بود، زیرا توطیه‌های برای تهدید کشور و استقلال آن و هم تجزیه قسمتی از خاک ایران چیده شد که با صدور اعلامیه کنفرانس تهران که مرکب از سران کشورهای انگلیس، روس، امریکا بود تا اندازه این پلان خنثی گردید و به موجب آن پس از جنگ جهانی دوم، قوای اشغالگر، ایران را ترک گفتند. از اقدامات مهم سلطنت محمد رضا شاه، ملی شدن نفت ایران به رهبری داکتر محمد مصدق می‌باشد.

از وقایع مهم دوره حکمرانی محمد رضا شاه شامل شدن دولت ایران به سازمان ملل متحد، تدویر کنفرانس تاریخی تهران که به موجب آن استقلال و تمامیت ارضی ایران تایید گردید. پیوستن به پیمان نظامی بغداد (ستو) ایجاد نخستین دستگاه تلویزونی، تأسیس بانک مرکزی، مبارزه با بی‌سودایی، حق انتخاب شدن زنان در مجلس سنا و شورا، اعمار سرک‌های بزرگ جهت بهره

برداری، ایجاد احزاب سیاسی، تأمین کارخانه جات موتر سازی، ایجاد خطوط آهن جدید، کشیدن لوله گاز بین اتحاد شوروی (سابق) و ایران، توسعه و تحکیم روابط سیاسی با کشورهای جهان، ساختمان تصفیه خانه‌های نفت، تعیین سرحدات آبی میان ایران و عراق، ایجاد نیروگاه هسته‌ی بی به همکاری فرانسه و آلمان می‌توان نام برد.



آیت الله سید روح الله خمینی

محمد رضا شاه در ماه جدی سال ۱۳۵۷ ه.ش. در اثر قیام مردم و انقلاب اسلامی، ایران را همراه با کلیه اعضای خانواده خود ترک نمود و پس از ۱۸ ماه سرگردانی با بیماری سرطان در سال ۱۳۵۹ ه.ش. در مصر چشم از جهان پوشید و در همانجا به خاک سپرده شد.

اوپایان ایران از سال ۱۳۵۶ ه.ش. دچار تحولاتی سریع شد و نهضتی که امام خمینی از سال ۱۳۴۱ ه.ش. آغاز کرده بود، وارد مرحله گسترشده‌ی شده و مبدل به انقلاب اسلامی گردید که سر انجام در ماه دلو ۱۳۵۷ ه.ش. به پیروزی رسید. بعد از فرار شاه به مصر نظامی که ۳۷ سال بر کشور مسلط بود سرنگون ساخته شد.

سرانجام روز دوازدهم دلو امام خمینی به ایران بازگشت و با استقبال گرم مردم مواجه شد. دولت جدید به تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۱۵ ه.ش. با حکم امام خمینی به نخست وزیری مهندس بازرگان رسمیت پیدا کرد. بازرگان مامور شد تا علاوه بر اداره کشور برای تغییر نظام سیاسی به جمهوری اسلامی، ریفاراندم برگزار کند و بدین ترتیب، عصر تازه در تاریخ ایران آغاز گردید.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به عوامل سقوط حکومت قاجاریه و گروه دوم در رابطه به خاندان پهلوی با همدیگر بحث کنند.

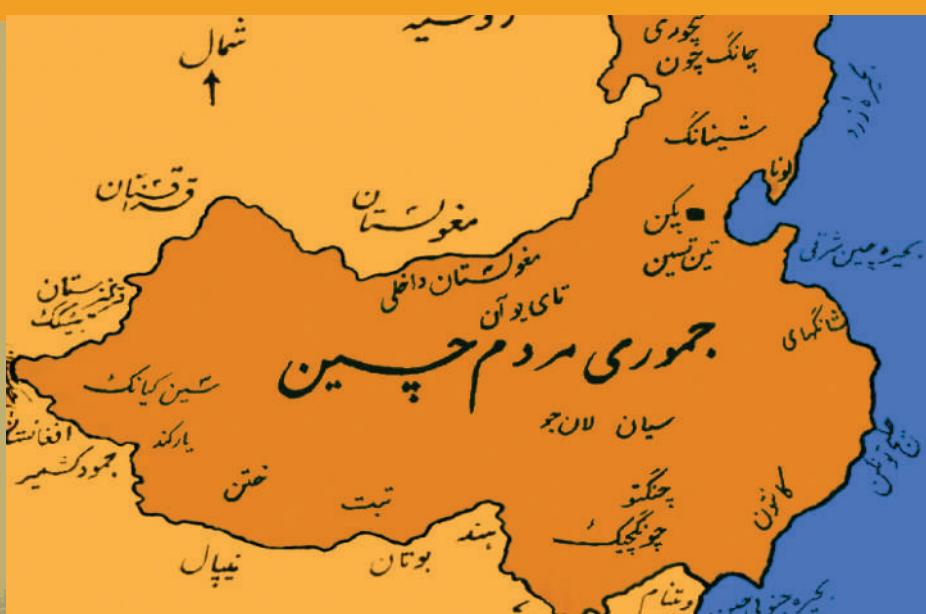
سؤالات

۱. کدام عوامل باعث سقوط سلطنت احمدشاه قاجار گردید؟
۲. رویدادهای مهم سلطنت رضاشاه را فهرست نمایید.
۳. عوامل سقوط سلطنت محمد رضا شاه کدامها بودند؟
۴. انقلاب اسلامی ایران در کدام سال و تحت رهبری کدام شخصیت به پیروزی رسید؟

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان از روی منابع و مأخذ و به همکاری معلمان در مورد عوامل جنگ دوم و تأثیرات آن بالای ایران معلومات حاصل نموده و آنرا در صنف ارائه نمایند.

جمهوری خلق چین



در صنف نهم، شما در مورد موقعیت، نفوس و اقلیت‌های چین آشنایی حاصل نمودید. در این درس راجع به سوابق تاریخی و حوادث سال ۱۹۴۹م. معلومات ارائه می‌گردد.

سرزمین چین در نیم کره شمالی در قسمت شرقی قاره آسیا و ساحل غربی اقیانوس آرام با داشتن ۶,۶ میلیون کیلومتر مربع مساحت، سومین کشور بزرگ دنیا می‌باشد. پایتخت جمهوری خلق چین، شهر پکین (بی جینگ) می‌باشد که یکی از مراکز عصر کهن بوده و سابقه تاریخی آن به ۳۰۰۰ سال قبل بر می‌گردد. شهر مذکور ۱۰۰۰ سال قبل بازسازی شده و هفت قرن قبل، قوبلای خان (بی جینگ) را پایتخت دائمی خویش قرار داد و تا کنون به استثنای سال‌های ۱۹۲۸-۱۹۴۹ میلادی که گومین تانگ پایتخت خود را به نن جینگ منتقل ساخت، پکین حیثیت پایتخت را دارا می‌باشد. اکثر باشندگان چین از نژاد خان (هان) می‌باشند که طی قرون متعددی در همین سرزمین زیستند.

چندین قرن قبل حکومت بنی امیه سرزمین‌های وسیعی از شرق میانه و منطقه از سند تا سواحل جنوبی مدیترانه و شمال افریقا را زیر پرچم واحد اسلام قرار داد، از این‌که وضعیت جنگ و درگیری داخلی در بعضی از مناطق جهان اسلام حکم‌فرما بود، روند توسعه مناسبات با چین تحرک چندانی نداشت.

در دوران خلفای عباسی، به خصوص پس از انتقال مرکز خلافت از دمشق به بغداد از اواسط قرن

هشتم میلادی تقاضا برای کالا های تزیینی باعث تجدد روابط تجاری کشورهای منطقه با چین، به خصوص از طریق راههای زمینی آسیای مرکزی گردید، ولی مبادلات از طریق بحری از خلیج فارس، جنوب عربستان، شرق افریقا، هند، جنوب شرق آسیا تا چین از اهمیت بیشتری برخوردار بود. در این دوره دولت مقدر مرکزی بر دنیای اسلام حکومت می کرد و مدافعان روابط تجاری گسترش ده و وسیعی به خصوص با چین بود، در چین نیز سلسله تانگ ضامن امنیت جاده های تجاری گردید. از قرن شانزدهم میلادی به بعد در اثر تسلط یافتن پرتغالی ها و هالندی ها بر راههای بحری و تجاری منطقه هرمز، در ایران، گوا در هند، و ماکائو در جنوب چین، روابط با چین و سایر کشورهای آسیای شرقی به ضعف گراید.

از اوایل قرن سیزدهم میلادی در اثر هجوم مغول ها تعدادی از کشورهای منطقه و هم مناطق خاور میانه به تدریج به سرنوشت مشابهی رو ببرو شدند. اوکتای قا آن در سال ۱۲۳۰ میلادی با دو برادرش جفتای و تولی و پسران خود به طرف جلگه هوانگ هو حرکت کرد و در سال ۱۲۳۴ میلادی شهر کای فنگ را به تصرف خویش درآورد.



در دوران معاصر، دولت منچو تجارت با انگلیس ها را محدود کرده تحت نظارت قرار داد و خواهان تجدید نظر در مقررات و روابط تجاری شد. سون یات سن انگلیس ها نیز تلاش کردند که از طریق هند به گسترش تجارت با جهان پردازند. هدف اساسی روابط انگلیس ها با چین تجارت تریاک بود که این روابط تجاری پیامدهای ناگواری در قبال داشت که منتج به جنگ تریاک بین سال های ۱۸۴۱ - ۱۸۶۰ میلادی گردید.

در قرن بیست میلادی حکومت های امپراتوری و سپس جمهوری ملی چین بر سر کار آمدند. داکتر سون یات سن که به نام پدر چین (مدرن) مشهور است، رهبر انقلاب ۱۹۱۱ میلادی و اولین رئیس جمهور چین نیز بوده است که رهبری حزب گومین تانگ را تا سال ۱۹۲۱ میلادی به عهده داشت.
انقلاب ۱۹۴۹ میلادی

در بهار سال ۱۹۲۸ میلادی افراد باقی مانده از شورش شکست خورده (فصل خزان) به رهبری مائو و سربازانی که از شورش نافر جام نانچانگ جان به سلامت برده بودند با فرمانده جوده به یکدیگر ملحق شدند. ملاقات این دو رهبر مانع از هم پاشیده گی نیرو های حزب کمونیست گردید و آن دو تصمیم گرفتند نیرو های باقی مانده در چو کات ارتش سرخ چین، سازمان داده شود و اولین پایگاه که حزب کمونیست برای استقرار (ارتش سرخ چین) تأسیس کرد (چنگ کانگ شن) بود. هم چنان مائو در اواخر سال ۱۹۳۱ میلادی اولین جمهوری شورای چین را در ناحیه گیانگسی اعلام داشت.

در پایان جنگ جهانی دوم عملأً دو چین وجود داشت. یک، قلمروی که زیر نظارت گومیندان و دیگری مناطق آزاد شده که تحت رهبری حزب کمونیست چین قرار داشت. گومیندان کمک‌های وسیعی از طرف ایالات متحده امریکا به شکل سلاح و مهمات، آموزش و انتقال سربازان به نواحی شرقی، ساختمان و نگهداری راه‌های ارتباطی، پشتیبانی و حمایت نظامی و دیپلماتیک وغیره به دست می‌آورد. نیروهای کمونیست چین از نگاه نظامی، اقتصادی و تأمین ارتباطات در مقایسه با رژیم چانکای شیک عقب بودند؛ اما حمایت و پشتیبانی مردم را با خود داشتند.



مائو

حزب کمونیست چین آماده‌گی مؤثری برای مقاومت گرفته بود مطابق مصوبه مؤرخ ۴ می ۱۹۴۶ م. کمیته مرکزی حزب کمونیست چین مصادره زمین‌های مالکان بزرگ، اقدامی در زمینه اجتماعی و اقتصادی بود. هم‌مان با آن تدبیری در جهت جلب و احضار عسکری اتخاذ گردید. حزب کمونیست با استفاده از اشکال مختلف مبارزه مسالمت آمیز و نظامی توانست مردم را در مقابل با حملات گومیندان آماده سازد.

اردوی آزادی بخش در تابستان و خزان سال ۱۹۴۸ م. به عملیات موفقیت آمیز قاطع و تعیین کننده دست زد. سربازان گومیندان در شمال شرق چین در شهرها محاصره شده و درهم شکسته، اسیر و یا تسليیم شدند. عمله ترین ناحیه صنعتی چین، یعنی مرکز کارخانه‌های ذوب فلز، استخراج زغال سنگ، ماشین سازی، مرکز انرژی با شبکه‌های پیشرفته حمل و نقل به تصرف نیروهای کمونیست افتاد.

در پایان سال ۱۹۴۸ م. قوت‌های حزب کمونیست به سراسر شمال و شمال شرق چین مسلط گردیدند. در سال ۱۹۴۹ م. بی جنگ بدون مقاومت سقوط کرد و به دست قوت‌های حزب کمونیست افتاد و در فاصله بین ماه‌های اپریل و نوامبر همان سال اغلب شهرهای چین بدون خون ریزی به دست کمونیست‌ها افتاد. چانکای شیک با گروه کوچک از سربازان خود به تایوان فرار نمود. بعد از اشغال پکن و درهم شکستن قوای چانکای شیک حزب کمونیست به پیروزی قاطع و نهایی رسید و مائو روز اول ماه اکتوبر ۱۹۴۹ م. را در میدان صلح آسمانی پیکن، تأسیس جمهوری خلق چین اعلام نمود.

چون سیاست خارجی چین از ۱۹۴۹ م. به بعد بر اساس نظریات و عقاید مائو رقم زده شد، نظریات، افکار و عکس‌العمل‌های او در قبال مسایل داخلی و خارجی بر آن تأثیر کلی داشت. از این رو سیاست خارجی آن کشور از دهه ۵۰ به بعد نیز بر مبنای فراز و نشیب‌های داخلی چین و تحولات در عرصه بین‌المللی، متأثر از آن بوده است.

مائو در دوره جنگ‌های انقلابی و پیش از کسب قدرت کامل نیز مانند دوره‌های بعد هیچگاه از یک

الگوی ثابت برای اعمال سیاست‌های مورد نظر خویش استفاده نمی‌کرد، بلکه با توجه به شرایط سیاسی، اقتصادی، نظامی و فنی چین و اوضاع بین‌المللی، اصول ستراتیژیکی قابل انعطاف را به کار می‌برد. سیاست چین بعد از سال‌های ۱۹۸۰ موجب افزایش روابط کشور مذکور با کشورهای منطقه و جهان گردید با توجه به تازه‌گی ورود فعال چین به صحنه رقابت در منطقه حائز اهمیت بسیار گردید. چین قبلًا در عرصه مناسبات بین‌المللی و به خصوص کمک‌های آن، بیشتر جنبه اعتقادی (ایدیولوژیک) داشت و به منظور سهم بی‌جینگ در گسترش سویالیزم و تقویت نهضت‌های ضد استعماری در نقاط مختلف دنیا صورت می‌گرفت، اما از اوایل دهه ۸۰ میزان، شکل و نحوه آن دستخوش تحول گردید.

سیاست و پالیسی جدید چین در مناسبات بین‌المللی بر اساس برابری، نفع متقابل، تنوع شکل‌های همکاری، نتایج عملی و کیفیت بهتر استوار گردید. هدف این سیاست حضور بیشتر و مؤثر چین در جامعه بین‌المللی می‌باشد. با اتخاذ سیاست درهای باز در چین و گسترش مناسبات سیاسی و اقتصادی آن با جهان، چین در ردیف کشورهای پیشرفته؛ چون جاپان، امریکا و اروپای غربی قرار گرفته است و امروز یکی از قدرت‌های بزرگ جهان می‌باشد.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به گروه‌های جداگانه تقسیم شوند. گروه اولی در مورد سوابق، گروه دوم راجع به تحولات چین از همدیگر سؤال نمایند.

سؤالات

- ۱- کشور چین در کجا موقعیت دارد و در مورد سابقه تاریخی آن چه می‌دانید؟
- ۲- نظام جمهوری در چین چه وقت ایجاد شد و اولین رئیس جمهور آن کی بود؟
- ۳- علت پیروزی حزب کمونیست چه بود؟
- ۴- بعد از جنگ جهانی دوم، چین از نگاه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در کدام حالت قرار داشت؟
- ۵- تغییرات عمده چین را بعد از دهه ۸۰ چگونه ارزیابی می‌کنید؟

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان به کمک و همکاری معلمان، شخصیت‌های فرهنگی و منابع دست داشته شان راجع به عوامل انقلاب ۱۹۴۹ م. در چین معلومات حاصل نموده و آنرا در صنف ارائه نمایند.

تاجیکستان



کشور تاجیکستان یکی از همسایه‌های افغانستان می‌باشد. در صنف نهم شما راجع به نقوس، زبان و اقوام ساکن در تاجیکستان معلومات حاصل نمودید. در درس فعلی راجع به ریشه نژادی، سابقه تاریخی و وضع فرهنگی این سرزمین معلومات به دست می‌آورید.

در شمال افغانستان سرزمین حاصل خیزی واقع است که بسیاری از علماء و دانشمندان عقیده دارند که نژاد آریایی در آن سرزمین، جوار دامنه کوه‌های هندوکش کنار رود جیحون و سیحون اولین روزهای زنده‌گی خویش را گذرانیده است. در کتاب قدیم آریایی‌ها از سرزمینی نام برده شده که آب و هوای آن خلد زمین بود و اجداد ما در آن جا پرورش یافتند و به قرینه می‌توان گفت که مراد همان اراضی دلکش جوار جیحون و سیحون باشد. به قول هنری فیلد (تاجیکان مردم مشهوری هستند که در سراسر مشرق زمین پراگنده اند نه تنها در کشورهای ایران و افغانستان، بلکه در شهرهای ماوراءالنهر و کشورهای تحت تسلط تاتارها سکونت دارند و به قول بعضی، آن‌ها تا مرزهای چین لاقل تا تبت پراگنده شده اند).

عده‌ی قابل ملاحظه‌ی تاجیکان در ازبکستان و قرغيزستان به سر می‌برند. مردم تاجیک نسل آریایی قدیم بودند. اینان نمایانگر بسط یکی از کهن‌ترین تمدن‌های آسیای میانه پیش از ظهور ترکان به شمار می‌روند. زبان ملی مردم تاجیکستان، زبان تاجیکی می‌باشد که با زبان دری و فارسی قرابت نزدیک دارد و هر دو، وارث خصوصیات زبان و ادبیات مشترکی هستند.

اسکندر در سده ۴-ق.م. سرزمین تاجیکان را تصرف کرد و بعد از مطیع ساختن مردم آن، لشکری از یونانیان و مقدونیان را ایجاد کرد و ۳۰ هزار تن از ایشان در آنجا ساکن شدند و با بومیان اختلاط و امتزاج نمودند.

در قرن دوم ق.م. سکاهای یونانیان را گرفتند. در سال‌های ۲۷-۳۹ ق.م. کوای شانگ (کوشان) قبایل دیگر یوچی‌ها را به تصرف خویش در آورد و امپراتوری کوشان را تأسیس



امام علی رحمان

نمود که توانست حدود ۲۰۰ سال بر آسیای مرکزی حکومت کند. امپراتوری کوشانی در اوخر سده سوم میلادی رو به ضعف نهاد و قوم دیگری که رومیان آنان را (افتالیت) یا هون‌های سفید و یا اهیاطله می‌گفتند روی کار آمدند. یورش‌های پی در پی مهاجران ترک، این سرزمین را چنان ترک زده کرد که مهاجمان مغول را نیز در سده‌های ۱۳ میلادی در خود فرو برد و آنان را هم تحت تأثیر قرار داد.

در وسط قرن ۱۹ م. که به مرور زمان دامنه توسعه اراضی روسیه در جهت جنوب به سوی

توضیح

دو سلسله بزرگ چون صفاریان و سامانیان بر سرزمین تاجیکان حکومت کرده و طی سده های متتمادی یکی از مراکز دل انگیز شعرا و فضلاء چون رودکی سمرقند، کمال خجندی، رشید سمرقندی، خواجه عبدالمالک عصاری سمرقندی، خواجه عصمت بخاری بساط بوریاباف سمرقندی و سیفی بخاری بوده است. سمرقند و بخارا مانند بلخ یکی از مراکز بزرگ علوم و فنون وقت و زمان خویش به حساب می رفت.

افغانستان کشیده شد، مراکز عمده تاجیک نظیر اورا، توبه و خجند به روییه ضمیمه شد. شمال تاجیکستان در قلمرو حکومت روییه تزاری و جنوب آن زیر فرمان امیر بخارا درآمد. در سال ۱۹۱۸ میلادی حاکمیت حکومت شوروی در متصرفات پیشین روییه در آسیای میانه برقرار شد. در جریان همین سال، شمال تاجیکستان، بخشی از جمهوری خودمختار ترکستان شوروی شد و در سال ۱۹۲۱ میلادی ارتش سرخ وارد بخش شرقی بخارا گردید و شهر دوشنبه را تصرف کرد.

در مرزبندی ملی سال ۱۹۲۴ م. جمهوری های آسیای میانه، جمهوری شورایی تاجیک جزو ازبکستان و شهر دوشنبه در سال ۱۹۲۹ م. استالین آباد و در ۱۹۶۱ م. دوباره دوشنبه نامگذاری شد و هم به اساس سرحد بندی سال ۱۹۲۴ م. شهرهای؛ چون سمرقند، بخارا مناطق؛ چون سرخان دریا، قشقادریا و نواحی وادی فرغانه از پیکر تاجیکستان جدا گردید و از همان روز های مرزبندی تا اکنون کدام تغییر در آن رونما نه گردیده است.

بعد از فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱ م. تاجیکستان استقلال سیاسی خویش را اعلام نمود. و عضویت سازمان ملل متحد و تعداد مجتمع بین المللی را حاصل کرد.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به اقوام ساکن در تاجیکستان، گروه دوم در مورد تجاوز روس‌ها بر تاجیکستان با یکدیگر بحث نمایند.

سؤالات



- ۱- ساکنان تاجیکستان مربوط کدام نزد می‌باشند؟
- ۲- تاجیکستان در کدام سال جزء از قلمرو جمهوری خودمختار ترکستان شوروی گردید؟
- ۳- تاجیکستان در کدام سال استقلال سیاسی خویش را کسب نمود؟

فعالیت بیرون از صنف



شاگردان با استفاده از منابع و مأخذ و هم به کمک استادان خویش راجع به پخش و نشر اسلام در سر زمین تاجیکستان معلومات حاصل و در صنف ارائه نمایند.

ازبکستان



ازبکستان در گذشته جزء مهمی از منطقه پهناور ماوراءالنهر و یکی از مراکز بزرگ فرهنگ و تمدن اسلامی بود. در این درس به موقعیت، اقتصاد، فرهنگ و فشرده تاریخ آن آشنا می شویم.

ازبکستان کشوریست که در آسیای مرکزی میان رودخانه های آمو و سیردریا موقعیت دارد.

ازبک ها، بزرگترین گروه قومی با بیش از ۷۱ میلیون نفوس کشور را تشکیل می دهند. سایر اقلیت های قومی؛ مانند: روس ها، تاجیک ها، قزاق ها و تاتارها نیز در ازبکستان به سر می برند. ۶۳ درصد جمعیت در قریه ها و قصبه ها امرار معیشت دارند. زبان رسمی مردم ازبکستان ازبکی و روسی می باشد.

سرزمین ازبکستان از ادوار قبل از میلاد مسکونی بوده است. در قرن ششم پیش از میلاد بخش بزرگی از این سرزمین جزو قلمرو هخامنشی ها شمرده می شد. در سال ۳۲۹ ق.م. اسکندر مقدونی سمرقند و ازبکستان فعلی را جزو قلمرو یونان-

با ختری ساخت. در اواسط قرن ششم میلادی تحت سلطه خانهای ترک قرار گرفت. مسلمانان در نیمة دوم قرن هفتم میلادی بر قسمت‌های مهمی از آسیای مرکزی تسلط یافتند.



مسجد طلاکاری

قتیبه بن مسلم والی عربی خراسان مأمور
فتح نهايی ماوراءالنهر شد و طی بیست
سال تا نزدیکی مرزهای چین و کاشغر،
از شمال تا تاشکند کنونی لشکر کشید
و سرانجام سمرقند، تاشکند و فرغانه را
تصرف نمود.

با ظهور و توسعه دین مقدس اسلام، در قرن دهم میلادی، منطقه کنونی ازبکستان جزء از قلمرو سامانیان گردید و با گذشت زمان به ترتیب سلاله‌های؛ چون: غزنویان، سلجوقیان، خوارزمشاهان، مغولان و تیموریان در ازبکستان حکمرانی نموده اند.

مغولان با هجوم به این منطقه، بخش بزرگی از آسیای مرکزی را تصرف کردند، اما به تدریج و با تضعیف قدرت مغول، بهخصوص پس از

حاکمیت تیمور که شهر سمرقند را به عنوان پایتخت امپراتوری خود بنیان نهاد، ازبک‌ها برای نخستین بار به عنوان یک قوم ظهور کردند.

ازبک‌ها، نام خود را از ازبک خان ۱۲۸۲ - ۱۳۴۲ م. که به دین اسلام مشرف شده بود اقتباس کردند؛ چنانکه ابوالخير خان (۱۴۱۲) یکی از اخلاف شیبان جوان فرزند جوجی پایه و قدرت ازبک‌ها را در آسیای میانه بنا نهاد.



اسلام کریموف

توضیح

سمرقند و بخارا از مراکز بزرگ و مهم تمدن اسلامی به حساب می‌رود. آثار و آبدات زیاد از تمدن اسلامی در آن به یادگار مانده است که به گونه مثال می‌توان از مدرسه شیردار، مدرسه طلاکاری، مدرسه الغ بیک، مسجد بی بی خانم، مسجد نمازگاه، مسجد خانقاہ، مقبره امیر تیمور گورکانی مزار خواجه عبدالله حرار، مزار رودکی، مزار شاه اسماعیل سامانی، مجموعه آثار خواجه بهاالدین نقشبند، مدرسه میر عرب، مناره کلان و سایر مزارات و آبدات دیگر نام برد.

نزدیک به ۸۵ فیصد مردم ازبکستان مسلمان بوده و پیرو مذهب حنفی می‌باشند. با وجود تهاجمات فرهنگی متعدد، به سنت‌ها و ارزش‌های اسلامی پابند می‌باشند. ارزش‌های اسلامی، مانند نکاح، تدفین، مراسم به خاک سپاری می‌شوند، ختنه پسران، قربانی، ذبح اسلامی تلاوت و استمعان قرآن مجید، ساختمان مساجد، دادن صدقات در این کشور رعایت می‌گردد.

ترکیب ملی جمیعت ازبکستان از نیمة قرن ۱۹ و آغاز قرن بیستم شکل گرفته است. پس از اشغال آسیای مرکزی توسط روسیه و کوچ دادن تعداد زیادی از روس‌ها به آسیای مرکزی به خصوص بعد از انقلاب اکتوبر سال ۱۹۱۷ م.

از روسیه، قفقاز و اوکراین دهقانان و کارگران به این منطقه سرازیر شدند.

سیر تحولات سریع در اتحاد شوروی سابق در سال ۱۹۹۱ میلادی به رهبری ازبکستان این فرصت را داد که در اول سپتember سال مذکور ازبکستان را به عنوان کشور آزاد و مستقل اعلام نماید. حزب کمونست ازبکستان منحل اعلام شده و اولین انتخابات ریاست جمهوری صورت گرفت و اسلام کریموف به صفت رئیس جمهور انتخاب گردید. ازبکستان از بدء استقلال به عضویت سازمان ملل متحد و تعداد نهادها، مجتمع اقتصادی، بین‌المللی و منطقی داخل گردید.

ازبکستان در میان کشورهای آسیای مرکزی دارای امکانات نسبتاً خوب اقتصادی در زمینه های رشد زراعت می‌باشد. سرزمین ازبکستان دارای معادن مس، سنگ زغال و نفت بوده، در تولید صنعت فولاد، مواد غذایی، منسوجات و پنبه به پیشرفت های زیاد نایل گردیده است.

زراعت، مهمترین بخش اقتصاد ازبکستان را تشکیل می‌دهد، ۲۸ درصد از میزان رشد و ۳۵ درصد از جمعیت فعال کشور به این بخش وابسته اند. ازبکستان دومین کشور صادر کننده پنبه در جهان می‌باشد.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد آبدات اسلامی و گروه دوم در مورد صنایع مهم ازبکستان باهم بحث نمایند.

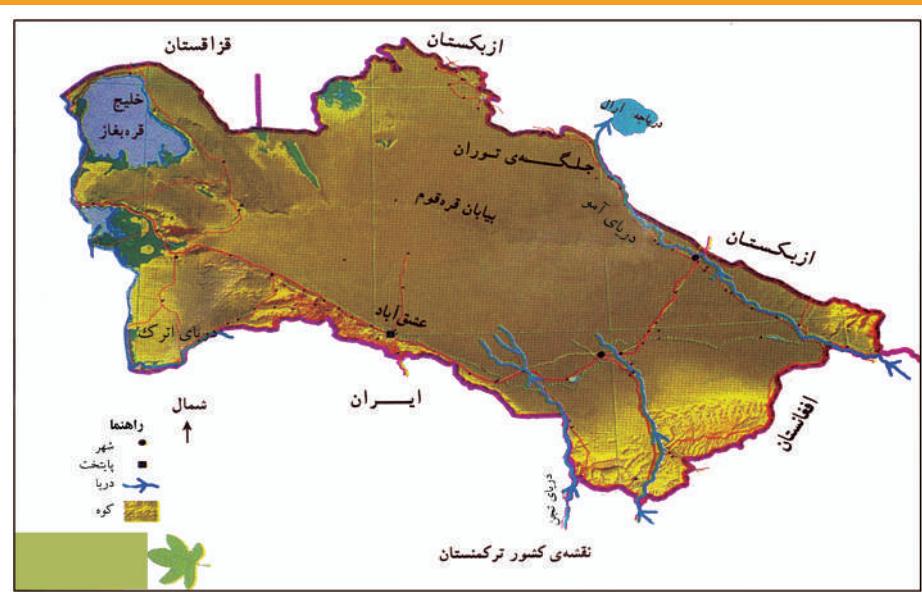
سؤالات

- ۱- موقعیت ازبکستان را مختصر توضیح نمایید.
- ۲- کدام گروه های قومی در ازبکستان زنده گی می‌کنند؟
- ۳- کدام سلسله یا دودمانها در سرزمین ازبکستان حکمرانی نمودند؟
- ۴- مردم ازبکستان به کدام زبان تکلم می‌کنند؟
- ۵- صنایع عمده ازبکستان را نام بگیرید.

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان نقشه ازبکستان را ترسیم نموده و در آن ولایات، مراکز صنعتی و کشورهای همچوار را نشانی نمایند.

ترکمنستان



ترکمنستان در گذشته جزیی از منطقه ماوراءالنهر بوده و امروز یکی از بزرگترین کشورهای صادر کننده گاز در جهان می‌باشد. در صنف نهم شما راجع به موقعیت، نفوس و زبان ترکمنستان آشنایی حاصل نمودید. در این درس به گذشته تاریخی، سلسله نسب ترکمن‌ها و اوضاع فرهنگی و اقتصادی ترکمنستان به طور مسخر معلومات حاصل می‌نمایید.

ترکمنستان کشوریست با سوابق تاریخی کهن. سرزمینی است که مهد تمدن‌های چند هزار ساله بوده و مراکز بزرگ فرهنگی؛ مانند گوک تپه، نمازگاه تپه، شهر مرو، نسae قلعه و اورگنج شهر در آن موقعیت دارد. ترکمن‌ها از لحاظ چهره شبیه مغول‌ها بوده، مردمی نسبتاً بلند قد با موهای سیاه و لاغر اندام می‌باشند.

تحقیقات باستان‌شناسی نشان داده که ترکمنستان در گذشته یکی از مراکز بزرگ مالداری و زراعت جهان بوده است. در عصر برنز تمدن‌های پیشرفته از این محل نشأت کرد. یکی از آثار معماری تمدن باستانی ترکمنستان «الیتن رب» است که بین روستاهای مینا و چاجا قرار دارد. در این محل مقبره بزرگی که از نظر معماری شبیه به آثار بابل است قرار داشته و نیز باستان شناسان ثابت کرده اند که در این ناحیه زبان نوشتاری وجود داشته و مردم آن از فرهنگ عالی و واحد برخوردار بوده اند.

مؤرخان می‌گویند سرزمین ترکمنستان از دوران قبل‌التاریخ مسکونی، در قرن ۴-۶ ق.م. بخشی

از قلمرو امپراتوری هخامنشی بوده و پس از آن به دست پارت‌ها افتاد.

ترکمنستان به دلیل موقعیت جغرافیایی خود نقش مهمی را در جاده بزرگ ابریشم ایفا کرده و طی قرون متعدد باعث اتصال شرق و غرب گردیده است. در قرن ۵ میلادی این سرزمین در اثر هجوم هون‌ها و هپتالیان و عقب نشینی ساسانیان تحت سلطه ایشان درآمد. این نخستین نفوذ اقوام ترک به شمال خراسان بزرگ است. در قرن هفت میلادی با حمله مسلمانان به خراسان این منطقه نیز به تصرف ایشان درآمد. مرو پایتخت حکام عرب خراسان به شمار می‌رفت و حملات ایشان به ماوراءالنهر ازین مرکز هدایت می‌گردید؛ هم‌چنان حضور مامون الرشید در مرو و آمدن امام رضا رحمة الله در تاریخ ثبت شده است.

گرچه نخستین حضور ترکان درین منطقه و ماوراءالنهر با هجوم هیاطله در قرن ۵ میلادی مصادف بوده، لیکن هجوم ترکان غور یا اغوز از مرزهای مغولستان در قرن ۱۰ میلادی بافت جمعیتی این منطقه را برهم زد. سلجوق خان با کمک ترکمن‌های مسلمان موفق شد بر سیحون مسلط گردد و سلسله سلجوقیان را تشکیل دهد.

در قرن ۴ هجری، مقدسی تاریخ نویس عرب اولین فردی بود که از طایفه‌یی به‌نام ترکمن یاد کرد و براین نکته تأکید داشت که ترکمن‌ها، اولین ترک‌های مسلمان بوده و به همین دلیل به عنوان (ترک ایمان) از آن‌ها یاد شده است.

بر اساس کتاب جوامع التواریخ سلسله نسبی ترکمن چنین تنظیم می‌گردد.

بافت بن نوح-دیب یا قوی-قراخان-اوغوز خان «جد اصلی ترکمن‌ها اورخان کرخان» می‌باشد. ترکمنستان محل سکونت اقوام مختلف آسیای مرکزی بوده است؛ ولی اکثریت جمعیت آن را ترکمن‌ها تشکیل می‌دهند و قبیله‌های ذیل در آن سکونت دارند:

۱- عالی ایلی

۲- اتا

۳- چاودار

۴- امرای (یمره لی)

۵- ارساری

۶- گوکلان

۷- ساکار (ساقار)

۸- سایور

۹- ناریق

۱۰- تکه اریموت



ساختمان پارلمان ترکمنستان

از این که اکثر ترکمن‌ها در طول تاریخ از طریق مالداری زنده‌گی نموده‌اند؛ بنا براین بسیاری از آن‌ها در نقاط دهاتی که امکان تداوم این گونه فعالیت‌های اقتصادی میسر بود مسکن‌گزین شدند. تهاجم مغول‌ها و شکست حکومت خوارزمشاهیان باعث از هم گسیخته‌گی شدید اوضاع شد و شهرهای آباد آسیای مرکزی در مجموع ویران و به دست مغولان افتاد. سرزمین مذکور به دو قسمت شمال در اختیار مغول و خان‌های ازبک و جنوب در اختیار ایلخانان قرار گرفت. بعد از شکست شیک خان ازبک از قرن ۱۵-۱۷ م این سرزمین به تصرف صفوی‌ها درآمد. در سال‌های ۱۸۵۰-۱۸۷۳ میلادی تحریکات سیاسی روسیه منطقه پهناور ترکستان را به حکومت‌های بخارا، خیوه، فرغانه، خوقند و قازان تقسیم کرد.

روس‌ها در یک حرکت زنجیره‌یی به ترتیب، بخارا، خیوه، فرغانه و بالآخره در سال ۱۸۸۱ جنral اسکوبلوف روسی با حمله به اخال و تصرف قلعه گوک په توانست بر ترکمن‌ها غله حاصل نموده و ترکمنستان را اشغال نماید. بخش غربی ترکمنستان داوطلبانه جزء روسیه شدند. بعد از انقلاب ۱۹۱۷ میلادی در روسیه، ترکمنستان جزء از جمهوری ترکمنستان شوروی گردید.

بعد از استقلال، اقتصاد ترکمنستان همانند دیگر جمهوری‌های تازه استقلال یافته آسیایی میانه مبتنی بر مالکیت دولتی بود طبق آمار نشر شده ۹۵ درصد از کل محصولات کشور توسط واحدهای دولتی تولید می‌شد. بانک‌ها، بیمه، تجارت خارجی و فروشگاه‌های بزرگ همه‌گی دولتی بودند. این سیستم اقتصادی متصرک دولتی به علت عدم داشتن روحیه ابتکار، کم کاری، بوروکراسی فلجه کننده و فقدان تکنالوژی دچار مشکلات جدی بود و جهت رفع مشکلات فوق دولت به دو اقدام ذیل دست زد:

۱- قطع رشته‌های وابسته‌گی به مسکو و دیگر کشورهای عضو کامنولت.

۲- پایه گذاری یک اقتصاد ملی به منظور استفاده مستقل از منابع طبیعی و تأمین نیازهای مهم داخلی جهت برآورده شدن موارد فوق یک ستراتیژی ملی چند مرحله‌یی را مطرح نمودند. ترکمنستان با داشتن ۲,۷ تریلیون متر مکعب ذخایر گاز بعد از فدراسیون روسیه به عنوان بزرگترین کشور دارای ذخایر گازی در بین کشورهای مشترک المنافع شناخته شده است. در حدود ۴۸ درصد مردم ترکمنستان در امور زراعت و مالداری اشتغال داشته. ۸۰ درصد سرزمین‌های این کشور به فقدان منابع آبی مواجه می‌باشند. مالداری در ترکمنستان توسعه نسبتاً مناسبی داشته است. گوسفند قره قل با پشم و پوست بسیار مرغوب مهم ترین حیوان برای پرورش است. یکی دیگر از صنایع ترکمنستان قالین بافی می‌باشد که در بین زنان ترکمن رواج داشته و قالین‌های ترکمنی شهرت بین المللی دارد.

ترکمنستان در آسیای مرکزی به لحاظ شرایط خاص جغرافیایی از موقعیت ستراتیژیک

مناسب برخوردار است.

- این کشور دارای منابع عظیم زیرزمینی و به خصوص نفت و گاز می‌باشد، همین موضوع توجه دولت‌های منطقه را به ترکمنستان جلب نموده است.
- ترکمنستان دارای پتانسیل (بالقوه) انتقال گاز به اروپا و تعداد از کشورهای دیگر می‌باشد و به عنوان یکی از تأمین کننده‌های انرژی اروپا به حساب می‌رود.
- ترکمنستان به عنوان یکی از کشورهای ساحلی بحیره کaspian، دارای ذخایر بزرگ انرژی بوده و از ارزش اقتصادی بلندی برخوردار است.

ترکمنستان در طی ۶۰ سال حاکمیت نظام اتحاد شوروی سابق همچون سایر جمهوری‌های آسیای مرکزی، مرحله‌یی از نظر تحولات تاریخی منجمد را سپری نموده است. تنها واقعه قابل ذکر در این دوران اعمار کanal قره قوم می‌باشد.

با بالا گرفتن بحران در اتحاد شوروی سابق، حزب کمونست ترکمنستان منحل گردید و حزب دموکراتیک ترکمنستان در ۲۶ اکتوبر ۱۹۹۱ ایجاد گردید که رهبری آن را نیازاف بر عهده داشت. در ۲۷ اکتوبر سال مذکور ترکمنستان به شکل رسمی استقلال خویش را اعلام نموده و به حیث یک کشور مستقل به رسمیت شناخته شد. یک سال بعد قانون اساسی جدید این کشور از طرف پارلمان تصویب شد، که بر اساس مواد آن به صلاحیت‌های رئیس جمهور افزوده شد. ترکمنستان بعد از استقلال، عضویت سازمان ملل متحد، سازمان همکاری اقتصادی کشورهای مستقل مشترک المنافع، بانک توسعه، آسیایی، بانک توسعه اسلامی، سازمان کنفرانس اسلامی، سازمان بین‌المللی کار و ده‌ها سازمان بین‌المللی دیگر را کسب نموده است.

فعالیت داخل صنف

شاگردان در صنف به سه گروه جداگانه تقسیم شوند. گروه اول راجع به موقعیت ترکمنستان، گروه دوم در مورد استقرار ترک تبارها و گروه سوم در رابطه ریشه نژادی ترکمن‌ها از هم‌دیگر سؤال نمایند.

سؤالات

- ۱- قبایل مشهور ترکمن‌ها را نام بگیرید.
- ۲- روس‌ها در کدام سال ترکمنستان را اشغال نمودند؟
- ۳- ترکمنستان بعد از استقلال چگونه ستراتیژی را مطرح نمود؟

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان نقشه ترکمنستان را ترسیم نموده، در روی آن مراکز صنعتی، فرهنگی، پایتخت و همسایه‌گان آن را نشانی نمایند.

بررسی فصل سوم

فصل سوم کتاب تاریخ صنف دوازدهم تحت عنوان «کشورهای همجوار» تهیه و ترتیب گردیده است که شامل تاریخ معاصر کشورهای چین، پاکستان، ایران، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان می‌باشد. در تأثیف این فصل تا حدی زیاد کوشش شده تاشاگردان به طور فشرده با رویدادها، حوادث، موقعیت، نفوس، زبان‌های مروج و معمول، میراث‌های فرهنگی، اقتصاد و صنعت هر کشور معرفت و آشنایی حاصل نمایند؛ هم‌چنان در تعدادی از درس‌ها سعی به عمل آمده است تا حوادث تاریخی کشورهای همجوار در طی دوره‌های خاص فهرست گردیده و به تفصیل بیشتر واقع پرداخته شده تاشاگردان در عمق قضایا و رویدادهای تاریخی قرار بگیرند و حوادث تاریخی برای شان واضح و قابل فهم باشد. در این فصل تاریخ از چارچوب خشک سیاسی بیرون گردیده انکاس دهنده فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جوامع یادشده بشری می‌باشد. گرچه ذکر تمام حوادث و رویدادهای تاریخی کشورهای همجوار در طی یک فصل کار بی‌نهایت مشکل است؛ ولی تا سرحد امکان، کوشش شده که به مأمول و هدف مورد نظر رسیده باشیم.

فصل چهارم

رویدادهای مهم جهان در قرن بیستم

اهداف فصل چهارم

- ۱- آشنایی شاگردان با بعضی از رویدادهای مهم جهان در قرن بیستم
- ۲- شاگردان جنگ جهانی اول و علل آن را تحلیل کرده بتوانند
- ۳- شاگردان جنگ جهانی دوم و علل آن را تحلیل کرده بتوانند
- ۴- شاگردان ضرورت تشکیل سازمان ملل متحد را درک کرده بتوانند
- ۵- دانستن زمینه‌های تبدیل جاپان به قدرت صنعتی
- ۶- شاگردان عوامل فروپاشی اتحاد شوروی سابق را تحلیل و تفسیر کرده بتوانند
- ۷- استفاده از نقشه و اطلس‌ها
- ۸- ساختارهای سیاسی آلمان فدرال، فرانسه و انگلیس را بدانند.

جنگ جهانی اول و علل آن



در این درس شاگردان با علل و عوامل جنگ جهانی اول و پیامدهای ناگوار آن آشنایی حاصل می‌نمایند.

غرب در اوایل قرن بیستم با سلطه نظامی و اقتصادی بر جهان دست یافت. درین قرن سربازان و مقامات اروپایی بر هند، جنوب شرق آسیا و قسمت‌های بیشتر افريقا حکومت می‌کردند. ماموران سیاست خارجی و تجاری دولتهای غربی امور اقتصادی و سیاسی چین، ایران و امپراتوری عثمانی را در دست داشتند. در نیم کره غربی، ایالات متحده آمریکا که در جمع

قدرت‌های غربی نو مطرح شده بود، به قدرت بزرگ جهانی تبدیل می‌شد.

تحول اوضاع و احوال جهان به گونه بود که وقوع جنگ عمومی را محتمل می‌ساخت و این اوضاع و احوال سرانجام به جنگ جهانی اول انجامید. نخست رقابت اقتصادی بر سر بازارها آغاز شد و اتحاد اروپا، کشورها را بر ضد یکدیگر متحد ساخت و در گروههای قومی احساسات ملی گرایانه با نیرومندی رشد کرد.

کشورهای صنعتی اروپا بر سر نفوذ و مستعمره ساختن کشورهای دیگر با هم رقابت داشتند.

انگلستان تا ۱۸۷۰م کشور صنعتی پیشگام در سراسر جهان بود؛ سپس آلمان پا به عرصه صنعت نهاد و به سرعت صنعتی شد و شبکه حمل و نقل و ارتباطات جدید را ایجاد نمود. تاجران آلمانی رقابت موفقیت آمیزی را با تاجران انگلیسی در شرق آسیا، خاور میانه و امریکای لاتین آغاز کردند.

رقابت بر سر قدرت بین المللی به مسابقه تسلیحاتی دریایی نیز مبدل گردید. کشورهای بزرگ؛ مانند ایالات متحده امریکا و ژاپان، برای محافظت از مسیرهای کشتی رانی خود، نیروهای دریایی شان را تقویت کردند.

انگلستان ساختن کشتی‌ها و توبهای دریایی غول پیکر را در ۱۸۸۴م آغاز کرد. آلمان که رقیب اصلی انگلستان در عرصه اقتصادی بود، به زودی از آن کشور تقیید کرد.

رشد سریع نیروی دریایی جرمنی در اوایل سده بیستم؛ تهدیدی برای نیروی دریایی انگلستان بود. انگلیس سعی کرد برای پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی دریایی، با آلمان به توافقی دست یابند. زمانی که این کوشش ناکام ماند، انگلستان نیز به جستجوی متحдан برخاست.

فرانسه و انگلستان موافقتنامه بی میان کشورهای خویش در ۱۹۰۴م امضا کردند. انگلستان در ۱۹۰۷م با روسیه نیز متحد شد و اتحاد این کشورها به اتفاق سه گانه (مثلث) تبدیل گردید.

قدرت‌های بزرگ اروپا در آن زمان در دو نظام اتحادی بر ضد یکدیگر صفت بسته بودند و هر دو نظام خود را مسلح می‌ساختند. تهدید جنگ جهانی بیشتر شد، بدگمانی و بی اعتمادی، سیاست خارجی صلح آمیز را پیش دشوار ساخت. قبل از وقوع جنگ جهانی اول و لیعهد اتریش در سارایو مرکز بوسنی به قتل رسید.

آلمن مصمم بود که تنها از متحد بزرگش اتریش پشتیبانی کند. متحد دیگر ایتالیا بود. روسیه بر عکس تصمیم گرفت که به صربستان، کمک کند. ارتش روس نخستین ارتشی بود که برای

جنگ آمده شد. حکومت آلمان از روس‌ها خواست تا دست از بسیج قوا بردارد، زیرا از آن بیناک بود که روسیه و فرانسه هر دو و همزمان به خاکش حمله کنند. روسیه درخواست آلمان را رد کرد و در اول آگوست ۱۹۱۴م. آلمان به روسیه و بعد به فرانسه اعلام جنگ داد. آلمان‌ها بی‌طرفی بلژیک را در ۱۳ آگوست ۱۹۱۴م نقض و به آن کشور حمله کردند، روز بعد انگلستان به آلمان و اتریش اعلام جنگ داد. در ظرف یک هفته پس از تصمیم اتریش برای حمله به صربستان، کشورهای دو اتحاد بزرگ وارد جنگ شدند.

جنگ جهانی اول در آگوست ۱۹۱۴م آغاز گردید و کشورهای عضو هردو اتحاد امیدوار بودند که به سرعت پیروز شوند، البته همه آن‌ها به اشتباه محاسبه می‌کردند. روس‌ها به سرعت بسیج شدند. فرانسه حمله آلمان را از طریق بلژیک پیش بینی نمی‌کرد. ایتالیا از جنگیدن در جبهه متحد آلمانی‌ها و اتریشی‌ها سرباز زد. اتریش، بیشتر به لحاظ دست پاچگی، نتوانست حتی بر صربستان کوچک پیروز شود.

امريکا سنت جدایی از امور اروپا را حفظ کرد و بی‌طرفی خود را اعلام داشت. جبهه‌های شرقی و غربی دو میدان اصلی جنگ بود. جبهه غربی از مرز سویس و در خاک فرانسه تا بحیره شمال ادامه داشت. جبهه شرقی به خاک لهستان و روسیه کشیده شده بود در ۱۹۱۶م جبهه شرقی در بالکان باز شد.

متفقین در ۱۹۱۵م. کوشیدند برای شکست دادن امپراتوری عثمانی، جای پایی در آبنای دردانیل ایجاد کنند، هزاران تن از نیروهای متفق، که بسیاری از آنان جوانان استرالیایی بودند، در دامنه کوهستان‌های که ترکان عثمانی، با توب و سلاح دست داشته از آن‌ها دفاع می‌کردند، جان خود را از دست دادند. اتباع عرب امپراتوری عثمانی در سال ۱۹۱۶م بر ضد حاکمان ترک شان قیام کردند. این قیام به رهبری ملک فیصل، از خاندان اصیل هاشمی از عربستان به فلسطین و سوریه کشیده شد. فرانسه و انگلستان هردو نیازهای سورشیان عرب را

تامین کردند. و به این ترتیب، امپراتوری عثمانی با پیشروی جنگ فرو پاشید و باسقوط خلافت عثمانی، مسلمانان سمبول وحدت سیاسی خود را از دست دادند.

آلمنی‌ها در فبروری ۱۹۱۶ با مشکل اقتصادی رو به رو شدند. مرکز و فرماندهی ارتش آلمان برای بیرون رفتن از بن بست تصمیم گرفت به شهر وردن در فرانسه حمله کند. البته انتظار نداشتند که در جبهه نیروهای متفق پیروزی بزرگ به دست آورده؛ بلکه امیدوار بودند تا نیروهای فرانسوی را در جریان دفاع از شهر به تدریج از بین ببرند.

مدافعان، برای برداشتن فشار از وردن نیروی، مرکب از انگلیس‌ها و فرانسوی‌ها را تشکیل دادند و حمله سنگین را در امتداد رود سوم^۱ آغاز کردند. در نخستین روز نبرد سوم، انگلیس‌ها حدود ۶۰۰۰۰ نفر تلفات دادند. در ۲۴ ساعت اول، در هر دقیقه ۱۵ انگلیس کشته و ۳۰ تن مجروح شدند.

انگلیس‌ها در جریان نبرد سوم وسایل جنگی تازه دیگر را وارد کردند. نبرد شهر وردن تا دسامبر ادامه یافت. آلمانی‌ها در این نبرد ۳۳۰۰۰ و فرانسوی‌ها ۳۵۰۰۰ تلفات دادند. تلفات در جبهه ایتالیا در حدود ۳۰۰۰۰۰ بالغ شد. در جبهه شرقی شاید حدود ۲،۱ میلیون تن در نبرد کشته شدند. نبرد سوم بیش از یک میلیون مجروح بر جای گذاشت.

در ۷ می ۱۹۱۵م. یک زیردریایی آلمانی به کشتی اقیانوس پیمای لوسی تانيا که در دریای ایرلند در حال حرکت بود، حمله برد. این کشتی به سرعت غرق شد و ۱۲۰۰ تن تلفات جانی داشت بیش از ۱۰۰ تن از غرق شده گان اتباع ایالات متحده امریکا بودند. لوسی تانيا به مقصد انگلستان مخفیانه سلاح و مهمات حمل می‌کرد.

غرق شدن لوسی تانيا، ایالات متحده و آلمان را به میدان جنگ کشانید ۱۰ ماه بعد تنش‌ها افزایش یافت. در ۲۴ مارچ ۱۹۱۶ آلمانی‌ها کشتی فرانسوی ساکن در بحیره مانش را غرق

۱- سوم (Somme) منطقه‌یی است در شمال شرق فرانسه مشرف به بحیره مانش

کردند و بار دیگر اتباع امریکا کشته شدند.

جنگ جهانی اول نخستین نبرد هوایی تاریخ بود در مراحل نخستین جنگ اکثر کشورهای درگیر برای شناسایی موقعیت واحدهای دشمن از هواپیماها استفاده کردند. ایالات متحده امریکا و متفقانش با نظام مراقبت دریایی به حمله‌های آلمان پاسخ دادند. تعدادی از کشتی‌ها به منظور مراقبت همراه یکدیگر حرکت می‌کردند.

در مارچ ۱۹۱۸. در مدت ۱۸ روز پس از امضای معاهده برست لیتوفسک، انتقال نیروهای آلمانی از جبهه روسیه به جبهه غرب امکان پذیر شد. آلمانی‌ها حمله وحشت باری را در جبهه غربی آغاز کردند و با بمباران سنگین آتش توپخانه و بم‌های گازی یورش آوردند و واحدهای انگلیسی، فرانسوی، بلژیکی را به سمت دریا عقب راندند.

بلغارستان در سپتامبر ۱۹۱۸ م. با درخواست آتش‌بس موقت موافقت کرد. امپراتوری عثمانی در پایان اکتوبر تسلیم شد. در سوم نوامبر ۱۹۱۸ م. اتریش و مجارستان توافق آتش‌بس را امضا کردند که به منزله پایان یافتن مداخله آن‌ها در جنگ بود.

در صبح ۱۱ نوامبر ۱۹۱۸ م آتش‌بس عمومی به اجرا درآمد و غرش توپ‌ها در جبهه غربی خاموش شد. پس از چهار سال سرانجام جنگ جهانی اول به پایان رسید.

بر اساس آمار رسمی جنگ جهانی اول ۹۱ میلیون سرباز نیروهای زمینی و بحری در جنگ کشته شدند و یا از جراحت و بیماری جان باختند و بیش از ۲۱ میلیون تن نظامی مجروح شدند. ۷۴ میلیون تن اسیر یا مفقودالاثر گردیدند. این ارقام شامل غیر نظامیان نمی‌گردد.

پیامدهای اقتصادی جنگ

در اثر جنگ جهانی بیشتر نواحی شمال شرقی فرانسه، لهستان(پولند)، صربستان و شمال شرق ایتالیا به ویرانه تبدیل شد. تنها در فرانسه حدود ۴۸۰۰ کیلومتر مربع زمین‌های جنگلی سوزانده شده و حدود ۱۲۸۰۰ کیلومتر مربع زمین‌های زراعتی نابود گردید. زراعت میکانیزه در اطراف

وردن تا یک نسل پس از جنگ ناممکن بود، به خاطری که پارچه‌های فلز روی اراضی را پر کرده بود. خسارات مادی، مردم نواحی روستایی و شهری، هردو را با مشکل اقتصادی روبه‌رو ساخت. زارعان (کشاورزان) بیشتر از یک میلیون رأس مواشی و حیوانات را از دست دادند. در شهرها زیادتر از ۶۰۰۰۰۰ ساختمان ویران و یا آسیب دید. پل‌ها، راه‌های بزرگ، تونل‌ها، راه‌های آهن، خطوط تلگراف و تیلفون از بین رفت.

جنگ جهانی اول پر مصرف‌ترین و ویرانگرترین جنگ تاریخ بشریت به حساب می‌رود. این جنگ امپراتوری روسیه، آلمان، اتریش، مجارستان و ترکیه عثمانی را متلاشی کرد. سلسله‌های رومانوف هونسلورن و هاپسبورگ از قدرت ساقط شدند. بیشتر نقشه‌های اروپا و جنوب غربی آسیا از نو کشیده شد و امپراتوری فرانسوی در میان فاتحان تقسیم گردید.

جنگ فرانسه و روسیه را ویران کرد و آلمان، بلژیک و انگلستان را نیز متضرر ساخت. ایالات متحده امریکا به انزوا بازگشت. قحطی و بیماری تلفات زیاد را بیار آورد و امپراتوری‌های قدیم اروپا از هم گسیخت و بالآخره صلح پس از چهار سال جنگ طولانی فرا رسید.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به علل جنگ جهانی اول و گروه دوم در مورد رقابت کشورهای اروپایی باهم بحث نمایند.

سؤالات

۱. جنگ جهانی اول در کدام سال به وقوع پیوست؟
۲. در دو اتحاد جداگانه کدام کشورها عضویت داشتند؟
۳. بیشترین تلفات را درین جنگ کدام کشورها متحمل شدند؟

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان در مورد عواقب و پیامدهای بعد از جنگ از روی منابع و مأخذ، مطالبی تهیه و در صنف ارائه نمایند.

جنگ جهانی دوم



ادولف هیتلر

در این درس راجع به بحران سال‌های قبل از جنگ جهانی دوم، عوامل جنگ و پیامدهای

آن آشنا می‌شوید.

بحران و رکود اقتصادی بین سال‌های ۱۹۲۹ - ۱۹۳۳ م. در آلمان با قوت خاص گسترش یافت این بحران سه سال دوام نمود و صنایع ۴۰ درصد کاهش یافت. تعداد بیکاران به ۷,۵ میلیون نفر رسید، مزد واقعی ۲۵ - ۴۰ درصد تنزیل یافت. زراعت دستخوش حوادث شده، تعدادی از بانک‌ها ورشکست گردید. بحران اقتصادی، ساختار سیاسی جمهوری ویمار را متزلزل ساخت و زمینه را برای ظهور هیتلر در صحنهٔ سیاسی فراهم کرد.

ادولف هیتلر در سال ۱۸۸۹ م. در اتریش به دنیا آمد، پس از جنگ جهانی اول حزب نازی را تشکیل و در اوایل ۱۹۲۰ م. رهبری آنرا به دست گرفت که ملی‌گرایی، افراط‌گرایی، نژاد‌گرایی و یهود‌ستیزی اصول حزب نازی بود. هیتلر در جنگ عمومی اول چند بار مجروح شد. یکی از شعارهای نازی‌ها این بود: (امروز آلمان، فردا جهان) هیتلر معتقد بود که هر کسی بر اروپای مرکزی مسلط شود، می‌تواند بر سراسر قارهٔ اروپا و جهان تسلط یابد.

فرمان روایان سلطه طلب اروپا، تهدیدی علیه صلح بودند. در اتحاد شوروی، استالین می‌خواست قدرتش را گسترش دهد، موسولینی در اروپا استقرار دوباره امپراتوری روم باستان را در سر

می پرورانید.

در ۱۹۳۶ میلادی جامعه ملل به کلی بی اعتبار شده بود. هیتلر و موسولینی در اکتوبر همان سال محور روم- برلین را تشکیل داده و آن را «پیمان پولادین» نامیدند. پس از مدت کوتاهی جاپان و ایتالیا پیمان ضد کمترن را امضا کردند، پیمانی که هدف آن جلوگیری از گسترش کمونیزم بود.

امپراتوری جاپان در تابستان ۱۹۳۷ م. به شمال چین یورش برد. جامعه ملل بار دیگر نتوانست صلح را برقرار سازد. هیتلر در ۱۹۳۸ م. اتریش را ضمیمه آلمان کرد، سپس خواستار الحاق سودت و مناطق آلمانی که بر اساس پیمان ورسای جزو چکوسلواکیا شده بود، دوباره به آلمان یکجا ساخت. هیتلر و موسولینی در ماه دسامبر با نخست وزیران انگلستان و فرانسه در مونیخ دیدار کردند.

ارتش آلمان در اول دسامبر ۱۹۳۹ م به لهستان (پولند) هجوم برد و اردوی لهستان به سرعت درهم شکست. انگلستان و فرانسه در ظرف ۲۴ ساعت به آلمان اعلام جنگ دادند دیگر جنگ دوم جهانی آغاز شده بود. پیش از آن که جنگ در اروپا آغاز شود، موسولینی دیکتاتور ایتالیا ایتوپیا را فتح کرد. در شمال افریقا بر سر تسلط بر مصر و کanal سویز جنگ در گرفت. طرف برنده که بر کanal سویز مسلط می شد، از این طریق می توانست کشتی های جنگی را به گونه مستقیم به جبهه آسیا بفرستند. کشوری که بر شمال افریقا مسلط می گردید به مناطق نفت خیز خاور میانه نیز دسترسی حاصل می نمود.

نیروهای متوفین پیشوای نازی ها را در العلیین، مصر متوقف ساختند و در سال ۱۹۴۲ م. به ضد حمله دست زدند و ۹۰۰ سرباز آلمانی را به اسارت گرفتند.

جنگ جهانی دوم در اروپا آغاز شد، آلمانی ها به طور کامل برای جنگ آماده گی داشتند و وسایل جنگی ایشان جدید بود و واحدهای نظامی آنان به خوبی آموخته بودند. در دسامبر ۱۹۳۹ تعداد ۵۳ لشکر (فرقه) آلمانی به لهستان یورش بردند و ارتش بزرگ لهستان را در ظرف چهار هفته درهم کوییدند. در این میان، شوروی ها، بر اساس توافق محرمانه با آلمان، لهستان شرقی را گرفتند.

فرانسه پس از جنگ اول، مرزش را با آلمان تقویت کرده بود و برای جلوگیری از یورش

دیگری از جانب شرق خطی از استحکامات، به طول ۳۲۰ کیلومتر ساخت. این استحکامات بر اساس نام سیاستمداری که نقشه آن را کشید، خط مازینو نامیده شد. بیشتر این استحکامات زیر زمین ساخته شده بود.

آلمان به لهستان حمله کرد، نیروهای فرانسوی در خط مازینو مستقر شدند و انگلیس‌ها از بحیره مانش گذشتند و در شمال فرانسه استقرار یافتند. نیروهای دریایی انگلیس بندرهای آلمانی را محاصره کردند.

در جریان جنگ شوروی‌ها در شرق، دولت‌های لتویا، استونیا و لیتوانیا را، در حوزه بالتیک وادار به اتحاد کردند. واحدهای شوروی همچنین اردوی فلاندن را شکست دادند، و مرزهای قدیمی روسیه را باز گرفتند.

در نهم اپریل ۱۹۴۰م. نیروهای آلمانی از زمین و هوای دنمارک و ناروی حمله کردند. دنمارکی‌ها اردو نداشتند و فوری تسلیم شدند. ناروژی‌ها سعی کردند بجنگند، اما در ظرف سه هفته شکست خوردند.

در دهم می ۱۹۴۰م. نازی‌ها به بلژیک و هالند حمله کردند، آلمانی‌ها از نیروهای دریایی، پیاده، تانک، طیارات بمب افگن و قوای کماندو استفاده می کردند و در اطراف خط مازینو متصرف شدند.

آلمانی‌ها در جون همین سال نیروهای شان را در جبهه غرب متصرف شدند و بعد از طریق دشت‌های شمال به فرانسه حمله کردند. از خط مازینو گذشتند و در مدتی کمتر از شش هفته به پاریس رسیدند.

فرانسه در ۲۲ جون ۱۹۴۰م. در برابر آلمان تسلیم شد. مارشال هانری پتن، قهرمان سالخورده جنگ جهانی اول، حکومت تازه تشکیل داد و با آلمان قرارداد آتشبس امضا کرد. بر اساس شرایط تسلیمی، ارتشد فرانسه خلع سلاح شد. آلمان شمال فرانسه، از جمله پاریس را اشغال نمود. دولت پتن برای اداره فرانسه اشغال نشده در جنوب کشور، به ویشی انتقال یافت. در انگلستان رهبری مردم را صدراعظم جدید به نام وینستون چرچیل به عهده گرفت، انگلیس‌ها مصمم بودند جنگ را ادامه دهند.

دامنه جنگ به شبه جزیره بالکان نیز کشیده شد. موسولینی در خزان ۱۹۴۰م. به یونان حمله کرد. در پایان سال مذکور، مجارستان و رومانی به نیروهای محور پیوستند. در اوایل سال بعد

بلغارستان نیز با فاشیست‌ها متحد شد، در بهار ۱۹۴۱م. نازی‌ها به یوگوسلاوی حمله برداشت و بر یونان به شکل کامل مسلط شدند. در افریقا، ارتش ایتالیا در سومالی و مصر با انگلیس‌ها جنگید. تا بهار ۱۹۴۱م. سراسر شمال افریقا به صحنه جنگ کشیده شد.

نبرد با انگلستان به درازا کشید، هیتلر شکیبایی خود را نسبت به جبههٔ غربی از دست داد و توجه خود را به شرق معطوف نمود و کمونیزم را دشمن واقعی تلقی کرد، نامبرده معتقد بود که پیروزی بر اتحاد شوروی گام دیگری به سوی تسلط بر جهان است و در ۲۲ جولای، آلمانی‌ها عملیات جنگی علیه روس‌ها را آغاز کردند. واحدهای آلمانی به اتحاد شوروی، با جبهه‌یی حدود ۳۲۰۰ کیلومتر از دریای بالتیک تا بحیره سیاه، یورش برداشتند. آلمانی‌ها به شرق لهستان و سرزمین‌های بالتیک و بعد به روسیه مرکزی و اوکراین هجوم برداشتند در سپتامبر ۱۹۴۱م. محاصره لینتسکرادر آغاز گردید و صد روز به درازا کشید. نازی‌ها در ماه اکتوبر اوکراین را تصرف و وارد کریمه شدند.

در نوامبر ۱۹۴۱م. نیروهای آلمانی و خطوط تدارکاتی آن بی اندازه گسترش یافت و نشانه‌های شروع فرسوده‌گی در ماشین جنگی بزرگ آلمان دیده شد.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به علل جنگ جهانی دوم و گروه دوم راجع به نقش ادولف هیتلر در این جنگ باهم بحث نموده و نتیجه را در صنف ارائه نمایند.

سؤالات

۱. جنگ جهانی دوم در کدام سال واقع گردید؟
۲. کشورهای محور شامل کدام ممالک می‌گردید؟
۳. آلمان بالای روسیه شوروی در کدام سال حمله نمود؟

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان از روی منابع و مأخذ و به کمک استادان خویش راجع به شکست کشورهای محور معلومات حاصل کرده و آنرا در صنف ارائه نمایند.

حملهٔ جاپان به هندوچین



در این درس با حملهٔ جاپان به جزایر هندوچین، شکست قوای محور و پیامدهای جنگ دوم جهانی آشنا می‌گردید.

در حالی که اردوی هیتلر در سراسر اروپا پخش می‌شد. جاپانی‌ها به فتوحات شان در شرق ادامه می‌دادند و می‌خواستند بر ناحیهٔ وسیعی در شرق مسلط شوند و از زمین و منابع شان استفاده کنند. جاپان در ۱۹۳۲م. بر منچوریا مسلط شد. در ۱۹۳۷م. واحدهای جاپانی و چینی نزدیک پیکن زد و خورد کردند. اردوی جاپان شهر مذکور را گرفت و سپس به سوی جنوب حرکت کرد و جاپانی‌ها تا سال ۱۹۳۹م تقریباً یک چهارم چین را اشغال کردند، اما چینی‌ها تن به تسليمه ندادند و پایتحت را به یانگ تسه منتقل ساخته و به جنگ پراگنده پرداختند. جاپان در سال ۱۹۳۹م. جزیره هانیان و بعضی جزایر کوچک نزدیک ساحل هندوچین را تصرف کرد. این پیروزی مسیر تدارکاتی انگلستان را از هانکانگ تا سنگاپور به خطر انداخت. تهاجمات مذکور ایالات متحدهٔ امریکا را نگران ساخت. ایالات متحدهٔ امریکا در اوایل ۱۹۴۱م. همه روابط تجاری خود را با جاپان قطع نموده و دارایی این کشور را در امریکا ضبط نمود.

در دسامبر همین سال، جاپانی‌ها به پایگاه‌های امریکایی در جزایر هاوایی و فیلیپین و نیز

پایگاه‌های انگلیسی در هانکانگ و مالایا حمله بردند. جاپانی‌ها طیارات و کشتی‌های جنگی ایالات متحده آمریکا در اقیانوس آرام را که در پرل هاربر لنگر انداخته بود بمباران کرد. پیلوتان جاپانی ۱۸ کشتی جنگی و ۱۸۰ فروند طیارة آمریکایی را منفجر کرده و در حدود ۳۵۰۰ تن را کشتند.

جاپان از حمله‌های دسامبر ۱۹۴۱م. در اقیانوس آرام امتیاز بسیار بزرگی بدست آورد و تا اوایل ۱۹۴۲م. به سوی هدف خویش که تسلط بر قسمت‌های شرق آسیا بود، پیش می‌رفت. ارتش امپراتوری جاپان در جنگ‌های برم پیش رفت و گورم، جزیره ویک، و جزایر فیلیپین را تصرف نمود. هانگ کانگ، سنگاپور، جزایر هند شرقی نیز سقوط کرد. نیروهای جاپانی حمله یی را به هند بر تابوی، تدارک می‌دید. در آسترالیا، زیلاند جدید و جزیره‌های هاوایی نیز پیشروی کردند. و چنین به نظر می‌رسید که هیتلر و موسولینی پیروزی را به دست آوردن. بالمقابل نیروهای محور به رهبری چرچیل صدراعظم انگلیس، استالین رهبر شوروی و روزولت رئیس جمهور آمریکا برای مقابله با تهاجم باهم پیوستند. انزوا جویی ایالات متحده آمریکا پس از حمله به پرل هاربر پایان یافت. نیروهای هاوایی و دریایی آمریکایی و استرالیایی در می ۱۹۴۲م پیشروی جاپانی‌ها را در اقیانوس آرام متوقف ساختند. ایالات متحده آمریکا یک ماه بعد کشتی بزرگتری جاپانی را که برای حمله به جزیره میدوی به سمت شرق در حرکت بود متوقف کرد. جاپان و ایالات متحده، سه روز در هوا و دریا در شمال جزیره میدوی جنگیدند که سرانجام ایالات متحده آمریکا پیروز شد.

شکست قوای محور

در نوامبر ۱۹۴۲م. حملات شدید قوای شوروی، آلمانی‌ها را وادار به عقب نشینی کرد و آن‌ها را به محاصره درآورد. هیتلر به واحد هایش دستور داد به جنگ ادامه بدهند؛ اما در جون ۱۹۴۳م. واحدهای آلمانی تسلیم شدند.

در تابستان ۱۹۴۳م. نیروهای انگلیسی- آمریکایی، سیسیل را تصرف کردند. در آخرین ماه‌های همین سال، متفقین آهسته آهسته به سمت شمال پیشروی می‌کردند. در اقیانوس آرام جاپانی‌ها را نیز جزیره به جزیره عقب راندند.

روزولت، چرچل و استالین در نوامبر ۱۹۴۳م. در تهران دیدار کردند. آن‌ها در باره نقشه‌یی

صحبت کردند که به عملیات ارباب معروف است، و آن عبارت از حمله متفقین به فرانسه بود. نیروهای متفقین بر اساس این نقشه باید از بحیره مانش می‌گذشتند و در سواحل نرماندی پیاده می‌شدند.

بیش از ۱۷۵۰۰۰ سرباز و تجهیزات فراوان در این حمله به کار گرفته شد. در ظرف ۱۰۰ روز پس از پیاده شدن نیروها در نرماندی در حدود ۲ میلیون سرباز وارد فرانسه شدند و در ۲۵ آگوست ۱۹۴۴م. پاریس را آزاد ساختند.

قوای شوروی در جون ۱۹۴۴م. ستوانی، لیتوانی، رومانی و بلغارستان را گرفتند و نیروهای انگلیسی آلمان‌ها را از خاک یونان بیرون راندند.

روزولت چرچل و استالین در فبروری ۱۹۴۵م. در ایتالیا، در استراحت گاهی در کنار بحیره سیاه دیدار کردند. رهبران همچنین سعی کردند در باره چگونه‌گی حل و فصل امور در اروپا پس از جنگ توافق کنند. آن‌ها نقشه تقسیم آلمان را به مناطق اشغالی کشیدند، برای هر یک از نیروهای عمدۀ متفقین به اضافه فرانسه یک منطقه را مشخص کردند. کشورهای اروپایی که از سلطه نازی آزاد شدند، باید حکومت‌های شان را انتخاب می‌کردند. روزولت موافقت کرد که اتحاد شوروی به سازمان ملل متحد بیوئند و امتیازات این کشور را در اروپای شرقی تضمین کند.

در اوایل ماه می ۱۹۴۵م. پس از نبرد خونین در جاده‌های شهر بریلین، این شهر در برابر روس‌ها سقوط کرد و زنده‌گی هیتلر در پناهگاهی زیر زمینی اش به پایان رسید. جنگ با چاپان هنوز جریان داشت. روزولت در اپریل ۱۹۴۵ ناگهان در گذشت و هری تروممن که به ریاست جمهوری امریکا رسید از طرح سری مهنتن آگاه شد. گروهی از دانشمندان و مهندسان زیر پوشش این نام مشغول ساختن نخستین سلاح اتمی بودند.

متفقین در ۲۶ جولای به حکومت چاپان اولتیماتوم دادند و از آن کشور خواستند تسلیم شود، حکومت چاپان التیماتوم را نپذیرفت.

در ۲۶ آگوست ۱۹۴۵م. بمب افگن دور پرواز امریکایی بر فراز شهر هیروشیما، در چاپان، بمب اتمی انداخت، این بمب بیش از ۶۰ درصد شهر را ویران کرد و علاوه بر آن ۱۵۰۰۰ تن را کشت.

اما باز هم چاپان تسلیم نشد و در ۲۹ آگوست ۱۹۴۵م. طیاره B-۲۹ بر فراز ناگاساکی بمب اتمی دیگر انداخت و نزدیک به ۴۰۰۰۰ تن از مردم بی دفاع به صورت وحشیانه کشته شد. حدود

۷۰۰۰ به شکل بسیار وحشتناک سوخته بودند.

جاپان در دوم سپتامبر ۱۹۴۵ م. تسليم شد. خبر تسليمی جاپان به سراسر جهان رسید. جمعیت‌های عظیم در همه شهرهای بزرگ کشورهای متفقین به جشن و شادی پرداختند. در هفته‌های بعد روس‌ها منچوریا را اشغال کردند. نیروهای جاپانی در اندونیزیا و مالایا تسليم انگلستان شدند. نیروهای ایالات متحده آمریکا، جاپان را اشغال و چین را آزاد کردند و به این ترتیب ویرانگرترین جنگ در تاریخ بشریت بالآخره به پایان رسید.

ج) نتایج جنگ جهانی دوم

جنگ جهانی دوم خسارات جانی و مالی فراوان به جا گذاشت. در این جنگ در حدود ۴۰-۵۰ میلیون تن کشته شدند. ایالات متحده آمریکا ۳۰۰۰۰۰۰۰ تن از نیروهای مسلح اش را از دست داد. مصارف جنگی، بالغ بر یک تریلیون دالر گردید. ۲۳۰ میلیارد دالر را کشورهای محور خرج نمودند. ایالات متحده آمریکا- در حدود ۳۱۷ میلیارد دالر مصرف نمود. شهرهای بزرگ؛ چون وارشا، لندن، برلین خسارات سنگین دیدند، هیروشیما و ناگاساکی تقریباً نابود شدند. مردم سراسر اروپا و آسیا خانه‌ها، مزارع (کشتزارها) و هم‌چنان شغل‌های خویش را از دست دادند، کلیساها، کارخانه‌ها، جاده‌ها، راه‌های آهن و تأسیسات بندری بر اثر بمباری و آتش توپخانه‌ها ویران شدند. اقتصاد اکثر کشورهای جهان از مسیر اصلی رشد و اکتشاف منحرف گردیدند.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به نقش رهبرانی؛ چون رزولت، چرچل و استالین در شکست کشورهای محور و گروه دوم در مورد پیامدهای جنگ با هم بحث نمایند.

سؤالات

- ایالات متحده آمریکا چرا و روی کدام علت در جنگ دوم جهانی شرکت نمود؟
- جاپان چرا در جنگ دوم جهانی تسليم امریکا گردید؟

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان نقشه اروپا را ترسیم نموده و در آن کشورهای محور و متفقین را نشان دهند.

تشکیل سازمان ملل متحد



در این درس راجع به ضرورت سازمان ملل متحد و زمینه‌های ایجاد و تأسیس آن معلومات حاصل می‌نمایید.

بعد از الغای جامعه ملل در جریان سال ۱۹۴۵م. نماینده‌گان کشورهای متفق برای تصمیم گیری در باره موقعیت جهان پس از جنگ، دیدار کردند. آن‌ها توافق نمودند یک سازمان جهانی تأسیس شود که همه خود را به صلح و همکاری میان کشورها متعهد بدانند و هم متفقین در باره سرنوشت کشورهای که نیروی محور را تشکیل داده بودند تصمیم بگیرند.

متفقین، سازمان ملل متحد را تشکیل دادند و نماینده‌گان ۵۰ کشور متفق از اپریل تا جون ۱۹۴۵م. در سان فرانسیسکو دیدار کردند. آن‌ها بر سر منشوری برای سازمان جهانی به توافق رسیدند. این منشور در ۱۹ فصل و ۱۱۱ ماده تدوین گردید و اساس نامه دیوان بین المللی محکمه لاهه به عنوان جزو لاینفک آن به تصویب رسید. همه ۵۰ کشور به ملل متحد پیوستند. کشورهای عضو برای حفظ صلح و پیشبرد حقوق برابر و حق حاکمیت ملت‌ها بین خود موافقت کردند و همکاری بین المللی را نیز تضمین نمودند.

سازمان ملل متحد، دارای شورای بزرگ می‌باشد. شورای عمومی از نماینده‌گان همه کشورهای عضو تشکیل می‌یابد، البته قدرت واقعی در دست شورای امنیت است. ایالات متحدة امریکا،

انگلستان، فرانسه، روسیه و چین درین شورا چوکی دائمی دارند. شش کشور دیگر به شکل دورانی انتخاب می‌شوند.

رأی شورای امنیت بر اساس رأی اکثریت است. در صورت تصویب قطعنامه، رأی پنج کشور عضو دائمی باید جزء آرای اکثریت باشد، به این ترتیب، هر یک از پنج کشور بزرگ حق ویتو کردن هر یک از تصمیمات شورا را دارد. شورای اقتصادی و اجتماعی، محکمه بین المللی و سرمنشی، ساختار اصلی سازمان ملل متحد را تشکیل می‌دهند. متفقین گذشته از سازمان ملل متحد، برای اداره فوری و ضروری وضعیت جنگ، اکشاف و توسعه در آینده، سازمان‌های متعدد بین المللی را ایجاد نمودند که فعالیت‌های جداگانه را در کشورهای مختلف جهان انجام می‌دهند.

پیدایش سازمان ملل متحد را می‌توان مرهون اقدامات متعددی دانست که هر یک به نحوی از آن‌ها در شکل‌گیری این سازمان مؤثر بوده‌اند. از جمله این اقدامات با رعایت ترتیب زمانی می‌توان به صدور اعلامیه بین متحدهای، منشور اتلانتیک، اعلامیه ملل متحد، کنفرانس‌های مسکو و تهران، کنفرانس‌های دامبارتن، اوکس و بالتا و سرانجام کنفرانس سانفرانسیسکو اشاره نمود.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه جداگانه تقسیم شوند. گروه اول در مورد سازمان‌های بین المللی و گروه دوم در باره اهداف این سازمان‌ها باهم بحث نموده و نتیجه آن را در صنف ارائه نمایند.

سؤالات:

- ۱- سازمان ملل متحد چگونه تشکیل گردید؟
- ۲- چند کشور اعضای شورای امنیت دائمی سازمان ملل متحد را تشکیل می‌دهد؟
- ۳- سازمان ملل متحد در کدام سال عرض اندام نمود؟

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان لست ۳۰ کشوری را که عضویت سازمان ملل متحد باشند ترتیب و در صنف ارائه نمایند.

تبديل شدن جاپان به یک قدرت صنعتی



آیا می‌دانید جاپان چگونه به یک
قدرت صنعتی جهان مبدل گردید؟

در این درس، جواب این پرسش را
درمی‌بایلند

قبل از آن که در مورد تبدیل شدن جاپان به یک قدرت صنعتی پردازیم؛ بهتر خواهد بود تا راجع به گذشتهٔ تاریخی آن چیزی بدانیم. در (۶۶۰) قبل از میلاد نخستین امپراتور جاپان بر تخت نشست. در آن زمان بر طبق قوانین مذهبی (شیتو) امپراتور از قدرت بالاتر برخوردار بود. مقارن قرون وسطی سامورایی‌ها بر جاپان مسلط گردیدند. پیش از این افراد گارد امپراتوری به نام سامورایی یاد می‌گردیدند. در این زمان، جاپان به یک حکومت فیodalی و کشور ضعیف و عقب مانده تبدیل گردید.

دوران معاصر جاپان؛ با تخت نشستن امپراتور (موتسوھیتو) در (۱۸۶۸) م. آغاز می‌شود. دورهٔ امپراتوری او تا سال (۱۹۱۲) م. ادامه داشت که به نام دورهٔ (میچی) یاد می‌گردد. در بخش اداری و نظامی اصلاحات زیاد صورت گرفت و جاپان به یک قدرت جهانی تبدیل گردید.

در جنگ‌های متعدد چین و جاپان و روس و جاپان جاپان، چین و روس را شکست داد و در عین زمان توانست بالای کوریا، تایوان و جزیره سخالین تسلط پیدا نماید.

کشور جاپان مشتمل بر تعداد جزایر خورد و بزرگ می‌باشد و در انتهای شرق دور موقعیت دارد جاپان با وجود داشتن سرزمین کوچک نفوس آن به یک صد و چهل میلیون نفر می‌رسد. بعد از جنگ جهانی اول و شکست آلمان، جاپان برای صنعتی شدن و تبدیل به یک ابر قدرت تلاش‌های زیاد نمود و برای فرا گرفتن دانش‌های فنی از آلمان و کشورهای اروپایی دیگر تلاش نمود و به سرعت به یک قدرت منطقه‌یی از لحاظ اقتصادی و نظامی تبدیل گردید به اثر همکاری‌های تحقیکی قبل از جنگ جهانی دوم با آلمان نزدیک شده و در شروع جنگ دوم با آلمان و ایتالیا به دولت‌ها (محور) شامل گردید. در جنگ جهانی دوم جاپان در بحر پسفيک (آرام) متصروفات زیاد خود را از دست داد و در اخیر پس از بمباردمان اتمی (هیروشیما و ناکازاکی) بدون قید و شرط تسليم امریکا گردید.

پس از پایان جنگ و برقراری صلح، جاپانی‌ها با استفاده از مدیران قوی و مفکررهای جدید برای ترمیم ساختارهای صنعتی و اقتصادی خود شروع به کار نمودند. جاپانی‌ها با اعزام کارشناسان و تکنیشن‌ها و سایر اهل فن به امریکا جهت انتقال آموخته اکثر زمینه‌های رشد، برنامه‌ریزی درست و خصوصی سازی معقول زمینه‌های رشد، نوآوری و توسعه را در کشور به وجود آورdenد. اقتباس از



ساختمان پارلمان جاپان

طرح‌های جدید امریکایی با توسعه و انکشاف روز افزون نصب جاپان گردید و تا کنون این سیاست ادامه دارد. جاپان پس از یکصد سال توانست به یکی از کشورهای بزرگ صنعتی جهان تبدیل گردد، اگر شروع روند صنعتی شدن را انقلاب صنعتی انگلستان قرار بدھیم، مباقی کشورهای پیشرفته غربی پس از دو صد سال به این مرحله رسیده اند و اگر خواسته باشیم علت آنرا جستجو نماییم که چطور جاپان در زمان کوتاه جدول زمانی را طی نمود و به یک کشور صنعتی تبدیل گردید جواب چنین خواهد بود که:

صنعتی شدن، تدریجی و مرحله به مرحله انجام گردید. ابتدا صنایع ساده سپس صنایع پیچیده تر، صنایع سبک و بعد صنایع سنگین، تکنالوژی‌های متوسط و بعد تکنالوژی‌های عالی و پیشرفته در پروسه صنعتی شدن به کار گرفته می‌شود. کشور جاپان با تولیداتی به ارزش (۴,۵ تریلیون) دالر در سال (۲۰۰۵ م.) بزرگترین قدرت اقتصادی دنیا پس از امریکا بود در براعظم آسیا به درجه اول قرار گرفت. گرچه جاپان دارای منابع طبیعی محدود می‌باشد؛ ولی با همکاری دولت در بخش سرمایه گذاری گسترده در تکنالوژی‌های پیشرفته، جاپان از لحاظ صنعت و تکنالوژی از کشورهای عمده شناخته شده و امریکا با (۲۲,۷٪) چین با (۱۳,۱٪) کوریای جنوبی با (۷,۸٪) عمده ترین شرکای تجاری جاپان می‌باشند. امروز جاپان به سرعت در مدت نسبتاً کوتاه به یک کشور صنعتی و پیشرفته دنیا تبدیل گردیده است.

محصولات صادراتی عمده جاپان؛ شامل تجهیزات حمل و نقل، موتر، صنایع الکترونیکی، ماشین آلات، صنایع کیمیاوی، صنایع فولادی، فلزات غیر آهنی، کشتی سازی، نساجی وغیره می‌باشد.

جاپان دارای چندین شرکت موتسازی بین المللی با مارک‌های معترض همچون تویوتا، هندا، نیسان، داتسن و میتسوبیشی وغیره است.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به تاریخ جاپان و گروه دوم در مورد عوامل صنعتی شدن جاپان باهم بحث نموده و نتیجه آن را در صنف ارائه نمایند.

سؤالات

۱. نخستین امپراتور جاپان چه وقت به تخت نشست؟
۲. دوران معاصر در جاپان با کدام واقعه تاریخی آغاز می‌گردد؟
۳. جاپان در جنگ دوم جهانی به نفع و طرفداری کدام کشورها داخل جنگ گردید؟
۴. شرکای تجارتی جاپان را کدام کشورها تشکیل می‌دهند؟
۵. کمپنی‌های بزرگ موتور سازی جاپانی را نام بگیرید.

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان به همکاری استادان و منابع دست داشته خود در مورد سرعت رشد و اکتشاف جاپان معلومات حاصل نموده و آنرا در صنف ارائه نمایند.

فروپاشی اتحاد شوروی



در این درس با عوامل داخلی و خارجی که باعث فروپاشی اتحاد شوروی گردید، آشنا می‌شویم.

الف) عوامل داخلی

نظام مارکسیستی و لینینیستی در اتحاد شوروی از سال ۱۹۱۷ الی ۱۹۹۱ م. برای تحقق سوسیالیزم باوجود تلاش‌های زیادی که صورت گرفت؛ اما از هم پاشید نظام مارکسیستی بر اساس نظریات که توسط طرفداران مارکسیزم ارائه می‌گردید، استوار بود. نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اتحاد شوروی نتوانست نیازمندی‌های مردم روسیه را برآورده سازد. از نظریات مارکسیستی با روش انقلابی روس و تداوم فرهنگ سیاسی، ترکیبی به وجود آمد که با یکدیگر هیچ نوع هماهنگی نداشت، گرچه کشور روسیه را به یک ابرقدرت تبدیل نمود، ولی نسبت ناسازگاری با خصوصیات فطری انسان‌ها سرانجام به اضمحلال رو ببرو گردید.

نظام سیاسی مقتدر در اتحاد شوروی که حزب کمونیست را به عنوان نماینده طبقه کارگر بر این کشور حاکم ساخت و با وجود کنترول شدید و به کار بردن ابزار گوناگون سرکوبی و اختناق بالاًرخه در مقابل امواج اعتراضات مردم که سالیان طولانی را تحت سلطه حکومت

مرکزی سپری نموده بودند تا ب مقاومت نیاورد و دگرگونی‌های وسیع اجتماعی، به خصوص در ساختار اجتماع و طبقه بندی و روش‌های کهن فردی که توسط حزب کمونیست در این کشور اعمال می‌گردید، تحولات دهه ۱۹۸۰ م را تسريع بخشد و بالآخره دروازه زندان ملیت‌ها باز گردید.

نظام حاکم بر اتحاد شوروی که تحت تأثیر نظریات رهبری کمونیزم و مخصوصاً لینین و استالین شکل گرفت، خود از عوامل فروپاشی بود، نظام کنترول اداری و آمرانه اقتصاد که به گونه

کامل بر هر چیز اداره مسلط بود، فرصت هرگونه ابتکار و منافع فردی را در سطوح پایین و متوسط از بین می‌برد و خصوصیات فطرت انسانی را نمی‌پذیرفت. با وجود دستاوردهای صنعتی اتحاد شوروی نیازمندی‌های عادی روزمره مردم را برآورده نتوانست و منابع اقتصادی و قوای انسانی را که در اختیار داشت از آن در بخش نظامی و جنگی استفاده نمود.

فشارهای امریکایی‌ها و ترس از بیگانگان که در داخل جامعه روسی ریشه داشت برای پرده پوشی از نارسایی‌های داخلی به شکل افراط آمیز مورد توجه قرار داده می‌شد.



ریگن و گورباقوف

نظام فدرالی ادعایی کرد که حقوق کامل ملیت‌ها و اقوام رعایت گردیده است؛ ولی در عمل چنین نبود. تبعیض مذکور نا آرامی و نارضایتی‌ها را در بین ملیت‌ها به بار آورد، هرچند گورباقوف در ستراتیژی جدید خود کوشش نمود تا اصلاحات را به وجود آورد؛ اما موفق نگردید تا این که زمینه‌های فروپاشی نظام به تدریج آماده شد.

بالآخره در پایان سال ۱۹۹۱م. نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شوروی که مدت هفتاد و چهار سال با وجود کوشش‌های زیاد موفق به تطبیق و تداوم سوسیالیزم نگردید و از هم پاشید.

ب) عوامل خارجی

جنگ سرد بعد از ختم جنگ جهانی دوم شروع گردید. زیرا در این مدت کدام جنگ بزرگ و یا جنگ بین المللی رخ نداد و ابر قدرت‌ها در این مدت به تبلیغات علیه یکدیگر پرداخته و مسابقات تسلیحاتی شروع گردید و هر یک کوشش می‌نمودند تا سلاح تخریب کننده تولید نمایند. دولت‌های غربی و در رأس آن ایالات متحده امریکا علیه انتشار کمونیزم به تبلیغات گسترده پرداخته. نظام کمونیستی را در اتحاد شوروی تخریب می‌نمود.

رقبات‌ها و همچشمی‌های کیهانی هم یکی از عوامل فروپاشی اتحاد شوروی محسوب می‌گردید، زیرا برای ساختن و پرتاب هر سفینه میلیاردها دالر امریکایی به مصرف می‌رسید. و برای اتحاد شوروی ساختن و پرتاب هر قمر مصنوعی خیلی گران تمام می‌شد.

اشغال افغانستان در ۱۹۷۸م. توسط اتحاد شوروی صورت گرفت و اتحاد شوروی تصور نمی‌کرد که این جنگ آنقدر طولانی گردد و به چنین مقاومت از طرف مردم غیور افغانستان روبه رو گردد. مردم و مبارزین افغانستان بعد از اشغال روس، توسط دولت‌های غربی و اسلامی کمک می‌شد و اتحاد شوروی در این جنگ مصارف زیاد را متحمل گردید که اقتصاد ضعیف آن را ضعیف تر ساخت.

تلفات جانی و مالی در فروپاشی اتحاد شوروی نیز یکی از عوامل عمدۀ بود؛ زیرا تلفات جوانان و معیوب شدن آن‌ها باعث خشم و تنفر مردم از نظام گردیده و خواستار خروج قوای خویش از افغانستان گردیدند؛ بالآخره، اتحاد شوروی در جنگ افغانستان شکست خورد و قوای خود را در ماه فبروری ۱۹۸۹م. از افغانستان خارج ساخت.

زمینه‌ها و عوامل داخلی و خارجی چنان بستر مساعد و مناسب را برای فروپاشی اتحاد شوروی

مها گردانید که با وجود تمام تلاش‌ها و مساعی نظام حاکم نتوانست جلو آن را بگیرد. سرانجام حزب کمونیست بعد از حاکمیت طولانی بر جمهوریت‌های پانزده گانه، متلاشی گردیده. نظام سوسياليسטי پایان یافت و اکثر جمهوریت‌های شامل در اتحاد شوروی استقلال سیاسی خویش را اعلام نمودند.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به ماهیت نظام سوسياليستي، گروه دوم در مورد عوامل داخلی فروپاشی نظام سوسياليستي شوروی باهم بحث نموده و نتیجه آن را در صنف ارائه نمایند.

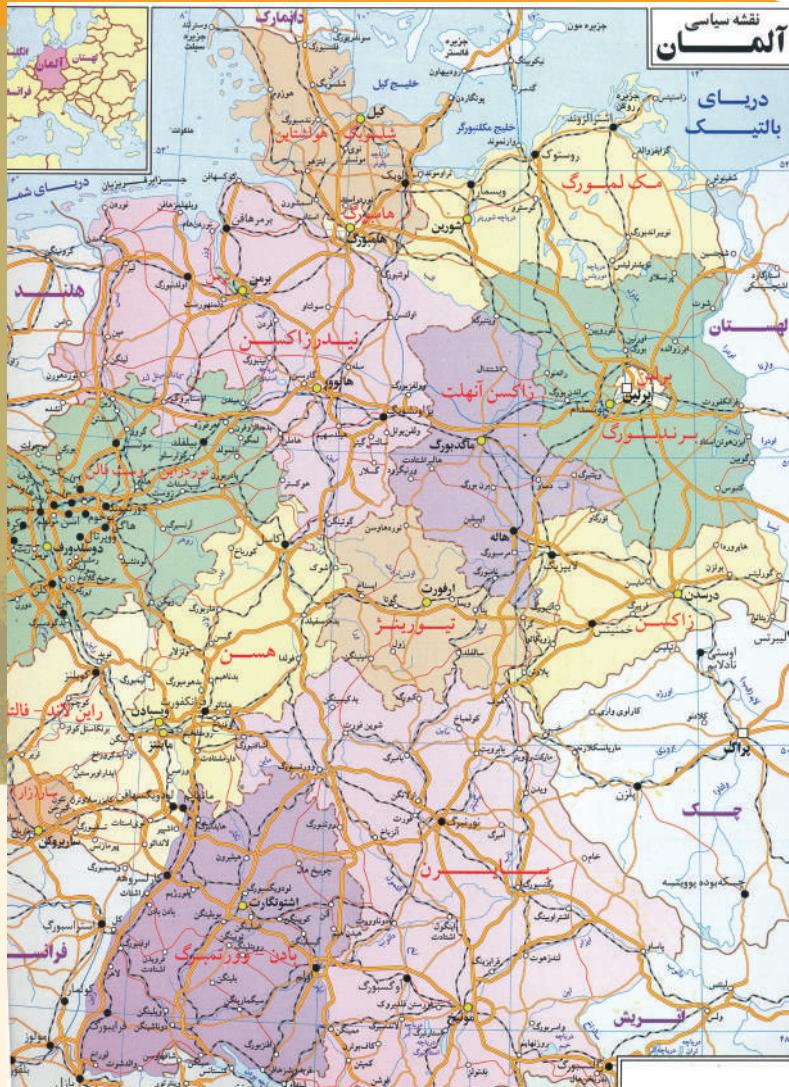
سؤالات

- ۱- انقلاب اکتبر روسیه در کدام سال به وقوع پیوست؟
- ۲- نظام سوسياليستي شوروی در کدام سال فرو پاشید؟
- ۳- در دهه ۱۹۸۰م. کدام تحولات در اتحاد شوروی اتفاق افتاد؟
- ۴- نظام شوروی چند سال دوام نمود و شامل چند جمهوریت فدرالی بود؟
- ۵- جهاد ملت مسلمان و سلحشور افغانستان در سقوط و فروپاشی اتحاد شوروی و کمونیزم بین المللی چه نقشی را ایفا نمود؟

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان راجع به عوامل خارجی فروپاشی اتحاد شوروی از اولیا، بزرگان و شخصیت‌های فرهنگی معلومات حاصل نموده و در صنف ارائه نمایند.

جمهوری فدرالی آلمان



آیا می دانید که
جمهوری آلمان
دارای چند ایالت
و چه نوع ساختار
سیاسی می باشد؟

جمهوری فدرالی آلمان
یکی از صنعتی ترین
کشورهای پیشرو جهان
است. این کشور که در
قاره اروپا واقع شده از

شمال با دنمارک و بحیره بالتیک، از شرق با لهستان(پولند) و جمهوری چک، از جنوب با اتریش و سویس و از غرب با فرانسه، بلژیک، لوکزامبورگ و هالند هم سرحد است.

آلمان دارای نظام جمهوری فدرال دموکرات پارلمانی بوده و مشتمل بر ۱۶ ایالت می باشد. این ایالت‌ها می توانند در برخی مسایل، مستقل عمل کنند. آلمان هنگام جنگ فرانسه و روس در

سال ۱۸۷۱م. به عنوان یک ملت و دولت متحد شد.

قدرت اجرایی در دولت فدرال به دست صدراعظم فدرال است. صدراعظم را شورای فدرال (بوند سرات) انتخاب می‌کند. رئیس جمهور فدرال طی نشست مشترک اعضا (بوند سرات) و تعداد مساوی از نماینده‌گان ایالات (بوند ستاگ) برای دوره‌های پنج سال انتخاب می‌گردد.



با وجود آن که در آگست ۱۹۹۰ میلادی برلین پایتخت آلمان اعلام شد؛ اما پارلمان، وزیران، رئیس جمهور و صدراعظم فدرال در شهر بن استقرار دارند.

جمهوری فدرال آلمان یکی از اعضای سازمان ملل متحد، پیمان انتلاتیک شمالی، کشورهای گروه هفت و گروه پنج، اتحادیه اروپای غربی، کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا و هم از بنیان گذاران اتحادیه اروپا می‌باشد.

کشور آلمان پس از امریکا و چین، سومین قدرت صنعتی جهان است، رشد و اکتشاف اقتصادی این سرزمین پس از جنگ جهانی دوم «معجزه اقتصادی آلمان» خوانده شده است.

آلمان مملکتی است که در آن احزاب مختلف سیاسی فعالیت دارند که بزرگترین آن عبارتند از:

- حزب سوسیال دموکرات «سوسیالیست»
- حزب دموکرات مسیحی «محافظه کار»
- حزب سوسیالیستی مسیحی
- حزب دموکرات آزاد «لیبرال»
- حزب سبزها «حفظ از محیط‌زیست»
- حزب سوسیالیسم دموکرات «حزب کمونیست آلمان شرق سابقه»

آلمان در سیاست خارجی بازیگر تنها نیست و یکی از اصول سیاست خارجی آن تقویت بلاک غرب به شمار می‌رود. آلمان نزدیکی خاص به فرانسه دارد. همکاری و همراهی با ایالات متحده آمریکا، رکن دیگری از سیاست خارجی آلمان را تشکیل می‌دهد. بنای سیاست خارجی آلمان را در سراسر جهان تحکیم صلح، گسترش روابط دوستانه و کمک به رشد اقتصادی کشورهای «جهان سوم»، احترام و رعایت حقوق بشر تشکیل می‌دهد.

زبان آلمان، جزو گروه بزرگ زبان‌های هندو جرمن است. این زبان با دنمارکی، ناروژی، سویدنی، هالندی و همچنین انگلیسی هم خانواده است. در آلمان به لهجه‌های گوناگون صحبت می‌شود، از اغلب لهجه‌ها و تلفظ مردم آلمان می‌توان به منشأ محلی آن پی برد. در ابتدا در سرزمین کنونی آلمان قبایل مختلفی؛ مانند فرانک‌ها، زاکس‌ها، شواب‌ها و بایری‌ها زنده‌گی می‌کردند. در عصر حاضر این قبایل خصوصیات و ممیزات اولیه خود را از دست دادند، ولی سنت‌ها و لهجه‌های شان در گروه‌های منطقه‌یی به حیات خود ادامه داده است. صنایع مهم جرمنی و سایل الکترونیکی، مواد کیمیاگری، منسوجات، مواد غذایی و وسائل ترانسپورتی می‌باشد؛ هم‌چنان آلمان دارای ذخایر زغال سنگ، معادن آهن، مس، قلعی، نکل، نقره، و نمک می‌باشد؛ مگر این اقلام کفایت صنایع آلمان را تکمیل نمی‌کند و شدیداً به واردات متکی است.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد موقعیت آلمان و گروه دوم در رابطه با نظام پارلمانی آلمان باهم بحث نموده و نتیجه آن را در صنف ارائه نمایند.

سؤالات

- ۱- صدراعظم در آلمان چگونه انتخاب می‌گردد؟
- ۲- پارلمان آلمان دارای چند مجلس می‌باشد؟
- ۳- آلمان شرق و غرب در کدام سال باهم یکجا و متحد گردید؟
- ۴- احزاب مهم آلمان را نام بگیرید.

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان در مورد اقتصاد و زبان آلمانی به همکاری استادان و منابع دست داشته خود معلومات حاصل و در صنف ارائه نمایند.

جمهوری فرانسه



فرانسه یکی از کشورهای اروپایی است که تاریخ بسیار کهن و باستانی دارد. در این درس به طور خلاصه با آن آشنا می‌گردید.

فرانسه در غرب اروپا واقع است که به طرف شمال آن بحیره مانش، جنوب آن، بحیره مدیترانه، و در شرق آن بلژیم، سویس، ایتالیا، لوکزامبورگ و ماناکو و در غرب آن خلیج بیسکای و در جنوب آن اسپانیا قرار دارد.

باشندگان این کشور از نژاد سفید فرانسوی می‌باشد که ۹۳٪ نفوس فرانسه را تشکیل می‌دهند. ۹۲٪ مردم این مملکت پیرو دین عیسیوی هستند. و ۹۷٪ ساکنان آن به زبان فرانسوی تکلم می‌کنند.

فرانسه کشوری است که قبل از میلاد به اسم **Gouli** یاد می‌گردید. سلیتیک، باسک و ژرمن‌ها در آن زنده‌گی می‌کردند در حدود ۱۲۵ ق.م. رومی‌ها به گول حمله نموده و مناطق اطراف بحیره مدیترانه را تصرف نمودند.

در قرن ششم و هفتم میلادی در گول شاهان متعدد حکمرانی داشتند و جنگ‌های خونینی رخ داد؛ تمدنی که رومی‌ها اساس و بنیاد گذاشته بود به خطر مواجه گردید.

در سال ۷۷۱ میلادی شارلمان پادشاه فرانسه گردید و در جریان حکمرانی ۵۰ ساله اش فرانسه به فتوحات زیاد نایل آمد. در سال ۷۷۴م. ایتالیا را تصرف نموده، قبایل جرمن را شکست داد و با سربازان اسلام که تا جنوب فرانسه رسیده بودند به نبردهای شدید پرداخت. در ۸۰۰ میلادی رهبر مسیحیان (پاپ) تاج امپراتوری روم را به سر شارلمان زمامدار فرانسه گذاشت. در ختم حکمرانی شارلمان مناطق هالند، بلژیم، آلمان، سویس، اتریش، چک، سلوواک، هنگری، یوگوسلاویا، ایتالیا و اسپانیا زیر نفوذ فرانسه قرار داشت.

از قرن دهم میلادی به بعد، قدرت شاهان فرانسه به تدریج زیاد شد. رهبران کلیسا با شاهان یکجا گردیدند، تجارت توسعه نموده و سهم فرانسه در جنگ‌های صلیبی افزوده شد که باعث اعتبار فرانسه در غرب گردید.

در قرن ۱۳ میلادی فرانسه در اروپا کشور قدرتمند به شمار می‌رفت با وجود جنگ‌های زیاد که با انگلستان کرد، نهادهای مدنی و قضایی در فرانسه ایجاد شد و فلیپ چهارم خدمات شایان در بخش هنر، فلسفه و فرهنگ انجام داد.

در دوره حکمرانی لویی چهارده، فرهنگ فرانسه بی نهایت رشد و انکشاف نمود، اما در زمان لویی پانزده فرانسه دچار بحران شد و به تدریج زمینه‌های انقلاب کبیر فرانسه مهیا و آماده گردید.

در سال ۱۷۸۹ میلادی انقلاب کبیر فرانسه به پیروزی رسید و مرحلهٔ جدیدی در تاریخ فرانسه و اروپا آغاز گردید. قانون اساسی فرانسه تدوین یافت، ولی جرگه شروع به کار کرد، زندان مشهور باستیل باز و به تصرف انقلابیون درآمد، زندانیان آزاد و لویی شانزده اعدام و اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام گردید. نظام شاهی سرنگون، اساس و بنیاد جمهوریت در فرانسه گذاشته شد. در سال ۱۸۰۴م. ناپلیون در رأس نظام فرانسه قرار گرفت و سوگند وفاداری یاد نمود که در حاکمیت موصوف، فرانسه متصرفات زیاد به دست آورد در نتیجهٔ فرانسه به یک قدرت استعماری بزرگ تبدیل شد.

در دوران جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۰م. فرانسه توسط نیروهای آلمانی اشغال گردید؛ اما با بر اثر فشار نظامی متفقین در ۱۹۴۴م. دوباره از خاک فرانسه عقب نشینی کرد.

بعد از ختم جنگ جهانی دوم در ۱۹۴۵م. فرانسه به تدریج مستعمرات خود را از دست داد، ابتدا سوریه، بعد لیبیا، کمی بعدتر، المغرب، تونس، مدغاسکر و یتنام، لاوس، کمبودیا به اثر مبارزات و جنگ‌های خونین آزادی‌بخش توانستند استقلال خویش را حاصل نمایند. در ۱۹۶۲م. آخرین کشور افریقایی الجزایر استقلال خود را به دست آورد و جمهوریت چهارم فرانسه منهدم گردید.

در سال ۱۹۶۰م. فرانسه اولین بم اتومی خویش را در صحرای افریقا آزمایش نمود و به سرعت راه رشد و انکشاف را در پیش گرفت. امروز فرانسه در پهلوی جرمنی و سایر کشورهای اروپایی برای وحدت و یگانه‌گی اروپا سعی و تلاش می‌نماید.

جمهوری فرانسه متشكل از ۲۲ ولایت و ۹۶ ولسوالی می‌باشد؛ هم‌چنان ۷۵٪ نفوس فرانسه در شهرها و ۲۵٪ در روستاهای بسیار می‌برند. در فرانسه رئیس جمهور از طریق انتخابات از طرف مردم برای مدت پنج سال انتخاب می‌شود.

صدراعظم در فرانسه از طریق ائتلاف احزابی که بیشترین کرسی را در پارلمان کسب نمایند انتخاب می‌گردد. پارلمان فرانسه دو جرگه دارد: اول ولسی جرگه (National Assembly) که ۵۷۷ عضو دارد و از طرف مردم انتخاب می‌شود و میعاد کار آن‌ها پنج سال می‌باشد. دوم مشرانو جرگه یا مجلس سنا (Senate) که ۳۲۱ عضو دارد. انتخاب اعضای مشرانو جرگه از طرف انجمنی به نام Electoral college برای مدت ۹ سال صورت می‌گیرد. ولسی جرگه و مشرانو جرگه در فرانسه هر کدام ریس‌های مستقل خود را دارند. رئیس جمهور می‌تواند و مشرانو جرگه را منحل کند. رئیس مشرانو جرگه صلاحیت دارد در غیاب رئیس جمهور، وظایف ریاست جمهوری را پیش ببرد.

در فرانسه احزاب متعدد سیاسی فعالیت دارند، به گونه مثال می‌توان از حزب کمونست فرانسه، رادیکال چپ، جمهوری خواه، جنبش فرانسه، جبهه ملی، غورخنگ ملی، جنبش اصلاح طلبان، حزب سوسیالیست وغیره نام برد.

فرانسه در جمله هفت کشور صنعتی جهان قرار دارد. دارای اقتصاد انکشاف یافته می‌باشد و تمام سکتورهای اقتصادی آن به طور متوازن رشد و انکشاف نموده است.

در فرانسه امروز سهم دولت در اقتصاد به تدریج کم می‌گردد؛ ولی با وجود آن هم دولت فرانسه در شبکه‌های راه آهن، تأسیسات برق، خطوط هوایی، مخابرات سرمایه گذاری نموده، می‌خواهد در پروژه‌های بنیادی اقتصادی که جنبه عام المنفعه دارد حضور خود را حفظ نماید. در بخش صنعت، فرانسه ماشین آلات زراعی، سامان آلات راه آهن، طیارات میراژ، جگوار، Air-Bus، کانکورد، ایرباس، هلیکوپترها، موتور، پروژه‌های وسایل ترانسپورتی، تکنالوژی تولید برق، سامان آلات و وسایل ساختمانی، کمپیوتر، رادیو، تلویزیون، مواد کیمیاگری، وسایل زیستی، عطربایات وغیره را تولید می‌نماید.

فرانسه از جمله کشورهای اروپایی است که از اول جنوری ۱۹۹۹ میلادی پول واحد اروپا (ایورو) را به حیث واحد پولی خویش قبول نموده است.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به سابقه تاریخی و گروه دوم در مورد موقعیت، نفوذ، دین و زبان مردم فرانسه باهم بحث نموده و نتیجه را در صنف ارائه نمایند.

سؤالات

۱. فرانسه در گذشته به کدام نام یاد می‌گردید؟
۲. در قرن هشتم میلادی فرانسه کدام کشورهای اروپایی را تصرف نمود؟
۳. انقلاب کبیر فرانسه در کدام سال به وقوع پیوست؟
۴. در جنگ دوم جهانی فرانسه توسط نیروهای کدام کشور اشغال گردید؟
۵. فرانسه بعد از جنگ جهانی دوم کدام مستعمرات خود را از دست داد؟

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان راجع به دست آوردهای انقلاب کبیر فرانسه مطالبی تهیه و در صنف ارائه نمایند.

دولت شاهی انگلستان



در این درس در مورد تاریخ
انگلستان و مطالبی مهم دیگر
آشنا می‌شوید.

انگلستان، کشوری است که در شمال بحیره انتلاتنیک موقعیت داشته و در جنوب با کانال انگلند، در شرق با بحیره شمال و در غرب با ایرلند سرحد مشترک دارد. انگلستان از لحاظ ساخت طبیعی به سه قسمت تقسیم می‌گردد.

اول اسکاتلند: این منطقه در شمال انگلستان موقعیت داشته و کوهستانی می‌باشد.
دوم ایرلند شمالی یا اولستر Ulster: منطقه اولستر در قسمت شمال شرق جزیره ایرلند واقع است که مرکز آن بلفارست نام دارد.

سوم منطقه ولز: ولز قسمت جنوب جزایر انگلستان را تشکیل می‌دهد.
انگلستان سرزمینی است که دارای جزایر کلان و کوچک می‌باشد و به همین اساس گاهی انگلستان را به نام کشوری (جزایر) می‌شناسند.

۷۲٪ مردم انگلستان مسیحی و ۲۵٪ پیرو سایر ادیان از جمله اسلام می‌باشند.
انگلستان از لحاظ اداری به چهار ولایت بزرگ انگلند England و ولز Wales اسکاتلند Scotland و ایرلند شمالی Northern Ireland تقسیم می‌گردد.

سرزمین انگلستان از گذشته‌های دور مسکونی بوده است. در ختم دورهٔ یخ بندان دو قبیلهٔ جداگانه همای مواشی خود یکجا از خاک اسپانیا امروزی به انگلستان مهاجرت نمودند. باستانشناسان مردم این قبیله را به نام ایبری می‌شناسند.



دیوید کمرون صدراعظم انگلستان

در قرن‌های ۶-۴ ق.م. اقوام سلت Celt از اسپانیا جهت به دست آوردن اراضی و مواشی به انگلند سرازیر شدند و ایبری‌ها را از آن سرزمین بیرون راندند و آخرین هجوم اقوام سلت بالای انگلند در ۷۵ ق.م صورت گرفت.

پنجاه و پنج سال قبل از میلاد سزار ژویوس به امید کسب و حصول اراضی بالای انگلند حمله نمود، مگر تشدید حملات رومیان در سال ۴۳ میلادی بر انگلند صورت گرفت.

بالآخره در قرن پنجم میلادی قدرت رومی‌ها رو به ضعف نهاد؛ به همین سبب اقوام انگل‌لوؤساکسون از خاک جرمنی به انگلند هجوم برندند. انگل‌ها و ساکسون‌ها در ۸۲۹ م. وحدت انگلند را تأمین نمودند و ساکنان آن به انتخاب یک پادشاه موافق شدند. بعد ژرمن‌ها بالای انگلند حمله نموده و به مقاومت شدید روبرو شدند و تنها قسمت‌های شرق و شمال انگلند را تصرف کردند.

در اوایل قرن ۱۳ م. پادشاه انگلند بعضی حقوق مدنی و سیاسی را به رسمیت شناخت، فرامینی صادر نمود که از نظر محظوا با مقتضیات نهادهای مدنی امروز شباht داشت. اشرف، زمین

داران و روحانیون همبسته‌گی خویش را با پادشاه اعلام نمودند. در پهلوی جرگه اشرف، جرگه عوام نیز تأسیس گردید. در سال ۱۴۸۵ م. هانری از خانواده یتودور بر انگلند حاکم شد. شاهان یتودور ۱۲۰ سال بر انگلستان حکومت کردند، اصلاحات زیاد دینی و اجتماعی را به وجود آورده‌اند، کلیسا را از کلیسای روم جدا و ایرلند را با انگلستان یکجا نمودند.

در سال ۱۵۵۸ م. ملکه الیزابت اول حکمران انگلستان شد و انگلستان را به یکی از قدرت‌های اقتصادی و نظامی عصر خویش تبدیل نمود.

انگلستان با فراز و نشیب زیاد تاریخی طی قرون متعددی، در دوران معاصر دو جنگ جهانی را سپری نمود. بعد از ختم جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۹ م. انگلیس و امریکا به خاطر مقابله قدرت روز افزون کمونیست‌ها پیمان انتلاتیک شمالي (ناتو) را ایجاد نمودند. انگلستان در

۱۹۵۷م اوین بم اتومی خود را آزمایش کرد و در ۱۹۷۶م. عضویت بازار مشترک اروپا را حاصل نمود.

حکومت انگلستان، شاهی مشروطه Constitutional Monarchy بوده برخلاف دیگر کشورهای جهان، قانون اساسی تصویب شده واحد ندارد. مگر اساس نامه‌ها، لوایح، قوانین و فیصله‌های ولسی جرگه را دارا می‌باشد که منحیث قانون اساسی از آن کار گرفته می‌شود. پس ملاحظه می‌توانیم که قانون اساسی انگلیس مجموعه‌یی است که نظر به شرایط سیاسی و تحولات اجتماعی در آن تغییرات وارد شده می‌تواند و برخی قسمت‌های آن توسط تصامیم ولسی جرگه لغو و یا تجدید شده می‌تواند.

نظام پارلمانی انگلیس به اساس کدام قانونی تدوین شده به وجود نیامده، بلکه نتیجهٔ تکامل تدریجی قرون متمامی می‌باشد.

پادشاهی در انگلستان میراثی می‌باشد با وجود آن‌که در چهار دهه گذشته مردم سالاری، قدرت پارلمان امتیازات مقام سلطنت را محدود و کم ساخته است باز هم، خاندان حاکم شاهی دارای امتیازات زیاد می‌باشد.

در انگلستان امروزی ملکهٔ بریتانیا با داشتن بعضی صلاحیت‌های تشریفاتی سمبل وحدت ملی بوده در ضمن رهبر دولت، تنظیم کننده نظام و تصمیم گیر نهایی می‌باشد. قوانین را توشیح، حکم صلح و جنگ را صادر، کشورها را به رسمیت شناخته، قرادادها و کنواصیون‌ها را قبول و یا رد، ولسی جرگه را به حالت تعلیق و هم به مشوره صدراعظم ملغاً می‌سازد. پست‌ها و مقامات بزرگ و مهم ملکی، قضایی و سیاسی را تعیین، القاب اشرافی را توزیع و صدراعظم را انتخاب می‌کند، وزیران کابینه به خواست صدراعظم از طرف ملکه انتخاب می‌شود. تعداد زیادی وزیران انگلیس عضویت ولسی جرگه House of Coomons و House of Lords را دارا می‌باشند.

پارلمان انگلستان دو جرگه دارد: اول، ولسی جرگه یا مجلس عوام که ۶۵۹ عضو دارد و اعضای آن از طریق انتخابات برای مدت پنج سال انتخاب می‌شوند. دوم، مشرانو جرگه که ۵۰۰ نفر اشراف به صورت مادام‌العمر Life Peers عضو آن می‌باشند.

در انگلستان احزاب مختلف سیاسی فعالیت دارد که به گونهٔ مثال از حزب محافظه کار

متحده Democratic and Unionist Party، حزب دموکرات متحده Conservative and Unionist Party، حزب کارگر Labor Party، حزب ولز Party of Wales و حزب Unionist Party ملی اسکاتلند Scottish National Party نام برد.

انگلستان یکی از کشورهای بزرگ صنعتی جهان است که صنایع مهم آن را کارخانه‌های بزرگ و کوچک، ماشین آلات مختلف و پژوهه‌های آن، سامان آلات اتوماتیک، وسایط نقلیه، طیاره‌ها، کشتی‌های خورده و بزرگ وسایل زراعتی، خطوط آهن، تولید انرژی و تأسیسات آن، وسایل مخابرات، مواد کیمیاگری و غیر کیمیاگری، وسایل ساختمانی وغیره تشکیل می‌دهد.

انگلستان در ۱۹۴۵ اکتوبر عضویت دائمی شورای امنیت ملل متحد را کسب نمود و در آن شورا حق ویتو را دارا می‌باشد.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد اولین ساکنان انگلستان و گروه دومی در رابطه با تشکیلات اداری و جزایر انگلیس باهم بحث نموده و نتیجه آن را در صنف ارائه نمایند.

سؤالات

- ۱- انگلستان به چند ایالت تقسیم شده است؟
- ۲- در قرن ۱۳ کدام تغییرات در انگلستان به وقوع پیوست؟
- ۳- ملکه در انگلستان دارای کدام صلاحیت‌ها می‌باشد؟
- ۴- صدراعظم در انگلستان چه وظایف را دارا می‌باشد؟
- ۵- صنایع مهم انگلیس را نام بگیرید.

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان از شخصیت‌های دانشمند و منابع دست داشته شان راجع به تاریخ انگلستان و نظام پارلمانی معاصر آن معلومات حاصل نموده و آنرا در صنف ارائه نمایند.

بررسی فصل چهارم

فصل چهارم کتاب تاریخ صنف دوازدهم تحت عنوان رویدادهای مهم جهان در قرن بیستم تأثیف گردیده است که حاوی مطالب ذیل می‌باشد: جنگ اول جهانی و علت‌های آن، جنگ دوم جهانی، تشکیل سازمان ملل متحد، تبدیل چاپان به یک قدرت صنعتی، فروپاشی اتحاد شوروی و ساختارهای سیاسی آلمان، فرانسه و انگلیس می‌باشد. در این کتاب با در نظر داشت عناوین تا حد امکان تلاش گردیده تا راجع به علل و عوامل بحران‌های اقتصادی و سیاسی، جهان در سال‌های ۱۹۱۴، ۱۹۱۸ - ۱۹۳۳، ۱۹۴۵ م معلومات مفید ارائه گردد؛ هم‌چنان مطالب و مفاهیمی که بتواند خسارات، نتایج ناگوار و تلفات بزرگ انسانی و مالی را در طی دو جنگ جهانی به معروفی بگیرد. در این فصل، انعکاس یافته است. دوم، معلومات فشرده راجع به تاریخ، فرهنگ، زبان، و ساختارهای سیاسی آلمان، فرانسه و انگلیس به طوری همه‌جانبه معلومات جمع بندی شده است. موضوع دیگری که می‌تواند ذهن شاگرد را تحریک و انکشاف دهد فروپاشی اتحاد شوروی با وجود حاکمیت بی‌نهایت پیچیده و تبدیل چاپان به یک قدرت بزرگ صنعتی در مدت زمان کوتاه و ایجاد سازمان ملل متحد پس از جنگ جهانی جهت تنظیم روابط جهانی و جلوگیری از فاجعه‌های بزرگ انسانی می‌باشد. امید است این مطالب در ایجاد انگیزه و بلند بردن سطح معلومات و مهارت‌های شاگردان مفید و موثر باشد.